

سالنامه

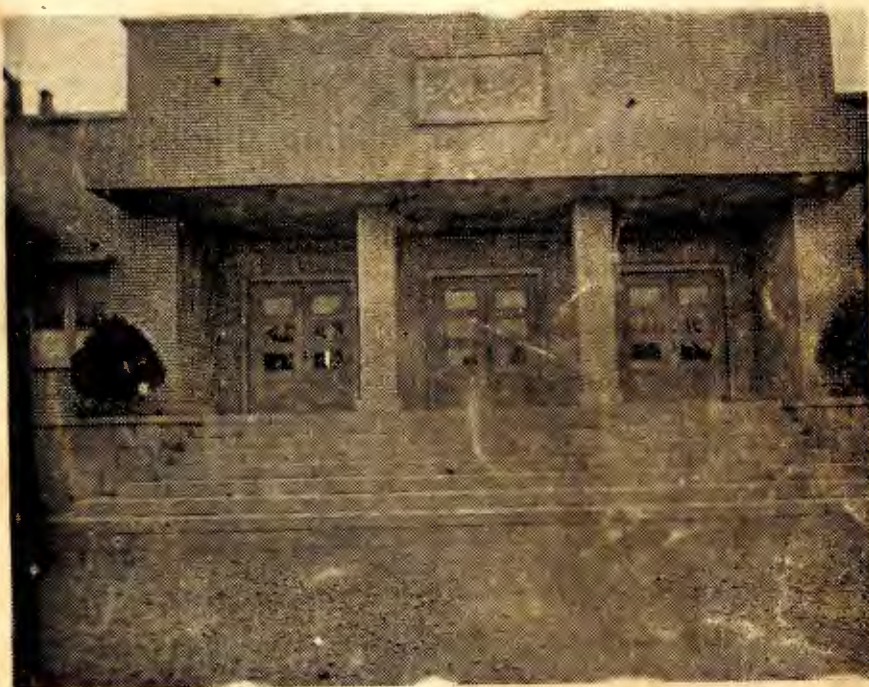
جهد کن تا چون کمال الملك و فیض و محبت
بارها از سر بگیری عمر از کف رفته را



دیرستان محمودیه

کاشان

سال تحصیلی ۴۵ - ۴۶



نمای دبیرستان از جلو

سالنامه

دیرستان محمودیه

کاشان

سال تحصیلی ۴۵ - ۴۶

اردیبهشت ماه ۱۳۳۶

بیست و پنج ریال

سازمان چاپ و انتشارات کیهان



خك كاشان وطن كوچك ماست
هر كجائيم دل ما آنجاست
با همه خشگی و بی آبی آن
کوه علم و ادب را دریاست
مدفن فیض علیه الرحمه است
مـوالید فتحعلی خان صباست
در زری بیافی و قالی بیافی
شهر ما چشم و چراغ دنیا است
همه جا عطر گل قمصر آن
خود گواهی است که قمصر زیباست
فر ایرانی و ایران کهن
از دل دشت « سی ارکش » پیدا است
« سیدی » مهر وطن هر که نداشت
بسرمام وطن بی سروپاست

بنام خدا

میخنی چند درباره دبیرستان

دبیرستان محمودیه که نخستین سالنامه آن اینک انتشار می‌یابد در سال ۱۳۳۲ شمسی، دوه ریاست فرهنگی جناب آقای داودیناه افتتاح شد. ساختمان دبیرستان مذکور که از لحاظ اسلوب و موقعیت و عیناً از بهترین تاسیسات آموزشی فرهنگ کاشان می‌باشد بهمت جناب آقای حسن کاشانیان از بازرگانان مقیم تهران ساخته و در اختیار فرهنگ گذاشته شد با توجه به فرهنگ درستی و حسن نیت بانی محترم آن که



محکم‌ترین
اماس این بنای
مجلل و آبرومند
است، این
دبیرستان به
خود توانسته
است یک نمونه
کامل از یک
مؤسسه فرهنگی
بوده و افتخار
دارد که در این
مدت کوتاه
بهترین دانش
آموزان را
تربیت کرده

گوشه از حیاط دبیرستان

و به جامعه تحویل داده است و نیز امیدوار است در آینده بیش از پیش این راه موفقیت را طی نماید و وظیفه خطیر خود را با دل گرمی هر چه تمامتر انجام دهد.

سال گذشته رشته ادبی در این دبیرستان افتتاح شد ولی در سال تحصیلی جاری بعلمت نبودن داوطلب برای رشته مذکور و نظر باینکه اصولاً دانش‌آموزان این شهرستان بر رشته های علمی بیش از رشته ادبی ذوق و استعداد نشان میدهند با موافقت اداره فرهنگ بجای آن کلاس چهارم طبیعی دایر شد و پس از چندین بعلمت که بود دبیر و بصلاح دید اداره فرهنگ دانش‌آموزان بکلاس چهارم طبیعی دبیرستان پهلوئی انتقال یافتند ولی تصمیم اداره فرهنگ مقرر است در سال آینده در این دبیرستان کلاس چهارم طبیعی تشکیل شود.

سازمان و تشکیلات فنی دبیرستان در صفحات آینده از نظر خوانندگان محترم خواهه گذشت.

جناب آقای خلود ریاست فرهنگ کاشان



آقای حسین خلود

اقامت خود در آبادان برای مطالعات فرهنگی سفری به عراق، سوریه و بیروت نموده اند

در سال ۱۳۳۳ از آبادان به تهران منتقل شده ابتدا به دبیری دبیرستان داوری و پس از آن بنظارت و معاونت دبیرستان راشدی و سپس بمعاونت اداره دبیرخانه شورای عالی وزارت فرهنگ منصوب و پس از آن در شهر یور ۱۳۳۵ بریاست فرهنگ کاشان منصوب و مشغول کار گردیدند. آقای خلود از بدو ورود بکاشان اقدامات مفیدی نموده اند، از آنجمله سروصورت دادن به فرهنگ نظنز، و افتتاح کلاسهای مبارزه بایسواد و تاسیس یک راب کود کستان و چندین اقدام مفید دیگر.

آقای کامبیز آگاه لیسانس ریاضی در ۱۳۲۳ بسمت دبیری دبیرستانهای کاشان منصوب و در سال ۱۳۳۳ بمعاونت اداره فرهنگ بر گزیده شدند.

آقای حسین خلود در سال ۱۳۰۳ در شیراز در یکی از خانواده های مذهبی و محترم پابصره وجود گذاردند، تحصیلات ابتدائی را در دبستان سادات و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شاهپور شیراز گذرانیده و در خرداد سال ۱۳۲۲ فارغ التحصیل ششمادی شده و بازر در تابستان همان سال در امتحانات متفرقه ششم طبیعی تهران شرکت جمسته و موفق باخذ گواهینامه کلاس نهم شده و در همان سال وارد دانشکده علوم (رشته طبیعی) شده پس از سه سال تحصیل از رشته فوق الذکر فارغ التحصیل و بدبیری دبیرستانهای شیراز منصوب و پس از دو سال دبیری در شیراز مقدمات انتقال خود را به آبادان فراهم نمود و در آنجا نیز مدت چهار سال به تدریس علوم طبیعی مشغول بودند، آقای خلود در مدت



آقای کامبیز آگاه



جناب آقای کاشانیان بانی و موسس دیرستان

سازمان دبیرستان

ریاضیت دبیرستان

آقای حسین لسان در کاشان سال ۱۳۰۴ شمسی در يك خانواده مذهبی متولد گردیدند و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در این شهرستان در سال ۱۳۲۱ باخذ دیپلم نائل آمده یکسال بعد بخدمت فرهنگ وارد شدند ، در سال ۱۳۲۴ از فرهنگ استعفا کرده جهت تکمیل تحصیلات بتهران عزیمت نمودند ، با شرکت در امتحانات ششم ادبی و دریافت دیپلم کامل در مسابقه ورودی دانشسرای عالی نیز توفیق یافته



آقای لسان رئیس دبیرستان

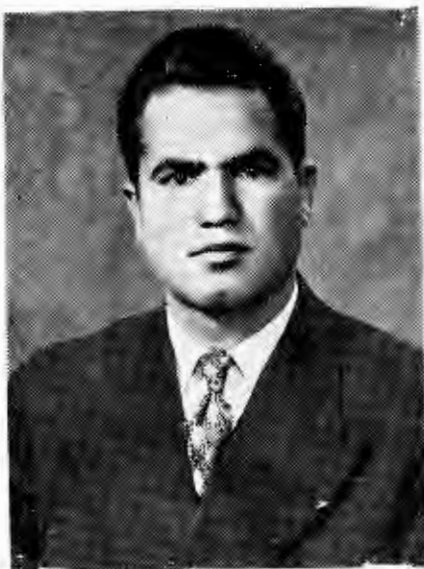
در رشته ادبیات فارسی تحصیل پرداختند و در سال ۱۳۲۷ باخذ لیسانس و دریافت .
مدال درجه اول علمی از دانشگاه تهران نائل و دیگر بار بسمت دبیری در دبیرستانهای کاشان بکار مشغول شدند. در سال ۲۲ بسمت نظامت و مدد ریاست این دبیرستان منصوب گردیدند.

آقای لسان تمام مراحل معلمی را از آموزگاری ، دبیری ، نظامت و ریاست دبیرستان طی نمود و در طول این مدت از ریاضی و طبیعی گرفته تا زبان خارجه و ادبیات فارسی تدریس کرده اند .

و چنه مرتبه ورد تقدیر واقع شده اند امروز اغلب دبیران و آموزگاران فرهنگ کاشان کسانی هستند که روزگاری از کلاس ایشان کسب فیض و معلومات ینموده اند . مشارالیه علاقه وافری بکتاب دانه و پیوسته اوقات فراغت را بمطالعه میپردازند و بقول ایشان مصاحبت کتاب بهترین سرگرمی و تفریح است که هم بر معلومات و اطلاعات میافزاید و هم ملال خاطر و درد سر ندارد و خواندن يك كتاب خوب انسان را يك مرحله بکمال نزدیکتر میسازد و عقیده دارند بزرگترین و مؤثرترین عامل برای پیشرفت و رشه فکری يك ملت و مبارزه با مقاصد اجتماعی بهماز ایجاد مدارس تاسیس کتابخانه های عام المنفعه و بکار انداختن ذوق و علاقه افراد بکتاب است و امید دارند روزی بتوانند با همکاری اولیای امور کاشان چنین قدمی را در این شهرستان بردارند .

آقای تنوتاس ناظم دبیرستان

هرگاه در طول ایام هفته گذارتان دبیرستان بیفتد و وارد کردید شوید قبل از هرچیز متوجه قیافه بشاش و چهره خندان و در عین حال جدی و «ماشاءالله» چاق و چله شخصی خواهید شد که اغلب شاگردان گردش حلقه زده مشغول سوالات درسی هستند و با اعضاء انجمن ها درباره کار های خویش با وی مذاکره می کنند این شخص ناظم ما است ایشان جوانی هستند فوق العاده جدی و فعال و با پشتکار عجیب ، دارای



عزمی راسخ و تصمیمی پابرجا، محال است تصمیمی بگیرد و آنرا عملی نسازد یکی از شاگردان در باره اش گفته : «تنوتاس است ناظم آن جوان لایق و شایق ، آقای تنوتاس در طول نظامت خود با قدرت تمام در دبیرستان کار کرده اند بصورت دقت امتحانات بی اندازه اهمیت میدهند وای بحال شاگردی که قصد تقلب داشته باشد ، در کلاس درس بشاگردان مجال میدهد تا همه اشکالات خود را مطرح نمایند و بعد آنقدر يك موضوع را شرح میدهد تا همه بفهمند در عوض موقع امتحان هم آنقدر هوشکافی می کند که حد ندارد و خلاصه باید درس بلد بود تا نمره گرفت ولو آنکه امتحانی يك ساعت طول بکشد . ناظم ما همه را به برای بهبود وضع دبیرستان فعالیت نموده و مینماید

چنانچه در سال گذشته با کوشش زیاد توانست برای دبیرستان آزمایشگاهی تهیه نموده از این راه کمکی بجای آورد . حاصل بنماید ، این آزمایشگاه گرچه کامل نیست ولی بایه آنرا مرهون زحمات ایشان دانست .

بطوریکه آقای تنوتاس می گویند در کلاس های دوم و ششم متوسطه افتخار شاگردی جناب آقای لسان ریاست فعلی دبیرستان را داشته اند ، امان از دنیا ، روزی معلم وشاگرد روز دیگر رئیس و ناظم .

ناظم محبوب ما که تاهش عنایت الله و فامیلش تنوتاس است بسال ۱۳۰۸ در یکی از خانواده های محترم کاشان تولد یافته ، تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را پسر قریب در دبستان فردوسی و دبیرستان پهلوی این شهرستان به پایان رسانده نامبرده علاقه وافری پت تحصیل داشته و همواره در کلاسها رتبه اول را حائز و چند دفعه باخذ جائزه مفتخر شده اند سپس برای ادامه تحصیلات عازم تهران شده بعد از سه سال تحصیل در رشته فیزیک باخذ لیسانس نائل آنگاه بدبیری دبیرستانهای کاشان منصوب و بمحل خدمت خود وارد شدند اینك پنجسال از خدمت فرهنگی ایشان می گذرد و سومین سالی است که مشارالیه ضمن تدریس فیزیک و ریاضی نظامت دبیرستان را نیز عهده دار می باشند آقای تنوتاس در طول خدمت خود چندین دفعه تقدیر شده اند .

آقای شهزادی مدیر دفتر

آقای عباس شهزادی بسال ۱۳۰۹

در کاشان متولد یافته . تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان حکمت کاشان بپایان رسانده و در بیشتر کلاسها رتبه اول را حائز بوده اند مشاور پایه پس از اتمام تحصیلات ابتدائی وارد کلاس تربیت معلم گشته و پس از دو سال تحصیل در کلاس مزبور در سال ۱۳۲۵ بشغل آموزگاری در فرهنگ کاشان اشتغال ورزیدند سپس درائی پشتکار و وفایت در حین خدمت اداری رمدت سه سال متوالیا بدرافت گواهی نامه های دوره اول و دوم دبیرستان و سپس برای گرفتن ششم بقم عزیمت نمودند و هم اکنون دبیری و مدیریت دفتر دبیرستان محمودیه را عهده دار می باشند .

آقای شهزادی دارای طبع روانی

آقای شهزادی

نیز هستند که اشعار ایشان را در صفحات آینده مطالعه خواهید فرمود .



آقای طاهری منشی دفتر

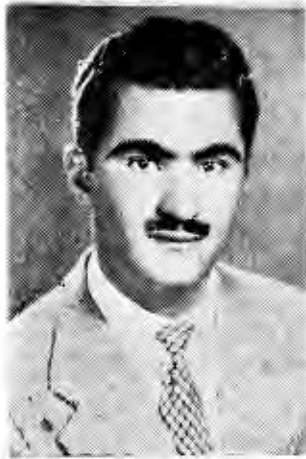
آقای سید نظام طاهری در سال ۱۳۰۶

در طاهر آباد کاشان متولد ، تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان دولتی بدر طاهر آباد بپایان رسانیده و در سال ۱۳۲۹ بخدمت فرهنگ وارد و مشغول انجام وظیفه شده است آقای طاهری اکنون علاوه بر تعلیم خط کارهای دفتری دبیرستان را هم انجام میدهند .



آقای آل نبی دبیر ادبیات

اگر کسی دبیر عربی و ادبیات فارسی ما را شناسد فقط نام ایشان یعنی آقای سیدعلی آل نبی را بشنود در نظرش یک پیرمرد صاحب ردا و عمامه با محاسن سفید مجسم میشود ولی چه اشتباهی زیرا همانطور که ملاحظه میفرمائید دبیر عربی ماجوانی است خیلی شیک که نه قبائی دارد نه ردا ! ایشان دبیری مهربان و رئوف و خوش اخلاق هستند. آقای آل نبی در املش یکی از قصبات گیلان بسال ۱۳۰۸ متولد شده ، تحصیلات ابتدائی و دوره متوسطه را در دبستان و دبیرستان مولوی املش پایان رسانیده و سپس



عازم تهران گردیده و در یکی از آموزشگاهها مشغول تحصیل شد. -ال اول موفق باخذ کواهینامه پنجم و در سال دوم دیپلم ادبی را گرفتند و برای تحصیل وارد دانشکده علوم معقول و منقول شدند. آقای آل نبی در سال ۱۳۳۱ موفق باخذ لیسانس در رشته معقول و منقول شدند . آقای آل نبی پس از اخذ لیسانس در رشته معقول در سال ۱۳۳۲ در وزارت فرهنگ بعنوان دبیر ادبیات فارسی و عربی استخدام و در حوزه فرهنگی کاشان مشغول انجام وظیفه گردیدند و اکنون سومین سال است که در دبیرستانهای کاشان مشغول تدریس می باشند

آقای آل نبی طبع روانی دارند و در شعر گاهی

جلالی و زمانی آل نبی تخلص میکنند یکی دو اثر از ایشان در این سالنامه مندرج است .

آقای حمصیان - دبیر ورزش

آقای محمد حمصیان در سال ۱۲۹۹ در کاشان متولد شده تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان خیام و شاهپور و متوسطه را در دبیرستان پهلوی با تمام رسانیده و پس از آن وارد دانشسرای تربیت بدنی تهران گردیدند و در سال ۱۳۲۲ فارغ التحصیل و بسمت دبیری و زش دبیرستانهای کاشان منصوب شدند .



آقای حمصیان علاوه بر تدریس ورزش مدیریت تربیت بدنی کاشان را نیز عهده دار هستند ایشان بین طبقه ورزشکار و ورزش دوست این شهرستان محبوبیت خاصی دارند .

آقای خواجوی

آقای امیر حسن خواجوی در سال ۱۳۱۲ در شهر مذهبی قم تولد یافته تحصیلات ابتدائی را در دبستان صنایع قم با تمام و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان حکیم نظامی گذرانده است

سپس وارد دانشکده ادبیات و در سال ۱۳۳۵ از آن دانشکده فارغ التحصیل و وارد خدمت فرهنگ گردیده اولین مأموریت ایشان دبیری ادبیات دبیرستان های کاشان می باشد.

آقای رحیم ریاحی دبیر ریاضی - تعلیمات مدنی و..

اگر سنک از آسمان پیارد باید سه ربع قبل از رنگ در دفتر دبیرستان حاضر باشد. جوانی وزنه و لاغر اندام بایک دنیا همت جدی و فعال هیچوقت از کار و کوشش خسته نمیشود. این جوان با ذوق و با استعداد از هر کاری اطلاعاتی دارد از ساعت سازی گرفته تا پیس نویسی بقول معروف «کلید هر قفلی است»، الحق در طول مدت دبیری خود با طیب خاطر مشکلات ما را حل نموده و عملاً با ماهرکاری کرده است همه فرهنگیان میگویند آنوقت که مدیر مدرسه بود مدرسه اش بهترین دبستانهای کاشان بود. با وجودیکه آقای ریاحی در سایر دبیرستانها هم تدریس میکند ولی مابیشتر از سایرین زحمات ایشان را میببینیم و از شما چه پنهان خود آقای ریاحی هم مثل اینکه با این دبیرستان خیلی علاقه دارند.



آقای رحیم ریاحی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهرستان اراک متولد شد و متأسفانه در همان اوان کودکی پدر خود را از دست داده و روی همین اصل وجه تسمیه ایشان از نام پدر گرفته شده است تحصیلات ابتدائی را در دبستان تنظیمیه و دوره متوسطه را در دبستان صمصامیه اراک به پایان رسانده و پس از اتمام خدمت زیر پرچم در سال ۱۳۲۸ به سمت آموزگاری استخدام و در دبستان معارفی مشغول کار شدند و در سال تحصیلی ۲۹ و ۳۰ در ضمن تدریس دریافت گواهینامه پنجم عالی و در سال بعد باخذ گواهینامه ششم طبیعی نائل آمدند. آقای ریاحی بواسطه فعالیت و پشتکار به سمت نظامت دبستان معارفی و در سال

تحصیلی ۳۳ و ۳۴ بر حسب دستور اداره فرهنگ بدبستان نوینیا محمد رضا شاه رفته و چند ماهی نیز عهددار مدیریت آن دبستان بودند. بعداً به سمت دفترداری دبیرستان محمودیه و سال بعد به سمت دبیری دبیرستانهای کاشان منصوب شدند.

آقای زرکش دبیر طبیعی

دبیر طبیعی، جوانیست شیک پوش و مهربان که به موسیقی خیلی علاقه دارد و گاه- آوازی هم میخواند. درست است که آقای زرکش لیسانس طبیعی است ولی زبان انگلیسی و فرانسه را هم تدریس میکند بطوریکه یکی از شاگردان کلاس دوم گفته « زاملاء وز انشاء زبان انگلیسی زرکش هست استاد » عصبانیت آقای زرکش را ماهنوز ندیده ایم ولی از قراریکه میگویند اگر عصبانی شود... تاریخ تولد آقای زرکش اگر چه جزو اسرار بود ولی با اسرار زیاد ما افشاء شد حالا چه حکمتی ست که آقای زرکش نمیخواهد پدانشان در سال ۱۳۰۴ متولد شده اند خدایم دادند. شاید هم این تاریخ تولد صحیح نباشد بهر حال... آقای علی زرکش در سال ۱۳۰۴ در



کاشان متولد و در سال ۱۳۳۱ موفق باخذ لیسانس علوم طبیعی از دانشگاه گردیده و اینک پنجمین سالی است که مشغول تدریس علوم طبیعی و زبان خارجه در دبیرستانهای کاشان میباشد. و کمتر اتفاق افتاده که دبیری تا این حد مورد علاقه شاگردن باشد

آقای سلطان الواعظین = دبیر تعلیمات دینی دبیرستان



آقای سلطان الواعظین

تزدیک به پنجاه سال قبل در خانواده فضیلت و دودمان چهارصدساله مرحوم ملافتح الله مفسر بزرگ قرآن (صاحب منهج الصادقین وغیره) آقای حاج مهدی سلطان متولد شدند تحصیلات ابتدائی را در مدرسه علمیه کاشان به پایان رسانیده سپس رای فرا گرفتن علوم ادبی و دینی در محضر آیات الله عظام آقایان علوی و فقیه سالهای متعددی تلمذ نموده و از ناحیه نامبردگان و سایر اساتید بزرگ ائمهال مرحوم خوانساری بهبهانی، اراقی و رضوی و یش بی مآذون و مجاز و دوره تدریس و نظیر خطابه دانشکده معقول و منقول را مطالعه و موفق و در سال ۱۳۲۸ از شورای عالی فرهنگ باخذ گواهی عالی علمی نائل و با سوابق ممتدی که در فرهنگ این شهرستان دارند فعلا با پایه پنجم دبیری تدریس تعلیمات دینی دبیرستانها را بعهده دارند.

آقای صلاحی



آقای محمود صلاحی کاشانی در سال ۱۳۰۸ متولد و تحصیلات ابتدائی خود را در سال ۱۳۲۳ پایان رسانیده و پس از آن تا سال ۱۳۳۲ در رشته علوم دینی و صرف و نحو ، فقه و اصول ، منطق و حکمت اشتغال داشته و در سال ۱۳۳۳ بخدمت فرهنگ وارد و به تدریس عربی و فقه دبیرستان های کاشان مشغولند .

آقای صناعی

آقای علی اکبر صناعی در کاشان سال ۱۲۷۷ متولد گردیدند تحصیلات خود را در دبستان اسلامی کاشان پایان رسانده و در سال ۱۳۱۵ بخدمت فرهنگ وارد و از آن سال تا کنون سمت هنرآموزی نقاشی و خط دبیرستان های کاشان بعهده ایشان می باشد .

آقای صناعی تقریباً ۱۰ تا دهه دبیران دبیرستانهای کاشان بوده اند و اکنون نیز علاوه بر آنکه مورد احترام شاگردان هستند دبیران نیز احترام فوق العاده ای برای ایشان قائلند

دبیر ریاضی ما $2 \times 2 = 4$



ظهوری جوانی بی آرایش که برای صورت ظاهر اصلا اهمیتی قائل نیست، از اینکه کت و شلوارش اطو نداشته باشد ناراحت نمیشود، ولی حتما باید الله اکبر ظهر نمازش را بخواند. مثل اینکه فرضیه های اتمی و فرمول های بقرنج فیزیک نتوانسته است مبانی دینی ایشان را است کند. گرچه همه دبیران ما پای بنده باصول دینی هستند ولی در این مورد آقای ظهوری سرآمد دیگران است. آقای ظهوری خیلی شمرده و کتابی صحبت می کنند و بین دانش آموزان محبوبیت خاصی دارند.

آقای سیدعباس ظهوری در سال ۱۳۰۴ در کاشان متولد شده و تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان پهلوی باتمام رسانده و پس از آن عازم طهران گردیده و در دبیرستان دارالفنون باخذ

کواهینامه ششم طبیعی نائل و سپس وارد دانشکده علوم رشته فیزیک گردیده و در سال ۱۳۳۰ فارغ التحصیل و عازم تبریز گردید و سپس از چهار سال تدریس در دبیرستانهای آن شهر در سال ۱۳۳۴ بکاشان انتقال یافته و اینک مدت دو سال است که در دبیرستانهای کاشان به تدریس ریاضی و فیزیک اشتغال دارند.

آقای ظهیری

آقای جوآد ظهیری در سال ۱۳۰۶ در کاشان متولد شده دوره ابتدائی را در دبستان شاهپور و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان پهلوی کاشان باتمام رسانیده و سپس برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت و در رشته تاریخ و جغرافیای دانشسرای عالی به تحصیل مشغول و در سال ۱۳۳۲ باخذ لیسانس در رشته مزبور نائل آمدند اینک چهارمین سال است که آقای ظهیری در دبیرستانهای کاشان مشغول تدریس می باشند.



دبیر انگلیسی = آقای فروغی



با قه‌ی بلند، هیکلی موزون، قیافه‌ی باز و آرام
آقای فروغی بیشتر بیک دبیر ورزش شباهت دارد تا دبیر انگلیسی ایشان بسیار مودب، متین، مهربان و در عین حال جدی هستند کلاسی درس آقای فروغی خشک نیست.
ایشان همیشه برای هر سوال جوابی حاضر و آماده دارند.

آقای عطاءالله فروغی در کاشان سال ۱۳۰۸ متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در دبستان خیام و متوسطه را در دبیرستان پهلوی کاشان به اتمام رسانیده سپس برای ادامه تحصیل عازم تهران و پس از سه سال تحصیل در دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۳ در رشته زبان خارجه (انگلیسی) فارغ التحصیل و بکاشان وارد و اینک مدت سه سال است که در دبیرستانهای کاشان به تدریس زبان انگلیسی اشتغال دارند.

آقای عطاءالله فروغی

آقای مصطفوی

خبر! آقای سیدرضا المصطفوی الحسینی در نجف اشرف تحصیل نموده و دبیر فقه و شرعیات و تعلیمات دینی نیستند بلکه دبیر زبان انگلیسی بوده و این زبان را به لهجه صددرسه انگلیسی و آب قاب مخصوصی صحبت میکنند بطوریکه اگر از پشت کلاس ایشان رد شوید خیال می کنید یک نفر انگلیسی مشغول حرف زدن است آقای مصطفوی جوانی متین و خون سرد میباشد شاید این خونسردی نتیجه انگلیسی دانستن ایشان باشد

آقای سیدرضا مصطفوی در سال ۱۳۰۷ در کاشان متولد گردیده و در سال ۱۳۲۹ بخدهت فرهنگ وارد شدند و از بدو ورود تا کنون عهده دار تدریس زبان خارجه دبیرستانهای کاشان هستند.



آقای سیدرضا مصطفوی

آقای منوچهری دبیر شیمی



آقای پرویز منوچهری بسال ۱۳۱۱
در کاشان متولد شده تحصیلات ابتدائی
خود را در دبستان حکمت کاشان و متوسطه
را در دبیرستانهای پهلوی و شرف تهران
بانمام رسانیده اند

سپس برای گرفتن لیسانس وارد
دانشسرای عالی شده و در سال ۱۳۳۵
به اخذ لیسانس در رشته شیمی نائل
و دبیری دبیرستانهای کاشان منسوب گشته اند

آقای هاشمی

آقای ابراهیم هاشمی طاهری
بسال ۱۳۰۳ در طاهر آباد کاشان تولد
یافته تحصیلات ابتدائی را در دبستان
شاهپور کاشان پایان رسانیده بعد از ۶ سال
ترك تحصیل و انجام خدمت زیر پرچم بسال
۱۳۲۷ وارد خدمت فرهنگی شده و ایشان
در ضمن خدمت تحصیلات متوسطه را دنبال
و در شهریور سال ۱۳۳۰ باخذ گواهینامه
پنجم علم در شهرستان قم و در خرداد سال ۱۳۳۴
بدریافت دیپلم دانشسرای مقدماتی پسران در
اصفهان نائل آمدند.

آقای هاشمی پس از گذراندن
دوره کوتاهی در هنرستان صنعتی تهران
بدریافت گواهینامه فنی موفق شده و



بمحل خدمت خود در کاشان مراجعت نموده و اینک با سمت دبیری کار دستی
دبیرستان محمودیه مشغول انجام وظیفه میباشند.

آقای نعمت‌الله تنوتاس



ان سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست خدایا سلامت داریش

آقای نعمت‌الله تنوتاس دبیر ارجمند و دانشمند ما سال ۱۳۱۱ در کاشان متولد
و پس از طی دوره ابتدائی و متوسطه بطهران عزیمت و وارد دانشکده علوم رشته
شیمی شدند .

پس از سه سال تحصیل در همان رشته لیسانس و شاکرد اول شده بدیافت **هدال**
درجه اول علمی نائل آمدند .

آقای تنوتاس سال گذشته از طرف وزارت فرهنگ برای ادامه تحصیلات
به اروپا اعزام و هم اکنون در کشور بلژیک مشغول طی دوره دکتری
شیمی میباشند .

ما موفقیت ایشان را از خه‌اونه خواهانیم .

افزار کار دبیرستان محمديه

کتابخانه

با وجودیکه هر سال از طرف دبیرستان بهخصوص شخص جناب آقای لسان ریاست دبیرستان که علاقه وافری بکتاب دارند برای خرید کتاب اقدام می شود مهذا هنوز کتابخانه دبیرستان بیش از دویست جلد کتاب ندارد ولی باید گفت با دقتیکه صورت گرفته بهترین کتابهای علمی و ادبی در کتابخانه دبیرستان موجود است •

کارهای دستی

در سال گذشته که برنامه دانش آموزان تغییر نمود و کار دستی نیز برنامه



دبیرستان اضافه
کردید بهمین
منظور در سال
۳۴ و ۳۵ در
حدود ۱۰۰۰۰
ریال لواز کار
دستی از قبیل
سندان و چکش
و گیره و اره
و میز کار و
بعضی ابزار
نیجاری برای
دبیرستان -
خریداری شد
و هم اکنون

**دانش آموزان بسرپرستی آقای هاشمی دبیر
کار دستی مشغول کار در کارگاه هستند**

مورد استفاده دانش آموزان قرار می گیرد ولی برای پیشرفت بیشتر کار دستی در دبیرستان لازم است :

اولا : وسایل کار کاملتری در دسترس ما قرار گیرد و ثانيا : مواد اولیه از قبیل چوب و آهن برای ساختن اشیاء کونا کونا آماده باشد •

آزمایشگاه

وجود يك آزمایشكار دريك دبیرستان لازم است زیرا آزمایش و تجربه
اولا : درك مطالب مخصوصا فیزیک و شیمی و طبیعی بهتر صورت می گیرد ثانيا : دانش
آموزان درضمن انجام آزمایش بكار کردن عادت می نمایند . بهین منظور درسال
گذشته با فعالیت آقای تنوتاس ناظم دبیرستان آزمایشگاهی برای دبیرستان تهیه شد
که گرچه کامل نیست ولی رفع احتیاج می کند و می توان گفت که تقریبا تدریس
تمام مواد فیزیک و شیمی در آزمایشگاه و توأم با آزمایش صورت گرفته است
گرفته است امیدواریم اولیای امور در تکمیل و توسعه این آزمایشگاه بیش از پیش
توجه نمایند .

درسال جاری نیز مختصر لوازمی برای آزمایشگاه دبیرستان تهیه شده است



عده از دانش آموزان با اتفاق آقای منوچهری دبیر شیمی در آزمایشگاه دیده میشوند

شاگردان اول دبیرستان محمودیه از بدو تاسیس تا کنون

شماره ردیف	نام و نام خانوادگی	کلاس	سال تحصیلی	معدل
۱	آقای عباس هاشمی رهنوی	اول	۱۳۳۲-۱۳۳۳	۱۴/۵۹
۲	« احمد طبسی	دوم	« «	۱۴/۹۵
۳	« محمود وطنی	سوم	« «	۱۴/۴۶
۴	« اصغر رهنوی	چهارم	« «	۱۶/۸۵
۵	« جلال الدین شریفی	پنجم	« «	« «
۶	« مصطفی اصالت	اول	« «	۱۵/۰۳
۷	« جواد هاشمی طاهری	دوم	« «	۱۶/۰۶
۸	« حبیب اله تسلطی	سوم	« «	۱۲/۲۷
۹	« فضل الله احدیت	چهارم	« «	۱۵/۱۷
۱۰	« حسین هاشمی زاده بقال	پنجم	« «	۱۶/۲۹
۱۱	« سهراب نظاری	اول	۱۳۳۴-۱۳۳۵	۱۶/۷۹
۱۲	« حسین مدنی مفرد	دوم	« «	۱۶/۳۳
۱۳	« جواد هاشمی طاهری	سوم	« «	۱۵/۸۹
۱۴	« جهانگیر جعفری	چهارم	« «	۱۵/۶۲
۱۵	« محمود وطنی	پنجم	« «	۱۵/۲۱



آقای جهانگیر جعفری شاگرد اول سال چهارم در سال تحصیلی ۳۴-۳۵ آقای حسین مدنی شاگرد اول سال دوم در سال تحصیلی ۳۴-۳۵ آقای سهراب نظاری شاگرد اول سال اول در سال تحصیلی ۳۴-۳۵

کارهای فوق برنامه

مقدمه - دانش آموزانیکه امروز در آموزشگاه زیر نظر مربیان خود مشغول تحصیلند بدون شك مردان فردايند و باید در اجتماع زندگی کنند ، پس لازمست كم و بیش سابقه کارهای اجتماعی داشته باشند تا بتوانند بهتر و بیشتر در پیشرفت جامعه خود کوشیده بملت و میهن خود خدمت کنند.

به این منظور در آموزشگاهها علاوه بر درس بشا کردن فرصت داده میشود تا کارهای فوق برنامه را شخصاً انجام دهند .

تشکیل انجمنهایی نظیر سالنامه ، سخنرانی ، ورزش و غیره بدانش آموزان مجال میدهد که انتخابات و طرز رأی گرفتن و تبلیغ بنفع هم را یاد بگیرند و نیز روح همکاری در آنها پیدا شود.

خوشبختانه در دبیرستان مادر اول هر سال تحصیلی انجمنها تشکیل میشود و اعضاء آن تا آخر سال با کمک سایر رفقای خود فعالیت میکنند انجمنهای دبیرستان عبارت است از:

انجمن ورزش ، انجمن سالنامه ، انجمن ادب و سخنرانی ، انجمن هنر و موسیقی ، سازمان جوانان شیر و خورشید .

الف = انجمن سالنامه

دراواسط آبان امسال دانش آموزان دبیرستان بفکر افتادند سالنامه ای چاپ و منتشر نمایند . بعد از آنکه موضوع دبیرستان اطلاع داده شد با موافقت دبیرستان آقایان :

خلیل افشاری ، مهدی پروجردی علوی ، حسین بنی کاظمی ، محمد علی سینا و مهدی فرینا بسمت اعضاء انجمن سالنامه انتخاب و سرپرستی جناب آقای تنواسب ناظم دبیرستان که ضمناً ریاست عالی انجمن را داشتند شروع بکار نمودند.

اعضاء انجمن از همان روز اول فعالیت خود را آغاز نموده وبا همکاری برادرانه هم توانستند در مدت کمی قبوض قبل از انتشار را بفروش رسانده و اقدام بچاپ سالنامه نمایند .

اعضاء انجمن سالنامه



سید مهدی ابرو جردی علوی
رئیس، انجمن ورزش، و عضو
انجمن سالنامه و گوینده
شعر پیام



خلیلا، افشاری



مهدی فرینا

ب = انجمن ادب و سخنرانی



یکی از انجمن هائیکه درروحیه دانش آموزان تاثیر پسرانی دارد انجمن ادب و سخنرانی است. دانش آموزان با شرکت در این انجمن و ایراد سخنرانی علاوه بر آنکه بر اطلاعاتشان اضافه میشود طرز سخن گفتن و سخنرانی کردن را نیز یاد میگیرند و از خجالت های بی مورد رهائی مییابند خوشبختانه دیرستان محمودیه در این امر پیشقدم بوده و در تشکیل جلسات انجمن



آقای حسین بنی کاظمی رئیس

موفقیت هائی بدست آورده است. در روز شنبه ۳۵/۸/۲۶ آکهی انتخاب اعضاء انجمن درو بترین الصاق و در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۳۵/۸/۲۸ در سالن دیرستان



آقای حسین شالچی نایب رئیس

با شرکت تمام دانش آموزان و آقای تنوتاس ناظم دیرستان اخذ رای بعمل آمد و نتیجه باین شرح اعلام گردید :

۱ - آقای حسین بنی کاظمی رئیس

۲ - آقای حسین شالچی نایب رئیس

۳ - آقای پرویز غفاری منشی

اولین جلسه در روز چهارشنبه ۳۵/۹/۷

در سالن دیرستان تشکیل و جلسات بعد هر

پانزده روز یکبار تشکیل گردیده است

بقیه در صفحه بعد

آقای پرویز غفاری منشی

ج- انجمن هنر و موسیقی

در تاریخ ۳۰۹۳ برای تعیین سه نفر اعضای انجمن هنر و موسیقی با حضور جناب آقای تنوتاس انتخابات در سالن دبیرستان بعمل آمد و در نتیجه آقایان محمه سعید عطارها ، منوچهر اطمینان و علی اکبر مقدسی بسمت اعضاء انجمن هنر و موسیقی انتخاب شدند .
اعضاء انجمن همواره با ذوق و استعداد شایان تحسین خود و کمک سایر دانش آموزان با علاقه با انجمن ادب و سخنرانی کمک نموده اند



آقای منوچهر اطمینان نائب رئیس
انجمن هنر و موسیقی



آقای محمد سعید عطارها رئیس
انجمن هنر و موسیقی

بقیه از صفحه قبل

در جلسات انجمن علاوه بر ایراد سخنرانیهای مفید علمی و ادبی برنامه های تفریحی و جالب نیز توسط خود دانش آموزان اجرا میشد و در این راه انجمن هنر و موسیقی دبیرستان با انجمن سخنرانی نهایت همکاری را نموده است .

« زنیرو بود مرد را راستی »
« ز سستی کژی زاید و کاستی »

بقلم : مهدی بروجردی علوی

د- انجمن ورزش

انتخابات هیأت رئیسه انجمن ورزش دبیرستان در ساعات ۵ ر۴ بعد از ظهر روز

۷/۶/۳۵ بعمل آمد : نتیجه بشرح زیر تعیین گردید

۱- رئیس مهدی بروجردی علوی

۲- معاون امیر هوشنگ صادقی

۳- منشی خلیل افشاری

۴- خریدار علی زنده دل

۵- صندوقدار محمود افضلیان

ورزش در این دبیرستان روز بروز در پیشرفت است . در مسابقه والیبال که در سال گذشته بین دبیرستانها و دانشسرای مقدماتی بعمل آمد تیم والیبال دبیرستان ما برنده مسابقات شد و کاپ تفرئی از طرف ترتیب بدنی جهت تشویق بازیکنان دبیرستان ارسال گردید تیم کلنی سال گذشته عبارت بودند از : آقابان : مهدی

بروجردی علوی - امیر هوشنگ صادقی - خلیل افشاری - علی زنده دل - صلاح مقدم و قربدون شفق که کاپیتانی تیم را نیز به عهده داشت .

در سال جاری انجمن ورزش در خرید وسائل برای استفاده دانش آموزان موفقیت های زیادی بدست آورده است .

از بودجه سال جاری و مقداری که از صرفه جوئی سال قبل موجود بود بخريد ميز پينگ پنگ مبادرت نموده در مسابقه پينگ پنگ که ابتدا بين کلاسها و سپس میان برندگان آنها بعمل آمد نتیجه بدین شرح اعلام گردید

۱ - نفر اول : مهدی بروجردی علوی

۲ - نفر دوم : آقای سعید عطارها

۳ - نفر سوم : آقای امیر هوشنگ صادقی

علی زنده دل

در سال جاری جهت استفاده دانش آموزان تعداد ۸ عدد توپ والیبال و ۲ عدد توپ

بسکتبال خریداری شده است و چنانچه کافی نباشد باز هم تهیه خواهد شد



جهت تشویق دانش‌آموزان در ورزش والیبال مسابقاتی بین تیمهای کلاسها بعمل آمد که در سیکل اول تیم کلاس دوم که عبارت بودند از آقایان : امیر هوشنگ صادقی



علی میر -
آفتاب محمد
بنی احمدی -
محسن فرشیچی
عباس مرکزی
و محمد مزرعتیان
برنده شدند
ولی برنده
نهایی مسابقات
داخلی دبیرستان
تیم کلاس پنجم
بود که عبارت
بودند از آقایان
مهدی بروجرودی
علوی - خلیل

تیم والیبال کلاس دوم دبیرستان

افشاری - علی زنده دل - پرویز غفاری - محمود افضلیان و عباس شیرزادی
آقای امیر هوشنگ صادقی در مسابقه والیبال نهائی سال گذشته و همچنین در مسابقات
سال جاری فعالیت بی سابقه‌ای از خود نشان داد که واقعا قابل تقدیر میباشد امید است

که در آینده
نزدیکی، یکی
از ستارگان
درخشان ورزش
این شهر گردد
در مسابقه دو
صحرانوردی ۵
و ۳ کیلومتری
که بین دانش-
آموزان دبیرستانها
و دانشسرای
مقدمانی بعمل
آمد در مسابقه
۵ کیلومتر آقای
حسن حسینی



تیم والیبال سال پنجم

که تنها شرکت کننده این مسابقه از این دبیرستان بود نفر دوم گردید و در مسابقه ۳
کیلومتر بواسطه اکثریت یوئن هرندگان، کاپ نقره‌ای باین دبیرستان ارسال گردید و

آقای امیر هوشنگ صادقی در این مسابقه دوم و آقایان اصغر متولی و پرویز اعتمادی بترتیب نفر سوم

و ششم گردیدند

و جناب آقای

فرماندار رئیس

عالی تربیت بدنی

کاشان جوایزی

جهت تشویق

بهر يك از -

برندگان اعطاء

فرمودند *

در بازی های

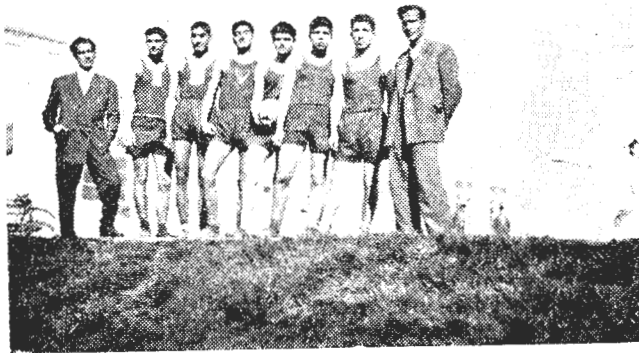
تفریحی و

حرکات نرمش

کند در روز

چهارم آبان ماه

سال ۱۳۳۵ به

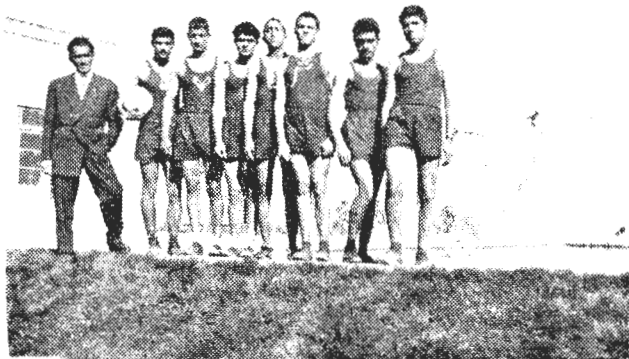


تیم کلونی والیبال دیرستان

مناسبت میلاد مسعود اعلا حضرت هما یون شاهنشاه در استودیوم ورزشی (چهل جریب)

بمعل آمد دانش آموزان این دیرستان نیز شرکت داشتند و حرکات نرمش کودکان

که تحت مراقبت آقای رحیم ریاحی دبیر دیرستان تمرین نموده بودند بسیار مورد



تیم کلونی بسکتبال دیرستان

توجه قرار - گرفت و پیاس زحمات مشارالیه جناب آقای فرماندار کاپ نقره‌ئی بایشان مرحمت کردند

انجمن ورزش
دبیرستان در -
صدر بوده است
که حتی الای
مکان وسائل
ورزش بیشتری
تهیه نموده و
محصلین را
جهت نیرومند
شدن با ایجاد
مسابقات تشویق
نماید. امیدواریم
با راهنماییهای



تیم والیبال سال سوم

جناب آقای اسان
ریاست محترم
و ترغیب های
آقای تنوتاس
ناظم ارجمند
دبیرستان ،
انجمن ورزش،
ورزشکاران این
آموزشگاه
موفقیت های
پیشتری بدست
آورند .



تیم والیبال سال اول

رنجی که میبری بادب تنگدل مباش
زیرا که گفته اند گل و خار باهم است

سازمان جوانان شمیر و خورشید سرخ

در سال جاری برای اولین مرتبه دستور تشکیل سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ در دبیرستان محمودیه داده شد.

بر طبق آئین نامه سازمان در هر کلاس گروهی سرپرستی یک رئیس یک نایب رئیس و یک منشی و یک خزانه دار تشکیل به علاوه از هر کلاس نماینده ای انتخاب شده نمایندگان کلاسها بین خود اعضا سازمان شیر و خورشید سرخ را تعیین نمودند و با راهنمایی آقای تنوتاس سرپرست سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ به فعالیت خود ادامه دهند.

در اینجا بی مناسبت نیست مختصری از تاریخچه سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ باطلاع خوانندگان برسد.

تاریخچه سازمان جوانان شمیر و خورشید سرخ

بموجب ماده ۷ اساسنامه جمعیت شیر و خورشید سرخ که « سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ تحت ریاست عالی و الاحضرت شاهدخت شمس پهلوی تشکیل میگردد که مرکز آن در تهران بوده و در استانها و بخشها و دهستانها دارای شعباتی خواهد بود » در اول آذرماه ۱۳۲۷ اجازه تشکیل سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ ایران تحت ریاست والاحضرت شمس پهلوی از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی داده شد و بلافاصله بوزارت فرهنگ ابلاغ گردید و آقای محمد یزدانی ریاست بخش جوانان منصوب و مامور تشکیل آن گردیدند.

در تاریخ ۸ آذرماه ۱۳۲۷ طی بخشنامه ای بکلیه دبستانها و دبیرستانهای پسرانه تهران و شهرستانها لزوم وجود سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ در دبیرستان و دبستان ابلاغ گردید و بدین ترتیب سازمان جوانان ایجاد شد.

پس از آقای یزدانی آقایان شمس الدین جزایری - م. رحومد کتر عبدالحمید زنگنه - ابراهیم شمس آوری و رضا جعفری ریاست بخش جوانان شیر و خورشید سرخ را عهده دار گردیدند و اکنون نیز جناب آقای دکتر محمود مهران وزیر محترم فرهنگ عهده دار این سمت میباشند.

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش زیگ کوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار

کلاسهای کارآموزی

امروز برای پیشرفت در تعلیم و تربیت جوانان و نونهالان کشور از وسائل مختلف استفاده می‌کنند یکی از این اقدامات مفید تشکیل کلاسهای کارآموزی است که چند سال است از طرف وزارت فرهنگ در تهران و شهرستانها تشکیل می‌شود *

در این کلاسها آخرین اطلاعات آموزشی و پرورش جدید در اختیار دبیران و



گروهی از کلاس کارآموزی

آموزگارگان

قرار می‌گیرد

تا روشهای

مفید و مناسب

را در پیشه خود

بکار بندند و این

کلاسها زیر -

نظر مربیان

خارجی چند سال

است - برای

دبیران در تهران

تشکیل می‌شود

و برای -

آموزگارگان نیز

کلاسهای در

تهران و شهرستانها دایر شده است *

اولین و دومین دوره کلاس کارآموزی در سال ۱۳۳۲ با شرکت ۵۴ نفر آموزگارگان کاشان در تهران تشکیل و دوره سوم آن در سال ۱۳۳۳ در اراک تشکیل شد و ۳۲ نفر آموزگار از کاشان در این کلاس شرکت نمودند ، چهارمین دوره کلاس در سال ۱۳۳۴ در کاشان در محل دبیرستان شاهدخت تشکیل و عده شرکت کنندگان آن ۳۶ نفر بودند ، پنجمین و ششمین دوره کلاس کارآموزی در دوران تحصیلی سال ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ در کاشان تشکیل گردید و سرپرستی تمام کلاسهای کارآموزی به‌عهده آقای اسمعیل شفیعی دبیر دبیرستان شاهدخت بود و ایشان با جدیت تمام در این راه انجام وظیفه نموده‌اند .

در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۳۵ نیز بمدت ۱۰ روز بر طبق دستور اداره کل فرهنگ استان

تهران در محل زمین ورزش کلاس کارآموزی از مدیران دبستانهای بخشهای تابعه زیر

نظر آقای شفیعی تشکیل شده است *

جشن مبارزه با بیسوادی

یکی از اقدامات مؤثر و مفید وزارت فرهنگ امر مبارزه با بیسوادی است که بنا بر اراده اعلی حضرت هما یون شاهنشاهی سال گذشته رسماً در سراسر کشور شروع شد و در کاشان نیز کلاسهای مبارزه با بیسوادی افتتاح گردید خوشبختانه کلاسهای نیز برای بانوان اختصاص یافته که بین آنها کلاس شبانه دبستان پروین با فعالیت و پشتکار خانم معظمین مدبره آن دبستان بیشتر از سایر کلاسها پیشرفت نموده و در روز جشن افتتاح این کلاسها (۳۰ و ۳۱) که در سالن دبیرستان محمودیه برپا بود جناب آقای مهندس نصرت الله اربابی نماینده محترم عمران که دارای طبعی روان میباشد قطعه زیر را قرائت کردند:

- ۱
بیا ساقی بده آب طرب زا
بیا مطرب بزن آهنگ شادی
که در هر بوم و براز ملک دارا
شد آخر دور چهل و بیسوادی
- ۲
شهنشاه عظیم الشأن ایران
که دارد همت عالی بهر کار
زد دولت خواست تا در بسط فرهنگ
طریق تازه ای آرد پدیدار
- ۳
بدین منظور هر جاشد مهیا
کلاسی از برای بیسوادان
بشهرستان کاشان نیز فرهنگ
در این ره کرد جدیت فراوان
- ۴
در این روز خجسته باد و صد فر
بود جشنی بدین منظور برپا
کلاس اولین مفتوح گردید
که در کاشان شود بر نامه اجرا
- ۵
خوشا اقبال و بخت اهل کاشان
کنون پیرو جوان راهست ممکن
که شد راه سعادت بیشتر باز
که بنمایند دانشجوی آغاز
- ۶
توای خواهان علم و اهل فرهنگ
در این برنامه بنما سعی و همت
بیا با پیروی از نیت شاه
که گردد دست دیو چهل کوتاه
- ۷

بدانائی توانائی توان یافت
توانا ملتی باشد که دانا است
بدانائی توانا شو مهندس
که دانا خود بهر کاری توانا است

غزل

اثر طبع آقای مهندس اربابی

ای که چنین می روی براه سواره	نیست بوا ماندگات هیچ نظاره
دست نکهدار و پافروکش از اینکار	این نه ره عقل و دانش است همواره
گرچه باوج فلک رسی تو بعزت	عاقبت می کند غروب ستاره
بگذرد این چند روز عمر بهر حال	می ندهندت ز بعد عمر دوباره
زندگی آسان گذار تا که پس از مرگ	خلق ز نیکساخت آورند شماره
ثابت و پا استوار باش بهر کار	آدم بیکاره می شود همه کاره
جامعه تقوی بود لباس بزرگان	عار نیاید ترا ز جامعه پاره

دست زافتادگان بگیر (مهندس)

نی که زوامندگان بگیر کناره



محصلین سال پنجم ادب،



محصلین سال اول



عده‌ئی از دانش آموزان سال دوم

جشن تجلیل از مقام معلم در دبیرستان

در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۳۵ با دعوت قبلی جشنی بنام جشن تجلیل از مقام معلم با شرکت رؤسا ادارات و محترمین شهر در سالن دبیرستان برگزار گردید این جشن برای قدردانی از زحمات جنابان آقایان حاج علی نقی راوندی و غلامرضا معارفی که عمری را در راه فرهنگ و خدمت به نونهالان کشور گذرانده اند تشکیل شده بود، در این جشن دو سخنرانی از طرف آقایان رئیس فرهنگ و رئیس دبیرستان در پیرامون مقام معلم ایراد شد و همچنین اشعار نغز و شیوایی قرائت گردید که مورد توجه حضار قرار گرفت در پایان نمایش جالبی در سه پرده بوسیله دانش آموزان دبیرستان داده شد .

غزل زیر را جناب آقای منشی بمناسبت جشن تجلیل

از مقام معلم سروده اند

امروز هر که او بحقیقت معلم است	کرجان براو نثار شود باز هم کم است
آموزگار هست مربی بجهان ما	این نکته تزد عقل حدیثی مسلم است
رنجی که میبری بادی تشکدل میباش	زیرا که گفته اند گل و خار با هم است
جانی که هیچ خدمت استاد را نکرد	در بند چهل تاباید بسته محکم است
آنکس که در کلاس ادب تربیت نیافت	او را بهیچ روتوان گفت آدام است
غافل دمی میباش ز آموختن از آنک	سرمایه حیات بس آدم همین دم است

منشی غمین میباش که در نزد اهل فضل

هر جا معلمی است عزیز و مکرم است

دو غزل از استاد سخن جناب آقای حسینعلی منشی

شاعر فاضل و دانشمند کاشان

خوشا دیوانگی وز شوق پیراهن دریدنها
 میان کوچه و بازار با طفلان دویدنها
 هزاران خواهد از عاشق که راز عشق را پوشد
 نماید عاقبت رسواش رنگ از رخ پریدنها
 من از آن خرم گل نوشه از یکبوسه می خواهم
 همین يك آرزو دارم بدل از خوشه چیدنها

که ما نم فتنه می خواهد کشیدن سخت حیرانم
 که بر سر چیستش نقاش از این ابرو کشیدنها
 الا ای کعبه مقصود روی از ما مکن پنهان
 که ما را جان بلب آمد ازین منزل بریدنها
 بهای بوسه جانانه جان دادن بدان ماند
 که دارد با کلافی حسرت یوسف خریدنها
 مرنج از گفتگوی نیک و بد گر عاشقی همنشی
 که دارد عاشقی ناچار نیک و بد شنیدنها

هر خدنگ غمزه نازی که از آن چشم جست
 آمد و بر این دل مجروح من تا بر نشست
 سرمه بو آن چشم شهلا میکشی تا کی بناز
 روز مردم را سیه کردی بیا بردار دست
 از نگاهی چشم غمازت مرا از دست برد
 دین و دل، پرهیز و تقوی، دین و دانش هر چه هست
 خوش زدی باتیر مژگان بر دلم ای چشم یار
 جای دارد کز کمانداران ستانی مزد شست
 من بدور گردش چشمش نمی بینم شکفت
 کرفقیه شهر در این دوره گردد می پرست
 گاه و بیگاه این نقد ابرو مکش بالای چشم
 تیغ دادن حیف باشد در کف زنگی مست
 جای آن دارد اگر همنشی گریزد از مصاف
 دور چشمان تو با این صف که مژگان تو بست

.....
 اثر طبع جناب آقای دکتر حبیب الله صناعتی

این غزل در روز جشن تجلیل از مقام معلم توسط

خود آقای دکتر صناعتی قرائت شد

تقدیم به معلم (استاد رارندی)

بغیر جان چه میتوان، که افکنم بیای تو
 مرا که هر چه دارم، از تو دارم و عطای تو

نوئی که بند چهل را، گشوده ای ز دست من
 منم که نقد عمر را، فکنده ام بیای تو
 نوئی که گرجفا کنی، بروی دیده جای تو
 نوئی که گر وفا کنی، سرای دل سرای تو
 نوئی که نور معرفت، دمیده از فروغ تو
 نوئی که دیو جهل و کین، ریخته از صفای تو
 نوئی که گر بیاس تو، قلم بجایش آورم
 یقین فرو بماند از، نگارش ثنای تو
 چو جان من برایگان ز علم زنده کرده ای
 بیا که جان خود کنم، برایگان فدای تو
 من ار طبیب گشتم و فزوده شد بهای من
 من این بها نیافتم مگر که از بهای تو
 بلوح دل چه می‌بهد، بغیر نقش مهر تو
 کسی که هم چو من شود، زمانی آشنای تو
 هنوز در دو چشم من هزار جلوه میکند
 کلاس درس و محفل، صفای بی‌ریای تو
 هنوز در دو گوش من، نوید زندگی دهد
 چون غم فرشتگان، کلام جانفزای تو
 هنوز در سرای دل، بیاد کار می‌برم
 نشاط خنده های تو، شرار خشم های تو
 گذشت عمر در دلم، شرار غم همی زند
 چو قیامت خمیده است بینم وعصای تو
 کنون که شد ز نور تو هزار شعله شعله ور
 هزار آفرین که بر تو باد واوستای تو

کتابستان خرد، ندانست

علی علیه السلام

بقلم آقای لسان ریاست دبیرستان

کتاب

چند قرن پیش شاعری وارسته و آزاده گفت « فراغتی و کتابی و گوشه چشمی »
این آرزوی سخن پرداز بلند پروازست که همت بلند را از بزرگ تعلق آزاد ساخته با
این همه دنیا و آخرت را میدهد تا در تزهنگاه خنده بهشتی مقام کند و هوس را فرو نشاند.
شیرین ترین دقایق زندگی ها زمانی است که با آرامش خیال ، آسودگی وجدان ، و
صفا و سکون روح بسر میبریم ، روشنی و جلوه حیات در این لحظات تا اعماق روح ما
نفوذ کرده دنیا و مظاهر آنرا زیباتر و دوست داشتنی تر می بینیم . خوشبختی مطلق اگر
این نباشد بدون شك نموداری از آن خواهد بود . حال برای اینکه چنین آرامش
کرانهائی بهتر نرود ، و نگرانیها صفای آنرا تیره نسازد ، چه رفیق و مصاحبی بهتر
از کتاب دوستی که ما را نمایاندارد ، حضورش ملال و دردسرندارد ، غم و اندوه ما را بجان و دل
میخورد و همه وقت با آغوش باز ما را بخود میخواند ، کتاب عالیترین مظهر و
نماینده دنیای نواست

ما خوشبختیم برای اینکه در دنیائی زندگی میکنم که کتاب آسانتر از
هر وقت دردسترس ما قرار میگیرد و خوش به حال آنانکه با کتاب سر و سری دارند و گاه و
بیکاه روح خود را بمطالعه و تماشای آن طراوت و صفا می بخشند . کتاب ما را بر موزو
اسرار دنیای کهن آشنا میسازد از گنجینه های علم و دانش پرده بر میدارد و فکر کنجگاو
و تیزبین ما را با عمق جهانی پراز شکفت می کشاند . کدام تفریح و سرگرمی از این
بهتر که به همراه چنین راهنمای آموزنده ای سیر آفاق و انفس کنیم و روح تشنه خود را
از این سرچشمه فیاض سیر آب سازیم . طبیعت با همه زیبایی و دلربائی خود کتاب خاموشی
بیش نیست با وجود این چه قدر ما را مفتون و مجذوب خود میسازد . تماشای مناظر
دلنرب طبعیت روح را صیقل داده خیالات شیرین را پرواز میدهد و خستگی و فرسودگی
ما را میزداید ، کتاب نیز در دل ما همین شوق و ذوق را بر میانگیزد و ما را باز بهائیهای
خود سرگرم میدارد .

منتهای باید روح را عادت داد تا از این زیباییهاییکه برایگان دردسترس ما قرار
می گیرد توشه برگیرد و صفا یابد . غوغای زندگی سخت و تحمل ناپذیر است . يك نواختی
آن روح ما را رنجه میدارد ، برای گریز از واقعیات دردناك زندگی و این یکسانی خیره
کننده حیات ، روح ما خواهان چیزیست که خود را با آن مشغول دارد و عطش کنجکاری را
فرو نشاند . افراد تشنه در برابر این تقاضای دل براههای مختلف رفته ، هر دم هوسی پخته و خاطر
درگرو چیزی و کاری نهاده ، چرا ؟

برای اینکه بیکاری از کار خسته کننده تر و طاقت فرساتر است در این وقت هوس های آدمی پرمی گیرند و روش جهت وجود ما را بدنبال خود می کشند. در این نجاست که هوش و خرد باید بدستگیری ما بشنابند و هوس ها و تخیلات ما را رهبری کنند. چه بسا سرنوشتها و مقدرات که در این اوقات گرانیهارنگ هستی بخود می گیرند و خوشبختی و بدبختی مسیر خود را پیدا می کنند. حال به چه چیز رو آوریم و هم صحبتی و هم نفسی از که بخواهیم که ما را بهتر از آنچه هستیم بسازد و روح ما را سبکبار و پاکیزه نماید؟ من نمی گویم تنها مطالعه و کتاب این لطف و زیبایی سرگرم و کننده را به ما می بخشد و با گنجینه های ارزنده خود از ما پذیرائی می کند. بلکه ذوق ها و هوس ها و استعداد های گوناگون هزار رنگ برانگیخته دنیا را بطرز عجیبی آراسته است. ولی آنچه کتاب به ما میدهد رنگین تر، عالیه تر، بیدردتر و گرانیهارنگ تر است، کسی که بکتاب عشق میورزد کمتر مجال آنرا دارد که بدنبال کار های بیهوده و افکار پوچ و اغراض فاسد رود. مطالعه اوقات فراغت و بیکاری ما را پر می کند و نیروی فکر ما را بآرامی و دلجوئی بکار می کشد.

روزگار ما کوتاه تر و گرانیهارنگ تر از آنست که آنقدر آنرا آزاد و مهمل رها کنیم تا هر اندیشه بیجا و تبیه کاری در فکر ما لانه کرده رفته رفته روح ما را مسخره قلمرو خود سازد و زمانی خبر شویم که غرامت این بی خبری را بسیار سنگین بپردازیم. روح آدمی مانند زمینی است که استعداد هر گونه بذرافشانی دارد و برای پرورش و نمر هر گیاهی آماده است باید مراقبت کرد در این زمین گل ها و ریاحین معطر و زیبا پرورید تا تمام جان بیوی خوش آنها سرمست شود و بارزندگی را چابکتر و با نشاط تر بدوش کشد. چه بسا تسامح و بی اعتنائی یا بطالت و سهل انگاری ما این استعداد و آمادگی را از چشم مامی پوشاند و مانند باغبانی بی فکر مجال می دهیم تا خار های جانگزا و علف های هرزه و بدبو در سرزمین روح ما بروید و زندگی ما را دستخوش آلام و مصائب خود سازد.

خوشبخت کسی که این استعداد را درست بکار بیندازد و آنرا از روی غفلت بدست انلاف نسپارد آیا وسیله ای بهتر از مطالعه و کتاب سراغ دارد تا این استعداد نهفته را برانگیزد و پرورش دهد و با بارور کردن آن روح خود را توسعه و قدرت بخشد؟ ما بتخیلات و افکار خود بستگی عمیق داریم، بخیالی شادگام و خندانیم و بخیالی دیگر غمناک و گریان. وجود ما بازیه این امواج پست و بلند است که از زوایای متلاطم روح ما پدیدار می شود. چه چیزی می تواند بهتر باین روح پریه جان ما سکون و آرامش بخشد و تخیلات در هم ما را بصورت منظم تر و عالیه تری رهبری کند؟

خویش را کوچک شمرد آنکه نیندیشیده سخن گفت

اگر ذوق مطالعه و خواندن کتاب در ما باشد و خاطر ما در این اوراق پر بهایشگاهی بسته باشد، مسلماً این وظیفه سنگین را کتاب بخوبی انجام خواهد داد. کتاب بدون اینکه افکار موهوم و خیالبافی های مبتذل در ذهن ما ایجاد کند دست ما را می گیرد و در دنیائی بالانرو پر نقش و نگار تر میبرد، دنیائیکه از دنیای عادی ما بسیار مصفا تر و پاکیزه تر و دلربا تر است در این دنیای فکر افقهای خیلی دورتر را می بیند. اوج می گیرد و بسیر و سیاحت می پردازد و از این سفرهای دور و دراز چه هدیه ها و آموخته های شیرین و مطبوعی برای ما می آورد تشنه گمان فضیلت و می رفت در آبشخور چنین دنیای زلال صافی حقیقت مینوشند و تا یکباره دل را بنور آن روشنی می بخشند. در آنجا هر کس با محبوب و مطلوبی که دلخواه و مورد پسند اوست مصاحب و همدم می شود.

در این دنیائیکه کتاب برای ما میسازد، حوادث تاریخ از فوجان می گیرد، ماجرای دهشت انگیز بشر با همه عظمت و غرابت خود در برابر دیدگان ما خود نمایی می کند قهرمانان فکر و عمل، خردمندان و رهبران ملل با ما سخن میگویند، از فیلسوف متفکر صاحب نظر تا شاعر شیدا و داناده همه نوع ما را مجذوب خود می سازند. انحطاطها، عظمتها، پیشرفته ها، ویرانیه ها و آبادانی ها سراسر خود را پیش می کنند. عجائب خلقت و دستگاه آفرینش ما را با هزاران نکته حیرت انگیز خود آشنا می سازند. اینست دنیای رنگارنگی که کتاب ما را به مآشای آن میبرد و روح ما را از مناظر بدیع خود سرشار می سازد. از اینها بگذریم. اوقات را که مجبوریم تنها بمانیم و دست حوادث ما را بجائی میکشاند که هم صحبت و هم نفسی نی یابیم تا در صحبتش اندوه تنهایی از دل برانیم یا اینکه از آلودگی های اجتماع گریزان شده و از اینای زمان بتنگ آمده ایم تنهایی و گوشه گیری را بجان میجویم: در این لحظات سخت تنهایی کتاب چه موهبت عظمائی است اگر بکتاب دسترسی باشد و بمطالعه آن خاطر مشغول داریم دیگر تنهایی غم انگیز و جانگاز نبوده اوقات ما را بصحبت شیرین و دلپسند خود مشغول خواهد داشت و بهتر و صمیمی تر از هر دوست ما را سرگرم خواهد نمود. بقول منتسکیو «عشق و علاقه بمطالعه با فرصت میدهد که ساعات خستگی زندگی را بساعات لذت بخشی تبدیل سازیم» هیچ مربی مانند کتاب نمیتواند نیروی اخلاقی ما را تربیت کند و از لغزشها و خطاها ما را محفوظ نگاه دارد. مردم کتاب دوست کمتر دستخوش مفاسد و عواقب شوم آن میشوند، فساد و انحطاط اخلاقی که بمنزله موربانه شرافت و انسانیت است در روح چنین مردمی راه پیدا نمی کند. در عین اینکه

روندگان طریقت به نیم جو نخرند

قبای اطلس آنکس که از هنر عاری است

از مصاحبت با یاران و هم‌نشینان ناپاک بازمان میدارد گواران‌ترین لذت‌های دوستی را با آنان می‌بخشد. مطالعه روح را بطرف کمال سوق داده عواطف و احساسات را جلا و رونق میدهد، بجرأت میتوان گفت کسانی‌که با مطالعه سروکار دارند در دنیای بهتر و بالاتری سیر میکنند.

کتاب چون نغمهٔ دساز است که در گوش روح مانواخته میشود و آن را بطرب می‌آورد، لذت و درک این شور و طرب همهٔ عمر افکار و آداب ما را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داده از ما انسانی کامل‌تر و عمیق‌تر می‌سازد. ممکن است شما بمطالعه علاقه‌مند نباشید

ولی اگر چنین عادت و عشقی در خود ایجاد کردید نه تنها اوقات بیکاری خود را به‌ترین وجه گذرانده‌اید، بلکه معلومات و اطلاعات وسیعی برای خود دوخته‌اید یکی از دانشمندان میگوید: «تصمیم بگیری در هر روز مدتی را برای مطالعه تخصیص دهید ولو این مدت یک ربع ساعت باشید، نتایج اینکار را در آخر سال درک خواهید کرد» در جستجوی کتاب باشید از کسانی‌که سابقه زیاد تر در مطالعه دارند و کتاب بیشتر خوانده‌اند بخواهید تا شما را بکتاب‌های خواندنی و مفید راهنمایی کنند و تا جائیکه مقدور است در تهیهٔ کتاب بکوشید اوقات بیکاری خود را با آن بسر برید، از گذراندن باچنین صاحبی نه تنها پشیمان نخواهید شد بشود بلکه لذت و حالتی را که این دوست شما می‌بخشد بهیچ وجه نخواهید فروخت: پایان

آیا میدانید که:

- ۱- اگر گلبول‌های قرمز خون را پهلوی هم بچینیم طول آن باندازهٔ ۴ دور کره زمین میشود؟
- ۲- درخشانترین ستارگان شعرای یمانی است که در مجموعه کلب اکبر قرار دارد؟
- ۳- «وانادیم» از همه فلزات سخت تر و کمیاب‌تر و گران‌بهارترست.

آن تن آسائی که جان ترا از کسب فضیلت باز دارد آفت جان‌تست

اثر طبع : آقای عباس شهزادی

رئیس دفتر و دبیر دبیرستان

مگس و عنکبوت

داشت در کلبه‌ای سیه مسکن
مگسی می‌گذشتش از مأمن
روز و شب بیهده ز آب دهن
زنده ، زنده فکنده‌ای بکفن
جهت قید و بند خویش رسن
خیز و این کار و بار بر هم زن
عنکبوتش کشود آب بسخن
آگهی تا نداری از این فن
در دهد تن بزیر بار محن ،
می‌پزد در سر آرزوی ثمن
نرخ بازار فضل ما مشکن
که بدت در حضور مستهجن
بیش باشد ز قدرت آهن
شب لباس است و روز سایه فکن
بهر از بین بردن دشمن ،
دستگیر از برای خوردن من
زد سر بوالفضول را از تن

عنکبوتی بسالیان دراز
انفاقاً فضول ، کول ، عجول
گفت «کای بینوا چه میسازی
خویشتن را چرا بیاز چه ،
آخرای خیره سر تو میبافی
بعد از این زاقضای طبع بلند
ناگهان باد و صد عتاب و خطاب
نسزد از تو ناسزا گفتن ،
کس ندیدم بدهر بیهوده
هر کسی در قبال زحمت خویش
سر گرانا ، تواز جهالت و عجب
باری آن رشته ز آب دهن
قدرتش در جناب ما الحق
هم مرانیز آن محقر تار
قید و بند و کمند میباشد
آخر الامر هم تو را سازد
پس تکلفی بدست داد و بیای

ناسزای نابجا

بوته‌ای داد بسروی دشنام
بکجا میروی ای سرو بلند
سرکشی تو ندارد جز عار
زهر دید است بگاهی که شب است
میروم در طلب روزی خویش
هم زمهتاب و سهیل و ناهید
از توام این سخنان کی شاید
چشم بر ملسکت دنیا دارم
بصف کوه دمان میرویم

اندر آن نقطه جنگل کمنا
خودسری تا کی و مستی تا چند
جنگل اینست و درختان بسیار
عرض اندام در اینجا عجب است
سرو گفت : از پی دلسوزی خویش
تا بگیرم حق خود از خورشید
آخر ، احقاق حقوقم باید
و آنکهی هست والا دارم
من نه آن سرو و کنار جویم

دو ، با حاد بودی گریه‌ست!	بمات آمدو گردید دوست!
تک که مائیم فلک بنده ما است	بنده فرصت ارزنده ما است
گریبام که مرا بس پایه	کن نیاید بسم جز سایه
شاخه ای سر بسم بگذارد	هیچ راحت دگرم نگذارد
ریزه خوار برگردم ز آن پس	سرو و آزادگی و منت‌حس؟
ننگم آنگاه بدان زندگی است	باری آرزند کیم مردگی است

آرزو

اثر طبع حسن حضراتی دانش آموزمال پنجم

هر شام چهره کل بیخارم آرزوست	در بند هجر دیده کلزارم آرزوست
اندر کنار جوی لب سبزه و چمن	رخسار آن نگار دل آرامم آرزوست
اندر میان ابر سیه فم زندگی	لبخند آن ستاره کلنارم آرزوست
عمر است کنج کلبه محبت غنوده ام	حامی ز دست آن گل کلزارم آرزوست
جاری شده ز دیده من سیل اشک و خون	زیراکه خال چهره لدارم آرزوست
اندر کنار دشت و چمن طرف جویبار	بوس و کنار از بت فرخارم آرزوست
مجزون و دل‌فکار کشون در کنار کشت	آهنگ و چشم کهر بارم آرزوست

زنبور عسل

دربین موجودات زنده مخصوصاً حشرات ، زندگی زنبوران عسل بیشتر از موجودات دیگر جلب نظر محققین و دانشمندان را نموده است زیرا این موجودات که از نظر ساختمان بدنی در ردیف حیوانات پست بشمار میروند. دارای زندگی عالی و منظمی هستند که عجایب آن هر شنونده ای را مبهور و هر متفکری را متحیر مینماید . در این مقاله شمه ای از طرز زندگانی این حشرات کوچک که گوشه ای از عجایب و شگفتیهای عالم خلقت را نشان میدهد از نظر خوانندگان میگذرانیم .

در اجتماع زنبورها که تعدادش بین ۵ تا ۵۰ هزار نسبت بکندوها متغیر است معمولاً سه نوع زنبور وجود دارد؛ هرکندویک سلطان یعنی ملکه کندو، عدّه زیادی کارگر و عدّه کمی زنبوران نر دارد که ساختمان بدنی آنها با مختصر اختلاف شرح زیر است :

بدنشان از سه قسمت : سر ، سینه و شکم درست شده است . درس حیوان چشمها ، شاخکها ، و دهان و در سینه که از سه بند ساخته شده است دوجفت بال و سه جفت پا و بالاخره در قسمت شکم ۱۲ تا ۱۳ حلقه دارد که میتوانند مانند فانوس در یکدیگر داخل و خارج شوند در انتهای حلقه آخری بیک سوزن سمی که نیش و آلت دفاعی حشره را تشکیل میدهد ختم می گردد . اکنون جهت بررسی وضع کندو و چگونگی زندگی زنبوران ابتدا وظائف کارگران و سپس به شرح زندگی ملکه و زنبوران نر می پردازیم :

۱ - کارگران که اکثریت افراد کندو را تشکیل می دهند زنبورانی هستند باجنّه کوچک ولی بسیار چابک و فعال ، همگی ماده هستند ولی ماده هایی که هیچ وقت تخم نمی گذرانند ، طول عمر آنها از ۲۵ تا ۳۰ روز است ولی زنبورهای زمستانی تا ۱۵۰ روز هم ممکن است زنده بمانند و کلیه اعمال کندو بین آنان ترتیب زیر تقسیم میشود :

الف - دسته هایی از کارگران مأمور اکتشاف هستند یعنی صبح زود قبل از سپیده دم زودتر از همه زنبورها از کندو خارج شده و در مورد گلها نیکی که کارگران دیگر باید از آنها گرفته کل و نوش کل جمع آوری کنند تحقیقاتی بعمل می آورند و پس از بازگشت بکندو کارگران را در این مورد راهنمایی می کنند .

ب - کارگرانی که مأمور جمع آوری گروه گلها هستند با فعالیت زیاد دانه های ریز کرده را در زنبیلی که در جدار داخل ران خود دارند وارد نمود و بکندو می آورند و بوسیله خرطوم خود آنها بدهان وارد می کنند و همین کارگران هستند که بطریق

زیر خانه‌های شش گوش منظمی را که ساختمانش از بزرگترین عجایب طبیعت است می‌سازند :

ابتدا یکی از معماران سقف کندورا می‌چسبد و معماران دیگر بترتیب یکی پس از دیگری بیکدیگر آویزان میشوند و زیرور بالائی قشر نازک مومی که از شکاف زیر شکم خود خارج می‌کنند بسقف کندومسی چسباند و از بسالا از صف خارج می‌شوند و زیروران دیگرند بترتیب از قشر موم شکم خود خانه‌های منظم مزبور را بنا می‌کنند عمق خانه‌ای مزبور در حدود یازده میلیمتر و طول دهانه آن ۲۵ میلیمتر است و در هر کندو یک خانه بزرگ نیز بنام خانه اطمینان ساخته می‌شود که ملکه در موقع خطر در آن مخفی می‌شود .

ج - دسته‌ای از کارگران مأمور آوردن نوش یا شیر گلها هستند این زیروران با خرطوم می‌که دارند شیر شیرینی که در ته جام گلهاست با مهارت عجیبی مکیده و در چینه‌دان مخصوص آن را بعمل تبدیل می‌نمایند و این عمل را از راه دهان در خانه‌های شش گوش مزبور جمع‌آوری می‌نمایند .

د - ولی چون عمل مزبور در فصول گرم سیاه و مایعی است و بیم ریختن آن از خانه‌ها می‌رود کارگران دیگری هستند که کارشان فقط بالزدن در مقابل خانه‌های ذخیره عمل است این عمل باعث خنک شدن و در نتیجه غلیظ شدن عمل می‌شود و بالاخره پس از اینکه خانه‌ای از عمل پر شد بوسیله غشاء نازک مومی دهانه آن بسته شده و برای زمستان ذخیره میگردد .

ه - امما مأمورین انتظامات کندو عمل مهمتری برعهده دارند زیرا این زیروران با نهایت دلبندی در مقابل کندو نشسته و مراقب هستند که کارگرانی که از گلهای ممنوعه یا بوی نامطبوع استفاده نموده‌اند بکندو وارد نشوند و حتی این زیروران مختلف توسط مأمورین انتظامات کشته و معدوم می‌شوند .

علاوه بر این پاسبانان دیگر نیز هستند که برای برقرار کردن نظام داخلی کندو وعده‌ئی نیز برای محافظت ملکه بکاررفته و گارد وی محسوب می‌شوند . زیروران عمل دارای شامه قوی بوده و نسبت به بوهای مختلف حساسیت زیاد دارند و اغلب اتفاق افتاده است که وجود یک گیاه یا بوی نامطبوع باعث فرار اجتماع زیروران از داخل کندو شده است و از این جهت است زیرورانی که بوی بد را با خود می‌آورند با خشونت زیاد با آنها رفتار می‌شود .

و - زیروران بنظافت داخل کندو و اهمیت زیاد می‌دهند از این جهت دسته‌ای از کارگران عمل مزبور را برعهده دارند مثال زیر اهمیت کار آنها را روشن می‌کند . مثلاً اگر تصادفاً موشی بکندو برای خوردن عمل حمله کند پس از اینکه

نخست موعظه پیر مینروش اینست که از معاش ناچنس احتراز کنید

توسط نیش زهر آلود زنبوران کشته شد چون حمل جسد این موش بخارج برای مأمورین مقدور نیست زنبورائیکه مأمور نظافت کنندو هستند برای جلو گیری از عفونت حاصله از جسد موش آنرا هومیائی می کنند باین ترتیب که قشر ضخیمی از موم که غیر قابل نفوذ است روی جسد ترشح کرده و آنرا بیک توده از موم تبدیل می کنند و باین ترتیب از فساد و تعفن جسد موش جلو گیری می نمایند .

ز - در این جائی توان از دایه های مهربان تر از مادر نام برد زیرا دایه ها زنبورانی هستند که نوزادان جدید را که تخم آنها بتوسط ملکه گذارده شده پس از خروج از تخم تغذیه و تربیت می نمایند و بایستی گفت که در این عمل دایه ها نهایت مراقبت و دلسوزی را بکار برده و پس از اینکه نوزادان بتدریج بزرگ شدند بآنها پرواز و کار آئینده آموخته شده و بشغل جدید راهنمائیشان می کنند .

۲- **ملکه زنبورها** - که در هر کندو منحصر بفرد بوده دارای بدنی طویل و کشیده و رنگی زیبا می باشد علاوه بر اینکه فرمانروای مطلق العنان زنبوران بشمار میرود چون کارش گذاری است مادر زنبوران کندو نیز محسوب می شود .
ملکه جز در مواقع مخصوص مرتب در داخل کندو سرکشی می نماید و دستور اوبدون چون و چرا توسط پاسبانان اجرا می شود باین طریق دیکتاتوری مطلق در اجتماع زنبوران برقرار است .

ملکه پس از بارور شدن از زنبوران نو که بعداً ذکر می شود روزانه در حدود ۳۰ هزار تخم می گذارد و در مواقع تخمگذاری پس از سرکشی و بازدید خانه ها و اطمینان باینکه همه چیز آماده است شکم خود را در هر خانه قرار داده و یک تخم می گذارد و ازین پس مراقبت تخمها بعهده دایه ها و اگذار می شود پس از اینکه نوزادان از تخم خارج شدند بر حسب نوع تغذیه معدودی ملکه، و بعضی که تعدادشان بیشتر است کارگران را ایجاد می کنند یعنی اگر باغذای مخصوص " لپنتی " تغذیه شوند ایجاد ملکه و الا کارگران را بوجود می آورد ولی ملکه برای ایجاد زنبوران نر تخم مخصوص می گذارد که با هر نوع تغذیه ای زنبور نر را ایجاد می کند .

موقعیکه رشد کارگران تکمیل شد همانطوریکه قبلاً ذکر شد توسط دایه ها بگردش رفته و کار آموزی می نمایند و پس از چند ساعت بکار مشغول می شوند . ولی ملکه ها پس از رشد اجازه ندارند از خانه خود خارج شوند در این موقع توسط پاسبانان حراست و از سوراخیکه در بالای خانه وجود دارد فقط تغذیه می شوند زنبوران نو حاصله نیز باید همیشه در کندو معدود باشند و اگر زیاد شدند توسط کارگران بگوشه ای برده شده
علی علیه السلام میفرماید :

آنکس که از سر چشمه معرفت و دانش بدو است از همه تیره بخت تر باشد

و آنقدر گرسنگی می کشند تلف شوند و با توسط نیش آنها از بین میروند . چون باین طریق تعداد کارگران کندو بتدریج زیاد می شود در فصول مساعد مانند بهار عده ای از جمعیت کندو در جلو کندو اجتماع نموده و با ملکه قدیم از کندو خارج می شوند و در طلب کندو و مکان دیگری پیرواز در می آیند .

اجتماع مزبور که در اصطلاح پرورش دهندگان زنبور عسل بهاره نامیده می شود بهدایت دوست و رملکه روی شاخه ای از گیاه خوشبوئی می نشینند و در این موقع منظره خوشه انگور سیاه رنگی را دارند که توسط پرورش دهندگان بکندوی دیگر ریخته شده و باین طریق کندوی جدیدی بوجود می آید .

اما پس از خروج ملکه قدیم از کندوی اولی غوغائی بیامی شود زیرا ملکه های جوانیکه در داخل خانه بودند همگی خارج شده و بجای یکدیگر می افتند

و آن قدر یکدیگر را نیش می زنند تا فقط یکی از آنها باقی بماند و ملکه جدید پس از اینکه بر اوضاع مسلط گردید پرواز عروسی می کند درین موقع باعدئی از زنبوران نر از کندو خارج می شود و با آسمان اوج می گیرد و زنبوران نر ویرا تعقیب می نمایند .

ملکه آنقدر بالا میرود تا آخرین و قویترین زنبور نر که بتواند تا آن ارتفاع بدنبال او برود انتخاب و در اوج آسمان با وی جفت گیری می نماید و سپس بکندو باز گشت می کند ، چند روز بعد از پرواز عروسی ملکه شروع به تخم گیری می نماید ولی اگر ملکه با کره بکندو برگردد تخم هائیرا که خواهد گذارد همه تبدیل به زنبور نر خواهد شد بدیهی است چنین کندوئی بعلت نداشتن کارگر بعد از مدتی مضمحل خواهد گردید .

۳ - نرها - زنبوران نر که تعدادشان در هر کندو محدود و طول عمرشان کوتاه و هیچ عمل مفیدی در کندو انجام نمی دهند فقط کارشان جفت گیری با ملکه و خوردن عمل است و بدین جهت است که همیشه مورد بغض و کینه کارگران هستند و پس از پرواز عروسی نیز یا خود می میرند یا بوسیله کارگران معدوم میگردند .

زنبوران نر جثه ای از کارگران بزرگتر و از ملکه کوچکتر و دارای نیش سمی نیستند و باین طریق نمی توانند از خود دفاع کنند فعالیت و تخم گذاری ملکه و ساختن ورم و عسل بستگی مهم با فراوانی آب و سبزه در هر نقطه دارد و بنابراین پرورش زنبور عسل نیز در نواحی معتدلی که دارای آب فراوانی باشد بهتر انجام می شود .

همانطوریکه ملاحظه می شود در اجتماع زنبور عسل فعالیت عجیبی حکم فرماست کلیه کارگران در این فعالیت سهیم هستند و هیچ وقت اتفاق نیافتاده است که یکی

از کارگران بخواهند بزم اسراحت و تن آسایی از کار سرپیچی نمایند. جادارد که فعالیت این حشرات پست سرمشق اجتماع ما گردد که پیوسته می‌خواهند از زیر کار و مسئولیت شانه خالی کنند و مخصوصاً دانش آموزان بایستی باین نکته توجه داشته باشند که اجتماع کنونی ما بفعالت آنان نیازمندی شدید دارد و بجاست که فعالیت زنبوران را نصب‌العین فرار داده و ما که خود را از آنان برتر و کامل‌تر می‌شناسیم اقلاب این طریق برتری خود را ثابت نمائیم .

پایان

آیا شنیده‌ئید که :

- لاک پشت از همه حیوانات بیشتر عمر می کند و عمرش به ۳۵۰ سال میرسد ؟
- آله‌گائی که در دریا می‌رویند بلند ترین گیاهانند و طولشان به ۲۰۰ متر میرسد ؟

علی علیه السلام:

همه جا در جستجوی دانش ، بشتابید و در پیرامون چراغ علم
پروانه صفت بگردید

حاج عباس حداد

آقای حاج عباس حداد شاعر باذوقی که ضمناً هنرمند قابلی نیز میباشند در سال ۱۳۰۱ در کاشان متولد شده و از کودکی بشعر و ادبیات علاقمند بوده و ذیلاً نمونه‌ای از اشعار ایشان بنظر خوانندگان محترم سالنامه میرسد .



شما تو صاحب دیهیم و افسر و کلهی
خوش است کربگدایان درافکنی مگهی
به جولا یتناهی منیر خورشیدی
که ذره پروری از مهر و نوربخش مهی
کنانه من چو بمیزان عدل و داد برند
بغیر عشق تو دیگر نباشم کنهی
بخاک کوی تو بایست سرسپرد ای دوست
خدنک غمزه بسویم کرافکنی جانا
بناز شست تو برتن نمی کنم زهری
شده است عقدۀ دل تاب طرهات که هنوز
زکار دل نتواند گشود کس گـرهی
قدم ز نیم در این ره بشرط راست روی
که غیر چاه زبندان یار نیست چهی

تو شاه کشور عشقی و یوسف حسنی
 که احتیاج نداری به لشکر و سپهی
 بگو به عاشق ژوایده تابکی حداد
 اسیر فتنه و جادوی چشم دل‌سپهی

غزل زیر را آقای حداد در مکه معظمه سروده‌اند

لله الحمد که اندر دل ما جای تو بود
 اندر آن جایگاهای دوست تمنای تو بود
 دل شیدائی من میل تماشای تو داشت
 سر سودائی من بر سر سودای تو بود
 هر چه گفتیم و شنیدیم تو میدانستی
 آری این شیوه هم از شیوه شیوای تو بود
 سیر روحی همه جا کردم از این عالم جسم
 همه جا دیده دل کرم تماشای تو بود
 همه جا تذکره عشق تو «ویزا» کردم
 لیک اندر دل ما صحبت ویزای تو بود
 بوصول تو رسیدیم و ندیم ترا
 هجر آن وصل هم از آیت کبرای تو بود
 همه جا دیده فکندیم و بدیدیم دلی
 هر کجا بود دلی رفته به یغمای تو بود
 پای کوبان بسر کوی تو منزل کردم
 آری این دلخوشی از همت والای تو بود
 دیدم آن آئینه ذات که موضوع تو بود
 و در آن جلوه کنان نفس سراپای تو بود
 آنچه حداد در آن دایره انس بدید
 در دل سیقتش سر هویدای تو بود

پیش مردم بد تو خواهد گفت
 محرم کس نباشد آنکه مدام
 آنکه پشت بد کسان گوید
 سخن کس باین و آن گوید

آقای دکتر حسین سیدی



آقای دکتر حسین سیدی فرزند
برومندکاشان در سال ۱۹۳۸ مسیحی قبل
از جنگ جهانی سوز بکشور فرانسه عزیمت
و پس از ۱۳ سال دوری از وطن و تکمیل
معلومات با اخذ درجه دکترا در حقوق
بسال ۱۹۵۱ بایران مراجعت نمودند .
ایشان فعلاً بسمت دایماری دانشگاه تهران
(دانشکده حقوق) مشغول کارند آقای
دکتر سیدی دارای طبعی روان و در شعر
سبک مخصوصی دارند ذیلاً چند نمونه از
اشعار ایشان را ملاحظه میفرمائید .

آقای دکتر حسین سیدی

غزل

بحیله دامنم از دست دل رها میکرد
تفقدی بوفایش ، قسم بجا می کرد
بقهر یا دل ما را زما جدا می کرد
بخنده زمزمه بر نکبت صبا میکرد :
سراغ خانه احسان کدخدا میکرد ،
بما کر این بت یکتای خوب «تا» میکرد
بجان دوست که می کرد و ناروا میکرد
امیدی سرو پا هر چه دست و پامی کرد
هزار سعی گراز مروه تا صفا میکرد
فرشته ای بمناجات این دعا میکرد

چه میشد ارنگهی با رسوی ما میکرد
کر این توقع بیجا بجای می آورد
ز مهر ، یا دل خود بر دلم همی پیوست
شنیده ام چو پیام شنید یا را این بیست
«یکی بده کنده مردم رهش نمیدادند
کجا تناول زلف دو تاش می بردیم
چه ظلمها که بکس هیچکس روا نکنند
ز پای ماندم و دستم بدامنش ترسید
بی صفای دلم سعی یار می ارزید
بگوش هوش شنیدم که دوش وقت سحر

خدا بداد دل سیدی رسد که دلش
نشسته بود بخون و خدا خدا میکرد

یادگاری

گفتمش : کودل تو نابرم ؟
گفتمش لب بده گفت این باقوت
خواستم موئی و گفت این خرمن
گفتمش چاک کرببان بکشای
سیدی ورد ز عشقت گفتم
گفت پیش از تو یکی آمد و برد
آنکه دل برد خرید و بسپرد
خوشه خوشه همه را بارش مرد
گفت جانم «ممدرا الوو خورد»
چه کنم گفت بمن، مرد که مرد

من از بی مهریت در گریه بودم
چو خندیدی بدان خرسند گشتم
تو از این گریه در لبخند بودی
که از رنجم دمی خرسند بودی

غزل

مگر کم کرده‌ای راه امشب‌ای ماه
نپندارم که دل اینجا کشاندت !
بهار است و گهی بادی بهاری
بپرسد گاه حال روستائی
ز قدر ماه چیزی کم نکرد
نمی شد پادشاه مصر یوسف
چه حاصل راز خویش از من نهفتن
دو چشمانت سخن می‌گوید از عشق
از این لب‌ها که می‌ارزند از میل
بیا بنشین که داد خود بگیریسم
همان امشب که گیرد کایه من
دلی دارم که می‌ارزد بملکی
چین بر خاتمه تنگم، نگه کن
کدای شهر و شاهنشاه عشتم
بیا بر گیر کفش از پای و بنشین

بجان سیدی امشب از اینجا

نخواهی رفت بیرون خواه نساخواه

همان به است که بر نیزه‌ای بلند شود
به پر نگاه چنم فتد اگر آن را
سری که پیش فرومایه‌ای فرود آری
بمشق جنت فردوس سجود آری

گفته بودم که اگر بوسه دهی توبه کنم که دگر باره از این گونه خطاها نکنم
بوسه‌ای دادی و برخاست لبم چون زلزلت توبه کردم که دگر توبه بیجا نکنم

سبیل قصیر

من دلم دیوانه بود و سبیل از آن دیوانه‌تر آمد آن دیوانه و گوید این دیوانه را
بود هر جایی که کاخ و کلبه و ویرانه‌ای سبیل در هم کوفت کاخ و کلبه و ویرانه‌ها
خانه دل را که تنها خانه‌ام بود آب برد برده بودای کاش جای خانه صاحبخانه‌ها

بسئالات زیر پاسخ دهید اگر نتوانستند صفحات

بعد هر آنچه کنید

- ۱ - عمق دریاها را چگونه اندازه می‌گیرند ؟
- ۲ - درجه حرارت خورشید چقدر است ؟
- ۳ - دود چیست
- ۴ - حیوان بی‌مهره‌ای وجود دارد که دارای دو معده باشد ؟

راز جنسیت

بقلم جناب آقای لطیفی ریاست دانشسرای مقدماتی



تا آنجا که تاریخ نشان میدهد بشر پیوسته نسبت بموضوعاتی که برایش ابهام داشته کنجگاو بوده و برای پی بردن بمسائلی که اسرار آن برایش مکشوف نبوده اصرار میورزیده است و این تجسس را تا آنجائی دنبال کرده که پاره ای از علمای علم الاجتماع تنها همین حس را موجب ترقی او دانسته آنرا وجه الامتیاز بین او وسایر موجودات پنداشته اند ، با اینهمه اگر موجب واقعی کلیه پیشرفتهای بشری تنها این موضوع نبوده بدون شك در این باره رل عمده ای بازی کرده و در كشف اكثر مشکلات علت اساسی بوده است .

بین تمام مسائل بغرنجی که از ابتدای زندگی تا کنون بشر با آن مواجه گردیده کمتر مسأله ای باندازه موضوع جنسیت

و دانستن آن بآن علاقمند نبوده و رهبران رؤیس دانشسرای مقدماتی پسران قوم و علما و دانشمندان هر زمان سعی کرده اند نسبت باین موضوع وسؤالانی که در این خصوص از طرف مردم از ایشان می شده بنجوی پاسخ دهند و بدینوسیله غریزه کنجگاو هموعان را تشفی بخشند.

نوع سؤالات را با وجود تمام پیشرفتهای علمی قرون معاصر مطرح می کنیم تا به بینم آیا واقعاً علم میتواند یا توانسته است جواب قانع کننده و مستدلی بآنها بدهد یا خیر. «چطور می شود بعضی موجودات نر بدنیا می آیند و بعضی ماده ، و از چه وقت سرنوشت موجود از نظر جنس مشخص میشود ؟ آیا سرنوشت تخم بستگی بحالت قبل از عمل لقاح دو موجود نر و ماده دارد ؟ رژیم غذایی و آب و هوا تا چه حد در سرنوشت تخم از نظر تغییر جنس موثر است ؟ جنس نر چه نقشی را بازی می کند ؟ جنس ماده چه حد موثر است ؟ و بالاخره والدینی که تمام اولادهای آن ها پسر یا دخترند

هر يك از دو طرف زن یا مرد تا چه حد حق دارند تقصیر را بگردن دیگری بگذارند با افتخار آن را نصیب خود بدانند؟ > پیش از بیان و تشریح مطلب تا آنجا که علم پیشرفت نموده و در این باره تحقیق شده خوبست نظری باقوال گذشتگان کنیم و به بینم پیشینیان نسبت باین موضوع چگونه اظهار نظر نموده اند :

ارسطو فیلسوف و دانشمند پراچی که گفته ها و نوشته هایش در مدتی قریب بدو هزار سال بمنزله وحی منزل بود و تخطی از حدود گفته هایش در مذهب علما کفر بود اولین دانشمندی است که نسبت باین موضوع اشاره کرده ، بدین معنی که جمله ای را با علامت استفهام (؟) ذکر می کند ولی ضمن نوشته هایش جایی دیده نشده که باین پرسش جواب داده باشد اینک عین جمله : > پیش از آنکه جنس های هر جانور بر ما معلوم باشد آیا نرو ماده بودن آن معین است نر بودن یا ماده بودن حیوان در شکم مادر یقین میشود یا پیش از آن ؟ >

امپد کل یکی دیگر از علمای پیش از میلاد یونان معتقد است که نریا ماده شدن جنین بستگی به حرارت رحم مادر دارد و دانشمند دیگری می گوید جنس نوزاد بستگی به چگونگی نطفه هائی دارد که در بوجود آوردن نوزاد با یکدیگر ترکیب میشوند . **ذیمقراطیس** معتقد است که هر يك از والدین در موقع تولید مثل نطفه ای تولیدی می کنند اگر نطفه پدری قویتر باشد نوزاد نرو اگر مادر قویتر باشد جنین ماده خواهد بود بین نظریات مختلفی که از گذشتگان باقی مانده آنکه بیشتر به حقیقت نزدیک است نظیری است که **بقراط** حکیم عالیقدر یونانی اظهار داشته است . بنظر این دانشمند هر والدی دو گونه نطفه تولید می کند یکی قوی نرو دیگری ضعیف و ماده اگر نطفه نر پدری و نطفه نر مادری با هم آمیزش یا بند پرسی قوی باروحی بزرگی واجد تمام صفات مردانگی بیار می آید و برعکس اگر دو نطفه ماده یکی از پدر و یکی از مادر متحد شوند زنی تمام عیار با صفات کامل جنس خود بوجود می آید اگر نطفه نر پدری با نطفه ماده مادری ترکیب شود در صورتی که پدری قویتر باشد پرسی نیمه مرد و اجده صفات مردی بحد اعتدال بوجود خواهد آمد و در صورتیکه نطفه مادری قویتر باشد دختری باشاهمت بوجود خواهد آمد و بالاخره اگر نطفه نر مادری با ماده پدری آمیزش یا بد در صورت قوی بودن نطفه مادری پرسی زنانه طبع و در صورت قوی بودن نطفه پدری دختری بشمام معنی باشاهمت و جسور و مرد آسا بسیار خواهد آمد .

چونچه گرچه فرو بستگیست کار جهان
تو هم چو باد بهاری گره گشا میباش

بعضی دیگر از علماء تخمدان‌های طرف چپ و راست زن یا بیضه‌های راست و چپ مرد را هر کدام مأمور ساختن نوعی خاص از نطفه میدانند و بالاخره در قرون نزدیک بعصر حاضر عده‌ای از دانشمندان علت نریاماده شدن جنین را منوط بنطفه پدری دانسته و معتقد بودند که در نطفه‌های پدری دونوع آدمک وجود دارد در بعضی نطفه‌ها آدمک نر و در بعضی آدمک ماده در صورتیکه نطفه را جدآدمک نر با نطفه مادری آمیزش باید موجود نر و در صورت آمیزش نطفه واجدآدمک ماده با نطفه مادری موجود ماده بوجود خواهد آمد تمام این نظریات چون باروش اصلی مطالعه در علوم طبیعی یعنی روش مشاهده و تجربه توأم نبوده گرچه بعضی از آنها با حقایق علمی مکشوفه امروز خیلی نزدیک است ولی بیش از آنچه جنبه واقعیت داشته باشد بیک فرضیه یا یک تخیل شبیه، و مسلم است که اثبات هیچکدام از این نظریات برای مدعیان بیان آن ممکن نبوده است و چه بسا صاحبان این نظریات بمفهومی که امروز از آن‌ها درک می‌شود واقف نبوده‌اند. از عقاید و نظریات علمای هر زمان که بگذریم بین مردم عادی نیز یک سلسله اصطلاحات و تعبیراتی در این خصوص موجود است که همه کس، کم و بیش بدان آگاه است، و بیان آن در اینجا زائد بنظر میرسد و همین قدر باید گفته شود که بتعداد اقوام و ملل روی زمین نظریاتی در این باره موجود و هر طایفه و قومی این رمز بزرگ دستگاه آفرینش را بنحوی توجیه نموده و غالباً نیز «چون ندیدند حقیقت را فاسانه زدند».

بعد از بیان نظریات و عقاید مختلف علماء در طول تاریخ آنچه که امروزه محقق است اینکه تخم یا سلولی که از تقسیمات بی‌درپی آن موجود بوجود می‌آید مثل همه سلول‌های اعقاب خود از سه قسمت اصلی درست شده که عبارت از هسته، ویر و توپلاسم و غشاء است و در هسته آن علاوه بر شیره‌ای که بنام شیره هسته نامیده می‌شود رشته‌های کم و بیش درهمی وجود دارد که بنام **گروها** **تین** موسوم است و این رشته‌ها در مراحل تقسیم به قطعات مجزائی در می‌آیند که تعداد این قطعات در هر نوعی از گیاه یا جانور معین و لایتنغیر می‌باشد و بنام **گرموسوم** موسومند در انسان تعداد این گرموسوم‌ها ۲۴ جفت است منظور در اینجا از بیان این مطلب روشن شدن یک موضوع است و آن اینکه تعداد گرموسوم در هسته سلول‌های بدن انسان ۲۴ جفت و در تمام نسل‌ها نیز ثابت و غیر قابل تغییر است، نکته دیگری که مسلم است اینکه تخم یا یاخته‌ایکه از آن جنین بوجود می‌آید از آمیزش دو یا چند یاخته یکی از طرف جنس نر و یکی از طرف جنس ماده بوجود می‌آید اگر بنا باشد که این ناحیه‌های آمیزشی از نظر تعداد گرموسوم با سایر یاخته‌های بدن یکسان باشند لازم می‌آید که تخمی که از آمیزش این دو یاخته بوجود می‌آید بعوض ۲۴ جفت ۴۸ جفت گرموسوم داشته باشد و در نسل بعد نیز باز این عدد به ۹۶ جفت ترقی کند و بدین ترتیب اگر در نسل بگذرد تعداد گرموسوم‌ها در یاخته‌های بدن نسل دهم بعد ۱۲۲۸۸ میرسد در صورتیکه می‌بینم حقیقت غیر

از این است و این عدد در همه نسل‌ها ۲۴ جفت است علت ثابت ماندن نیز امروزه بیانش مشکل نیست بدین ترتیب که تخمی بوجود می‌آید از آمیزش دوباخته، که هر کدام از نظر تعداد کر موسوم ارزش نصف یاخته‌ها دارند یعنی یاخته‌های جنسی در هر موجود در نتیجه یک تقسیم که به تقسیم کاهش کروماتین موسوم است تعداد کر موسوم‌ها در آن‌ها نصف می‌شود و باین ترتیب باید این نوع یاخته‌ها را بنام نیم‌باخته یا **گامت** نامید چه در جنس نر و چه در جنس ماده پس چنین نتیجه می‌شود که تخم از آمیزش دو گامت یا دو نیم‌باخته که یکی از جنس نر و دیگری از جنس ماده می‌باشد بوجود می‌آید و پس از آمیزش تا مدتی که از نمو تخم یک‌گذرد حتی با تهیه دقیق‌ترین مقاطع میکروسکپی علامتی که دلیل بر نریا ماده بودن جنین باشد دیده نشده تنها پس از چهار هفته که جنین بطول تقریبی سیزده میلی‌متر رسیده است وضع دستگاه تناسلی مشخص و مشهود می‌گردد، باز در اینجا سر و کار دانشمندان با تخیل و تصورات قداده عده‌ای تاریخ تعیین جنس را حین عمل لقاح تصور کرده نطفه مادری پیرا را موجب سر و نطفه‌های مادری جوان را موجب دختر پیدا کنند حتی بعضی از دانشمندان روی همین اصل، مقاربت بعد از قاعدگی را باعث بوجود آمدن پسر میدانند و عده‌ای دیگر رژیم غذایی بعد از عمل لقاح را در تعیین جنس مؤثر دانسته و حتی یکی از دانشمندان بتصور اینکه مبتلایان بمرض قند خفیف دختر می‌آوردند ب مادران پسر خواه خودداری از صرف اغذیه شیرین را در ابتدای حاملگی توصیه می‌کنند. با تجسس و تحقیق دانشمندان این راز نیز نهفته نمانده و امروزه مسلم گردیده که سر نوشت تخم از نظر جنس در همان حین عمل لقاح تعیین می‌شود و برای اثبات این مدعا در بعضی از حشرات دیده شده که یک تخم می‌تواند بچند صد قطعه تقسیم و هر قسمتی حشره‌ای را بوجود آورد که همه آن‌ها از نظر جنس یکسان باشند. پس تخم سلولی نیست که بتواند تحت تأثیر محیط یا رژیم غذایی تغییر سر نوشت بدهد بلکه خود تخم در حقیقت دارای جنس است، یک موضوع می‌ماند و آن اینکه معلوم کنیم جنس تخم بچه چیست بستگی دارد و این جنس بچه صورت در تخم هویدا است.

برای پی بردن باین موضوع خوب است از مگس استمداد بطلبیم زیرا این حیوان با تکثیر فوق العاده و وضوحی که در ناحیه‌های بدنش موجود است ما را تا حدی بمقصود هدایت می‌کند، نوعی از مگس که بنام مگس سر که معروفست در هسته یاخته‌هایش بعوض ۲۴ جفت کر موسوم که در انسان وجود دارد فقط ۴ جفت وجود دارد که بطور واضح میتوان مشاهده نمود این چهار جفت در جنس مگس ماده بشکل‌های VU ۱۱۰۰ دیده میشود و در مگس نر سه جفت آن کاملاً شبیه ماده ولی یک جفت آن اندکی متفاوت است بدین معنی که بعوض دو خط صاف سریکی از خطوط اندکی برگشته است در موقع تشکیل

گامت يا نيم ياخته هاي جنسي كه شرح آن گذشت مگس ماده از نظر كرموسوم بصورت ياخته هاي چهار لنگي در مي آيد كه صرفنظر از ساير كرموسوم ها ، كرموسوم مورد بحث نيز دو كرموسوم شبيهه كه هر دو را ميتوان X ناميد در مي آيد يعني گامت هاي ماده كه از موجود تشكيل مي شود يكسانند ولي جنس نر موقع بوجود آمدن گامت يا ياخته جنسي دونوع ياخته بوجود مي آيد كه يك نوع آن صرفنظر از سه لنگ كرموسوم شبيهه داراي كرموسوم خط ونوع ديگر آن داراي كرموسوم سر كيچ مي باشد كه براي مهورات امر يكي را به X ديگري را به Y نشان مي دهيم در عمل لقاح كه يك گامت از طرف نر و يك گامت از طرف ماده شركت مي كند از دو حال خارج نيست در صورتيكه گامت نر واجد كرموسوم X با ماده واجد كرموسوم X آميزش يابد تخمي بوجود مي آيد داراي يكجفت كرموسوم XX و در اينصورت مگسي كه بوجود مي آيد ماده خواهد بود در صورتيكه واجد كرموسوم Y نر با X مادري كه در هر دو حال X آميزش يابد تخمي بوجود مي آيد داراي يكجفت كرموسوم $X.Y$ علاوه بر سه جفت كرموسوم ديگر كه با جنس قبلي يكي است وچنين مگسي نر خواهد بود و چون تعداد اين دونوع ياخته در جنس نر يكي است تعداد نفوس هر يك از دو جنس با در نظر گرفتن حساب احتمالات تقريباً مساوي است .

با اندكي جرح و تعديل نظير اين موضوع را در انسان ميتوان تعميم داد با اين تفاوت كه در جنس نر ماده انسان از نظر تعداد كرموسوم اندكي متفاوت است . بآزهم بايد منتظر بود تا كشفيات بعدي موضوع را بيش از امروز روشن سازد.

پايان

علي عليه السلام:

پرسيد و از پرسيدن خويش جز آموختن آموختن ما مدايد

مقام زن در جامعه

از: بانوی شاعره قیصر صفائی

یقین زنان وطن چشم ملک جانب ماست
 زبون چرا بنشینیم قدر ما والست
 ضعیف جسم زنان را حقیر بشمارید
 بزیب تربیت کودکان یدی طولاست
 زن از نخست با اطفال خویش آموزد
 خدا و شاه و وطن، کاین مرام و مسالک ماست
 ز گاهواره نقه‌وای مادران، کدودک
 رشید و افسر ولایت، هزارها بر خاست
 که که مثال عقاب و گهی بسان نهنگ
 گاهی باوج هوا، گاه در ته دریاست
 بعلم و تربیت کودکان خود کوشیم
 که این صغیره امروز، مادر فرداست
 همیشه وقت زنان صرف خانه و فرزند
 که ما در وطن؛ از این فرشتگان بیناست
 مراست يك سخن از گوش و دل فرا دارید
 بگویم آن سخن، ای مدعی مگر که خطاست؟
 ز پاکدامنی - ادران پاك نژاد
 تراوش آنچه کند ایمنی و صلاح و صفاست
 زنان، اراده راسخ بکار باید بست
 که عز مملکت ما رهین ملت ماست
 بهشت عدن بگردید کشور ایران
 ز همت شه و ملت دوام ملک بجاست
 بگو بشاه جهان قیصرت ثنا خواند
 که مهر و رافت تو حجت موجه ماست

در وصف بهار

ای مدعیان وقت طرب فصل بهار است
می در کف و دف در بر و لب بر لب یار است
گشته سپری ماه دی و برف زمستان
بر جای زغن ناله نی ، صوت هزار است
یکدمه خوشند از می و یک دسته ز معشوق
این کاه روا و آن دگری مست و خمار است
نیپو جهد از لانه خرامان سوی هامون
که چرخد و که خندد و که پایغزار است
در دامن گل بلبل بیدل رود از هوش
چون گل بیرو و گل بلب و گل بکنار است
صحرا و چمن پر شود از لاله و سنبل
مطبوعی بویش همه از مشک تثار است
کهسار سر از چادر ابيض بدر آرد
کانجا همه گرد شگه صد لاله عذار است
از ز خنۀ هر صخره روان آب زلالی است
غلطان بزمین که به بزمین که به یسار است
توصیف تو قیصر همه از صنع الهی است
زنهار خزان در پی هر فصل بهار است

ورزش

بقلم آقای حمصیان دبیر ورزش

شکرانه باروی توانا
بگرفتن دست ناوان است .
ورزش کنید تا بتوانید قبول کنید که ورزش شرط اول سلامتی و موفقیت
است .

ورزش مرادف زندگی و زندگی بدون نندرستی و نیرومندی امکان ناپذیر است.
بر کسی پوشیده نیست که تقویت صحیح نیروی بدنی لازمه نیرومندی فکر و
فوه تعقل است. علمای آموزش و پرورش معتقدند که تربیت بدنی مقدمه ای است برای
تربیت روحی و تربیت اخلاقی، این مطلب صحیح است که عقل سالم در بدن سالم است
ولی باید سعی کنیم که در هر بدن سالم عقل سالمی هم وجود داشته باشد. بازی توانا و
قوی موقعی قابل ستایش است که دست نه توانی را بگیرد و بدست خائنی را کوتاه کند.
ملل زنده دنیا معتقدند که عاقل حقیقی کسی است که دارای بدنی سالم باشد و برای
برقراری این موضوع در کلیه شهرها و قصبات و دهات وسایل زمین های ورزشی
برای پرورش تن و تهذیب اخلاق ابناء وطن خود مهیا ساخته و بانواع و اقسام تبلیغات
سودمند برای توجه مردم بطرف ورزش دست زده و با ترتیب دادن مسابقات ورزشی
و ایجاد رقابت، مردم را بوزش علاقمند میسازند تا در میدان های ورزشی همه روزه
عموم مردم از پیرو جوان و کودک چند ساعت از اوقات خود را برای نیرومندی
تن و ایجاد روح نشاط آور و اشتغال بیازی و تفریح بمنظور رفع خستگی از کارهای
روزانه بر گزار کنند و اکنون که در سایه توجهات **اعلیحضرت همایون شاهنشاهی**
که خود سر مشق فداکاری و مشوق ورزش است تغییراتی در شیون اجتماعی روی داده و همه
روزه قدمی بلند تر برای پیشرفت این امر حیاتی برداشته میشود جای آنرا دارد که
کلیه افراد هر کسی بسهم و استعداد خود بهرنحوی که میتواند در این راه شریک شده
جوانان را یاری کند تا در سایه سلامتی و نیرومندی که یگانه راه زندگی است زندگی
بانشاط و مفرحی برای جوانان آماده شود در خاتمه نظر خوانندگان عزیز را باشعار زیر
که از استاد سخن جناب آقای منشی است معطوف میدارد:

به تمرین ورزش اگر رو کنیم	تن خویشتن را به نیرو کنیم
تنی کو بورزش بود زورمند	ز آفات کمتر بود درگزند
به پیچم سراز نندرستی چرا ؟	دهم راه برخویش سستی چرا ؟
شود کرم راتن بورزش دلیر	نباشد مرابیم از تره شیر

نترسم ز خرطوم پیلا مست	که آن آستین نیست خالی زدست
کنم جان و تن را ب ورزش قوی	باقبال شاهنشاه پهلوی
ز سستی بر آورد باید دمار	که امروز سستی نیاید بکار
ز نیرو شود آدمی راحتگو	بجز کزی از سست طبعان معجو
در این باره فردوسی پاکجفت	چه نیکو بشنماه زین پیش گفت
« ز نیرو بود مرد راراستی	ز سستی کزی آید و کاستی »

ز همنشی یکی پند بر کار بند
ب ورزش تن خویش کن زورمند

سخنان حضرت علی علیه السلام

- ۱- خرد سرمایه سود انگیز و سود آور باشد
- ۲- خود ستایی جز نکبت و وحشت سودی نیاورد.
- ۳- تنها پرهیزکاری سرمایه رستگاری است .
- ۴- آفتاب علم پرتو دل افروز بتابد و در تابش این پرتو دل افروز تن پروران و خیره سران را شرمنده سازد.

تصفیه نفت در پالایشگاه آبادان

بقلم آقای پرویز منوچهری دبیر شیمی

در فرودینماه سال گذشته اینجانب بقصد بازدید و مطالعه کار پالایشگاه نفت جنوبسفری باآبادان نمودم وخوشبختانه باوجودمحدودیتهایی که برای بازدید مؤسسات نفت وجردداشت باین کار موفقی شدم وباکمک و راهنمایی مهندسین و متخصصین شرکت ملی نفت مدت يك هفته بمشاهده این سازمان عظیم صنعتی مشغول گردیدم.

مفاد زیر خلاصه کنفرانسی است که نگارنده سال پیش در دانشکده علوم ایراد نموده است و چون موضوع فوق مورد علاقه دانش آموزان بود من مناسب ندانستم آنرا بر طبق معلومات علمی دبیرستان تنظیم نموده و بدین وسیله در اختیار علاقمندان قرار دهم:

موضوع نفت و تصفیه آن از موضوعات بسیار جالب علمی وفنی است ، متأسفانه صفحات محدود سالنامه اجازه نمیدهد که بطور مفصل و دلچسب در این باره گفتگو بمیان آید زیرا تصفیه خانه آبادان درواقع شهر بزرگی است که چندین کیلومتر مربع وسعت دارد و در تمام این محوطه وسیع که با خیابانهای مریض وطویل تقسیم بندی شده کارخانه های پالایشگاه و دستگاهاهی عظیم وغول پیکر تقطیر همراه بالوله های قطور نفت و گاز بکمک چوب بستهای آهنی سربآسمان کشیده است و بنحوی که در وحله اول بامشاهده این تاسیسات عظیم انسان گیج و مبهور می شود و گردش ومشاهده سطحی آن ها نیز چندین روز طول میکشد چه رسد باینکه ما در اینجا بخواهیم از طرز کار دستگاها و محصولات آنی که میدهند بحث و گفتگو کنیم. باین ترتیب ناچاریم موضوع را فوق العاده مجمل و خلاصه بیان کنیم اما قبل از این که در مورد فوق وار د صحبت شویم بد نیست کلیاتی درباره خود نفت بدانیم :

نفت چیست ؟ بطور کلی نفت يك ماده آلی است یعنی عناصر اصلی ساختمان ملکولهای نفت کربن و هیدروژن است .

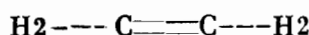
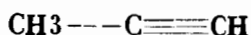
این دو عنصر سوختنی بایکدیگر به نسبت های مختلف ترکیب شده ومواد بنام هیدروکربور بوجود می آورند.

چون بین اتمهای کربن برخلاف عناصر دیگر میل ترکیبی وجود دارد بنابراین ممکن است با پیوند یافتن بیکدیگر ملکولهای درشت و سنگین را بوجود بیاور که در آن اتم های کربن بصورت رشته باهم پیوند شده اند مثل این فرمول .



ممکن است اتمهای کربن بجای اینکه بصورت رشته باهم مربوط شوند تشکیل

حلقه‌ای را بدهند و ضمناً ممکن است اتمهای کربن بجای يك ظرفیت با دوبا سه ظرفیت بهم متصل گردند و در معنی ئیدرو کربورهای اشباع نشده را بوجود آورند مانند فرمول های زیر :



البته ملکولهای نفت خام از اینها مفصل تر و بزرگتر هستند و به نسبت تعداد اتمهای کربن بکاررفته و شکل اتصال آن ها انواع و اقسام ئیدرو کربورها وجود می آیند. بنا براین نفت خام عبارت است از مخلوطی از ئیدرو کربورهای رشته‌ای و حلقوی که هر کدام ممکن است اشباع شده و یا غیر مشبع باشند. هر چه وزن ملکولی این ئیدرو کربور ها سبک تر باشند بحالت مایع و گاز نزدیک تر هستند مثلاً $\text{C}_{16}\text{H}_{34}$ جسم جامدست در صورتیکه $\text{C}_{16}\text{H}_{32}$ مایع فرار و بالاخره CH_4 کاملاً بصورت گاز می باشد بدیهی است که در مجاورت معادن زیر زمینی نفت مقداری هم از این گازها و مواد فرار دیگر وجود دارد که در بخش تصفیه بآن اشاره خواهد شد.

مبدا تشکیل نفت - این موضوع مدت ها فکر دانشمندان را بخود مشغول داشته و هنوز هم جزء مسائلی است که بطور مسلم حل نشده و نتایج کاوش ها و تحقیقاتی که در این زمینه بعمل آمده کاملاً رضایت بخش نیست، بهر حال در این مورد نظریات گونا گونی از طرف دانشمندان ابراز گردیده و هر کدام از روی مشاهده آثار و علائم طبیعی و یا در نتیجه تجربیاتی که انجام داده اند پیش بینی هائی در باب مبدا تشکیل نفت کرده اند بعضی از این پیش بینی ها بکلی خلاف واقع و حقیقت است و بطلان آن بثبوت رسیده و پاره‌ای بحقیقت نزدیکتر است در اینجا خلاصه‌ای از این نظریات یاد آور می شویم :

ابتدا دانشمندان مبدا تشکیل نفت را از روی مواد معدنی تحقیق میکردند مثلاً **بر توله** فرض میکرد در قسمت داخل زمین مقداری فلز خالص موجود است و بکمک اکسید کربن در درجه حرارت زیاد بکربور های فلزی تبدیل می شود و از اثر آب بر روی این کربور تولید استیلن بفرمول C_2H_2 می گردد و او معتقد بود که استیلن حاصله در ۹۰۰ درجه حرارت متراکم شده بنزین و ئیدرو کربور های دیگر را بوجود می آورد. ولی بعلم اینکه وجود فلزات خالص در قسمت داخل زمین بثبوت نرسیده فرضیه بر توله مورد قبول واقع نشده است.

هندلیف هم تصور می کرد که در زمین کربورهای مختلف از جمله کربور آهن وجود دارد که بعلم نفوذ آب باران و شبنم و رطوبت سطح زمین و مجاورت با این کربور استیلن بوجود می آید.

چون در هیچ يك از لایه‌های زمین کربور آهن وجود ندارد این نظریه هم مورد

توجه واقع نگردد. عده ای دیگر مبدأ نفت را بمواد آتشفشانی نسبت میدهند و پاره‌ئی دیگر معتقدند که ذغال سنگ در نتیجهٔ تزدیکی با مواد آتشفشانی کم کم تبخیر شده و نفت خام را ایجاد کرده است.

در حالیکه مطالعه منابع نفتی نشان میدهد که این منابع کمتر در اطراف کوه‌های آتشفشانی قرار گرفته‌اند اما تحقیقات دربارهٔ مبدأ تشکیل نفت از روی مواد آلی بتایج پتری رسید.

مطالعهٔ مبدأ نفت از روی مواد آلی — وقتی که دانشمندی بنام انگلر

روغن ماهی و پیهٔ نهنگ را در تحت فشار و درجهٔ حرارت زیاد مورد تقطیر قرار داد و محصولی بدست آورد که شباهت زیادی به نفت سنگین داشت این تجربه نشان داد که ممکن است نفت‌ها در طی قرون در نتیجهٔ تجزیه شدن ماهی‌ها و حیوانات دریائی بوجود آیند.

فیزیک دان‌ها با مطالعهٔ بعضی از خواص فیزیکی نفت‌های طبیعی و عده‌ای از نباتات دریائی مقابل اشعهٔ نور باین نتیجه رسیده که ممکن است قسمتی از نفت‌ها از انباشته شدن نباتات و رسوبهای دریائی تولید شده باشد. زیرا در نفت طبیعی و در نباتات دریائی ملکول‌هایی موجود است که هر گاه نور از آن‌ها بگذرد جهت نوسان خود را تغییر میدهد. یک چنین ملکولی‌هایی در نفت مصنوعی که از تبخیر ذغال سنگ بدست می‌آید موجود نمی‌باشد.

تجزیه شیمیائی نباتات دریائی نشان میدهد که این نباتات دارای ماده‌ای بنام **کلرین** می‌باشند.

علمای گیاه شناس و حیوان شناس در آزمایشگاه ملاحظه کرده‌اند که پاره‌ای از باکتری‌ها کلرین گیاهان را ضبط کرده و نوع ملکول شیمیائی آن‌ها را بملکولهای نفتی تبدیل میکنند.

برای انجام این آزمایشات نمونه‌هایی از رسوبات ته دریای سیاه را از اعماق مختلفه برداشتند و مورد مطالعه قرار دادند. بر حسب عقیدهٔ دانشمندی بنام **پوتونیه** (Pòtonié) این لجن‌ها ماده اولیهٔ اصلی نفت را تشکیل میدهند. این لجن‌ها که **ساروپلیوم** نامیده میشود شامل مقدار زیادی گیاهان ساده و حیوانات یک سلولی می‌باشند. نمونه‌هایی که از اعماق پائین تر برداشته شده‌اند نشان میدهد که پاره‌ای از بقایای این نباتات و حیوانات صورت اولیه خود را از دست داده‌اند و در عمق‌های باز هم بیشتر مواد سنگین نفتی تشکیل شده است. در اعماق زیاد کف دریاهای کتریبای زنده مشغول عملیات خود هستند و نباتات و حیوانات کوچک یک سلولی بنام **آلگا** و **دیاتمه‌ها** و **سپورها** و جانوران یک سلولی از نوع **فورا می نیفر**‌ها روزنه‌داران قسمت بزرگی از مواد اولیه نفتی را تشکیل میدهد.

جایگاه شدن نفت در زمین- بعد از اینکه مواد اولیه تشکیل شد بتدریج در نتیجه فشردن لایه های نفت خیز ، نفت همراه آب و نمک از داخل رسوب ها بیرون آمده و بحرکت درمی آیند.

این مواد آبگونه تحت اثر نیروی ثقل بحرکت خود ادامه میدهند و در حقیقت رودخانه های نفتی زیرزمینی را تشکیل میدهد . رودخانه نفتی در موقع حرکت هرگاه بزیمینی که دارای لایه های پر منفذ می باشد بر خورد نماید در آن وارد شده گودال نفتی را بوجود می آورد و مطابق قوه ثقل بتدریج گاز نفتی در قسمت فوقانی، نفت در وسط، و آب شور در زیر قرار می گیرد .

گودالها و منافذی که نفت در آن ذخیره می شود بلایه های نفت پرور نامیده می شود . اگر لایه های نفت پرور نزدیک سطح زمین باشد لایه محافظ آن در نتیجه عوامل طبیعی از قبیل باران و شستشوی سطح زمین بوسیله رودخانه ها ضعیف شده و ایجاد شکستگی در آن زمی نماید و گاز و نفت با فشار زیاد بخارج فوران میکنند و با ممکن است بصورت چشمه های نفتی نیز در سطح زمین جاری شود . می گویند آتشفشان های جاویدان زردشتیان غالباً در روی چشمه های نفتی بنامی شده است .

استخراج نفت - در لایه ها و گودالهای نفتی زیر زمین نفت در وسط آب شور و گاز قرار دارد . بعد از اینکه با آزمایشات زمین شناسی و بکمک دستگاههای فیزیکی احتمال وجود نفت در ناحیه ای بوجود آمد با مته های بزرگ شروع بکنندن چاههای عمیق می کنند .

(برای تعیین محل حفر چاه نفت از خاصیت انحراف امتداد شاغل نسبت بصفحه افق استفاده میکنند) چون بجرم مخصوص نفت کمتر از قشر جامد زمین است وجود آن در محلی سبب غیر عمود بودن شاغل در مجاورش می باشد ، بطوریکه تصویر شاغل که در حال عادی روی صفحه افق يك نقطه است بخطی تبدیل میشود . مثلاً اگر در حوالی نقطه ای مانند A تصاویر شاغل خطی بخارج نقطه A باشند لازم می آید که در زیر A یا معدن نفت یا يك فضای خالی و یا پراز آب شور موجود باشد و مشاهده این وضع در زمین هایی که آثار دیگر هم از وجود نفت داشته باشد دلیل وجود نفت را تأیید میکند .

اگر چاه ابتدا بگاز بر خورد نماید گاز ها خارج شده و بعد نفت را بانلمبه های قوی از زمین خارج می کنند ولی اگر چاه بنفت بر خورد کند در نتیجه فشار گازهای نفتی بر روی آن نفت با شدت هر چه تمامتر از دهانه چاه خارج میگردد مثل نفت قم . در اینصورت دیگر زحمت استخراج وجود نخواهد داشت ولی عیب اساسی آن اینست که معمولاً نمیتوان وسائل لازم را برای استفاده مقدار فوق العاده زیاد نفت

که فوران می کند تهیه نمود و در این صورت نفت را مجبورند در گودالهای روی زمین جمع آوری نمایند و مقدار زیادی از آن به درمیرود.

از این گذشته نفتی که باین شکل از چاه خارج شود خطر دیگری هم دارد و آن احتمال ایجاد حریق است که در این صورت خاموش کردن یک چنین حریق برای بشر هنوز امکان ناپذیر است و تا موقعیکه نفت از چاه خارج شود سوخته و از بین میرود همچنانکه در آمریکای جنوبی یکی از چاههای نفت قریب ۳۰ سال است که در حال اشتعال میباشد و هنوز هم خاموش نشده است.

خلاصه همچنانکه گفتیم نفت را با کندن چاههای عمیق از زمین استخراج میکنند عمیق ترین چاهی که تا بحال از آن نفت استخراج می شود متجاوز از ۵۰۰۰ متر - عمق دارد و حتی چاههایی به عمق ۷۰۰۰ متر نیز برای جستجوی نفت حفر کرده اند . از این گذشته بکمک سکوها ی بزرگ که بر روی آبهای سواحل دریاها قرار داده اند از اعماق دریا نیز نفت استخراج میکنند . بهر حال وقتی که نفت خام بسطح زمین رسید وارد یک سری مخازن بنام جدا کننده گاز میشود . در این مخازن فشار نفت خام تدریجاً کاهش مییابد و بالاخره نفت خام را برای تصفیه خانه حمل کنند . گازهای حاصله از نفت خام سوخت مناسبی است که در کشورهای نفت خیز متمدن دنیا از آن استفاده فراوان میبرند ، و بوسیله لوله کشی در شهر ها و خانه ها مورد استفاده سوخت آشپزخانه ، بخاری و کوره های مختلف قرار میدهند .

متأسفانه در کشور ما چون وسیله ای برای بهره برداری از این گاز فراهم نکرده اند بجز قسمت جزئی از آنها را که برای تامین سوخت پالایشگاه همراه نفت خام بآبادان میفرستند بقیه را در بیابان آتش زده و از بین میبرند زیرا انتشار آن در هوا خوب نیست و هوارا کثیف و مسموم میکند .

ضمناً باید متذکر شویم که در بعضی منابع نفتی مثل نفت جنوب ایران مقدار نسبتاً زیادی گاز SH_2 وجود دارد که از تجزیه شدن مواد گوگردی حیوانی و گیاهی حاصل میشود وجود این گاز در اعمال تقطیر و تصفیه ایجاد مشکلات فراوان مینماید از این جهت قبل از حمل نفت به پالایشگاه حتی المقدور این گاز را که همراه سایر گازهای نفتی می باشد جدا کرده و در کارخانه مخصوصی از آن کوگرد تهیه میکنند ، و چون جوهر گوگرد یکی از موادی است که برای اعمال تصفیه نفت مورد استفاده قرار می گیرد گوگرد حاصله را در کارخانه اسید سولفوریک که در خود پالایشگاه وجود دارد بجوهر گوگرد تبدیل می نمایند . بنابراین در مقابل دشواری تصفیه این قبیل نفتها این فایده وجود دارد که پالایشگاه برای تهیه اسید سولفوریک مورد لزوم احتیاج کمتری به خرید گوگرد پیدا می کند .

تصفیه نفت - کفتم نفت خام مخلوطی از ئیدرو کربورهای مختلف است که البته بدون تصفیه نیز قابلیت سوختن دارند چنانچه سابقاً مردم نفت خام را که در چشمه های نفتی بر روی زمین ظاهر می گردید بعنوان سوخت مورد استفاده قرار میدادند و بطوری که اخیراً نیز ملاحظه گردید نفت خام قم را توسط ماشینهای نفت کش برای مصرف سوخت کوره ها بتهران و شهرستانها حمل میکردند . اما در نفت خام ئیدرو کربورهای سبک تری وجود دارند که دارای ارزشهای سوختی بیشتری بوده و اصولاً مصارف حساسی دارند مثلاً مقدار زیادی از احتلالهای شیمیائی را از همین نفت خام بدست می آورند ، بطور کلی اثر نفت ، حلالهای مختلف ، بنزین سفید برای سوخت هواپیما ، بنزین اتومبیل ، نفت چراغ ، گازوئیل ، نفت سیاه ، روغن ماشین و بالاخره قیر از موادی هستند که بترتیب فراریت از نفت خام بوسیله عمل تقطیر و تصفیه جدا میکنند .

مکانیسم عمل بر روی اختلاف فراریت این مقدار قرار گرفته است . بنابراین اگر نفت خام را در دستگاهی مورد تقطیر قرار دهیم بتدریج مواد سبکتر و فرارتر بصورت گاز خارج شده و مجدداً وارد دستگاههای خنک کننده ، سرد و تبدیل بمایع می شوند و موادی که در بک عمل تقطیر اولیه بدست می آید مجدداً مورد تقطیر جزء جزء قرار می دهند و مواد متنوعی از آن بدست می آورند کلیه این اعمال در پالایشگاه انجام می شود.

تصفیه خانه آبادان - نفت تصفیه خانه آبادان از مناطق مختلفه نفتخیز که در فواصل ۱۵۰ تا ۲۵۰ کیلومتری آبادان قرار دارند بوسیله لوله پالایشگاه فرستاده می شود این مناطق عبارتند از مسجد سلیمان و آغا جری - هفت گل - لالی - نفت سفید و کچساران.

مناطق مذکور گذشته از اینکه مصرف پالایشگاه را تامین میکنند مقدار زیادی نفت خام برای صدور و تصفیه در سایر پالایشگاههای دنیا بخارج میفرستد . بطوری که مجموع نفت خام استخراج شده در مدت یکسال ۱ از ۹ دیماه ۱۳۳۴ تا ۹ دی ماه ۱۳۳۵ ، متجاوز از ۲۵۹۳۴۰۰۰ تن بوده و از این مقدار در مدت یکسال فوق ۱۱۱۸۹۰۰۰ تن در آبادان تصفیه شده و بقیه که در حدود ۱۴ میلیون تن میباشد بصورت خام صادر گردیده است .

بزرگترین منبع نفت جنوب منطقه عظیم آغا جری است که دارای ۲۰ حلقه چاه بوده و روزانه ۶۳۷۰۰ تن نفت خام از آن ها استخراج میشود .

همان طور که گذشت نفت خام را پس از خروج از چاه وارد یک سری مخازنی بنام جدا کننده گاز می کنند .

در این مخازن فشار نفت خام بتدریج کاسته شده و بالاخره فشار جدا کننده آخری

را با در نظر گرفتن درجه حرارت طوری تنظیم میکنند که مقداری گاز همراه نفت خام بمنظور تأمین سوخت پالایشگاه فرستاده میشود.

نقتهای مناطق مختلف که بوسیله لوله پالایشگاه وارد می شود در مدخل پالایشگاه به نسبت های متفاوت بایکدیگر مخلوط شده و بوسیله تلمبه های اصلی وارد لوله هایی میگردد که بدستگاه های تقطیر مربوط هستند.

تعداد این تلمبه ها در آبادان ۱۱ عدد است که در ۳ تلمبه خانه دوازدهم قرار گرفته اند تا در مواقع آتش سوزی پالایشگاه را فلج نکنند.

مخازن نفت خام آبادان از مصرف یکروز پالایشگاه تجاوز نمیکند و با همکاری نزدیکی که بین پالایشگاه و مناطق نفت خیز موجود است میزان نفت استخراجی را طوری تنظیم می کنند که با تقاضای روزانه پالایشگاه تطبیق نماید.

موقعی که ظرفیت پالایشگاه آنرا برای مدت کمی کاهش میابد از قبیل از کار افتادن تلمبه دستگاه تقطیر و یا خرابی دستگاه های تبدیل حرارت و غیره شیرهایی انوماتیکمان در اثر ازدیاد فشار باز شده و نفت خام وارد مخازن می شود و هم چنین موقعیکه احتیاج به افزایش نفت خام جهت تقطیر میباشد بوسیله تلمبه نفت را از داخل مخازن کشیده به تلمبه های اصلی تحویل میدهند.

مقدار نفتی که بطور متوسط روزانه در پالایشگاه آبادان تصفیه می شود ۳۸۰۰ تن میباشد که از این مقدار فقط ۵ درصد آن بمصرف داخل کشور و بقیه بصورت محصولات مختلف نفتی صادر میگردد.

تأسیسات اصلی پالایشگاه نفت - پالایشگاه آبادان دارای قسمتهای مختلف

زیراست :

دستگاههای تقطیر نفت خام - دستگاههای تقطیر فرآورده ها - دستگاههای کراکینگ - کارخانه شستشوی محصولات نفتی - کارخانه SO_2 (جدا کردن ترکیبات حلقوی از غیر حلقوی بوسیله SO_2 مایع) کارخانه تهیه بنزین هواپیما - کارخانه تهیه روغن ماشین - دستگاههای مولد بخار آب و برق - کارخانه تهیه کود گرانول SH^2 - کارخانه تهیه اسید سولفوریک - کارخانه تهیه جوهر نمک و غیره.

بطوری که ملاحظه می شود عمل تصفیه مراحل مختلفی را طی می کند و محتاج بدستگاهها و کارخانه های متعدد و مختلفی است و هر کدام از دستگاههای نامبرده اعمال مفصلی را عهده دار هستند که در اینجا حتی باختصار هم نمی توان از آن گفتگو کرد و تنها بشرح بسیار مختصر سه دستگاه تقطیر نفت خام و کراکینگ نفت و تهیه بنزین هواپیما میپردازیم.

دستگاه تقطیر نفت خام

در آبادان چهار دستگاه تقطیر نفت خام وجود دارد که بزرگترین آن هابنام (بنج ۷۵) خوانده می شود.

این دستگاه بر اساس سه برج تقطیر قرار گرفته است.

۱- برج تقطیر شماره ۱ که فشار داخلی آن ۴ ناو آتمسفر است و ارتفاع این برج ۳۰ متر و قطر آن ۵۰ متر است.

۲- برج تقطیر شماره ۲ که در فشار معمولی میباشد و ۳۶ متر ارتفاع و ۷ متر قطر آنست.

۳- برج خلاء که فشار داخلی آن کمتر از فشار معمولی است.

جریان نفت در دستگاه تقطیر

نفتی که بطرف دستگاه رانده می شود ابتداء وارد دستگاههای تبدیل حرارت می شود؛ در این دستگاهها از يك طرف نفت خام وارد می شود و از طرف دیگر محصولات داغی که از نقاط دیگر بدست می آیند جریان داشته و محصولات داغ حرارت خود را به نفت خام داده گرمای آنرا به حدود ۳۵۰ درجه فارنهایت میرسانند، نفت خام پس از دستگاههای تبدیل حرارت با گرمای ۳۵۰ درجه وارد برج شماره ۱ می شود. در سر راه لوله های محتوی نفت خام دستگاههایی قرار گرفته اند که میزان عبور نفت را معلوم داشته و میتوانند آنرا کنترل نمایند.

بطور کلی برج شماره ۱ در حرارت ۴۵۰ درجه کار می کند و بقیه حرارت نفت خام بدین ترتیب فراهم می شود که نفت وارد شده از پائین برج خارج و بسوی کوره فرستاده می شود. نفتی که در داخل لوله ها از کوره عبور میکند با حرارت ۵۵۰ درجه مجدداً وارد برج شماره ۱ شده و حرارت آنرا بالا میبرد.

هیدروکربورهاییکه در شرائط فوق از بالای برج شماره ۱ بصورت گاز خارج می شوند علاوه بر مقداری SH^2 دارای ترکیبات C_4 تا C_6 می باشند که آنها را بتوسط کندانسورها تبدیل به مایع میکنند و موادی که بصورت مایع در می آیند بمصرف سوخت میرسانند.

برج تقطیر شماره ۲ یا برج اصلی

نفت خام که از پائین برج شماره ۱ خارج می شود دو قسمت میگردد، يك قسمت آن پس از گرم شدن مجدداً بهمان برج عودت داده میشود و قسمت دیگر وارد برج شماره ۲ میگردد.

ساختمان داخلی این برج مرکب از ۱۹ سینی یا پلٹ است که بقواصل معینی قرار گرفته و چون درجه حرارت برج از بالا تا پائین فرق میکند و قسمتهای بالاخنک تر و قسمتهای پائین دارای حرارت بیشتری میباشد هر يك از مواد تقطیر شده بر حسب

درجه حرارت تبخیر خود در چند تا از این سینی ها بصورت مایع در آمده و بوسیله لوله ای بخارج هدایت میشود.

قسمتی از مواد تقطیر شده بنام **هگزان وهپتان** بصورت گاز از بالای برج خارج شده وارد دستگاه خنک کننده میشود .

این خنک کننده ها تانک های بزرگی هستند که قسمتی از داخل بوسیله صفحات آهنی پر شده و گاز در اثر بر خورد باین صفحات و مجاورت با آب سرد و خنک شده بمایع تبدیل می گردد ، مایع اصلی به دستگاه های تقطیر جزء جزء هدایت میگردد.

مواد مختلفه دیگری که بترتیب از سینی های مختلف این برج گرفته می شود عبارتند از:

- ۱- بنزین S. R. B که یکی از ترکیبات بنزین اتومبیل است .
- ۲ - محصولی بنام O . R.D که در دستگاه کراکینگ مورد عمل قرار میگیرد .
- ۳- بنزین **کات** که بکارخانه SO_2 میرود و در آنجا ترکیبات حلقوی از غیر حلقوی جدا میگردند .
- ۴- نفت چراغ یا **گرسین** که قسمتی از آن پس از تصفیه بمصرف سوخت چراغ های نفتی میرسد و قسمتی مورد عمل کراکینگ قرار میگیرد و بهملکولهای سبکتر تبدیل میشود .
- ۵ - گازوئیل که بدرون احتیاج به تصفیه وارد مخازن میشود.
- ۶ - نفت سیاه که باقیمانده عمل تقطیر در این برج است.
- برج خلاء** - قسمتی از نفت سیاه که با حرارت ۵۰۰ درجه از پائین برج شماره ۲ خارج می شود وارد آتشخانه برج خلاء شده و به حرارت ۷۵۰ درجه میرسد و ببرج خلاء وارد می گردد . محصولاتی که از این برج بدست می آیند عبارتند از :
- ۱ - گازوئیل که بصورت بخار از بالای برج خارج شده و پس از مایع نمودن آن در مخازن وارد می شود .

۲- روغن ماشین که همراه با گازوئیل بصورت بخار در آمده و موقع مایع کردن این بخارات بحالات مایع در زیر گازوئیل جمع می شود ، قسمتی از این روغن که دارای ملکولهای سنگین میباشد و بنام روغن موم دار هم نامیده می شود مورد عمل کراکینگ قرار میدهند .

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

۳- قیر - از قسمت برج خلاء قیر بدست می آید که در واقع باقیمانده عمل تقطیر نفت سیاه است .

برج سودا - برج سودا در حقیقت انبار کوچکی است که منظم بدستگاههای تقطیر میباشد و کار آن مخلوط کردن نفت با سود و سولفات آمونیم می باشد که در نتیجه تولید آمونیاک و سولفات دوسو می شود . علت این امر آنستکه چون مواد نفتی اصولاً همراه با مقدار SH_2 و نمک میباشد و نمک در برجهای تقطیر **فیلتر و لیزر** حاصل کرده تبدیل باسید می گردد و اسیدهای مزبور در روی جدار آهنی برجها ایجاد خوردگی مینمایند لذا برای جلوگیری از خرابی و خوردگی برجها از مواد فوق استفاده میکنند ، البته مواد نامبرده بهرچ شماره ۲ وارد می گردد و در برج شماره ۱ محلول سود ۱۵ درصد وارد میکنند بنحوی که PH نفت را بحدود ۷ و ۸ نگاهدارد .

آمونیای تهیه شده در برج سودا همراه با نفت وارد برج شماره ۲ شده و اسیدیته آنرا کم می کنند ضمناً سولفات دوسود حاصله یک اثر فیزیکی مطلوبی بر روی جدار برجها و لوله ها دارد بدین معنی که ، معمولاً هیدرومان اتمی که بمقدار کمی در هنگام تقطیر ممکن است فراهم شود در روی جدار آهنی برجها اثر کرده ، حالتی شبیه پف کردگی بآن می دهد . این پف کردگی ادامه یافته کم کم موجب سست کردن جدار و ترک اندن لوله ها و برجها می شود .

بنظر می رسد که هیدروژن اتمی وقتی وارد ذرات آهنی می گردد بصورت ملکول درآمده و نمی تواند خارج شود . باین ترتیب مرتباً فشار هیدروژن بالا می رود . دستگاههای سنجش مخصوص نشان داده اند که فشار هیدروژن در جناز برجها به ۴۰۰۰ پوند رسیده است بدیهی است این فشار موجب ترک اندن دستگاه می شود . تأثیر فیزیکی سولفات دوسود ممکن است باین علت باشد که ماده یک حالت لزجی و نرمی بآهن می دهد که از نفوذ هیدروژن در آن جلوگیری بعمل می آید .

اخیراً برای جلوگیری از خوردگی دستگاههای آهنی که باعث تشکیل پیل ، آهن بصورت پیل وارد محلول میگردد از مواد جدیدی بنام (اورگانیک این هیبیتر) استفاده می کنند ساختمان این مواد جزء اسرار سازندگان آنست ولی آنچه معلوم می باشد اینست که در روی جدار ظرفهای آهنی پوشش نازکی ایجاد نموده از **پلیمریزاسیون** و خوردگی فلز جلوگیری می کنند . این ماده دارای ملکولهای می باشد که از یکسر بجدار برج چسبیده و از سر دیگر خاصیت دفع کنندگی دارند .

گراکینگ یا کاتالیزور

دستگاه کاتراکر - برای استفاده بیشتر از ملکولهای سنگین نفت که از

دستگاههای تقطیر بدست می آید و همچنین ملکولهای نفت خام لازم است اینمواد را تحت عمل کراکینگ قرار دهیم عمل کراکینگ عبارتست از شکستن ملکولهای سنگین نفت و تبدیل آنها بشیدروکربورهای سبکتر. عمل کراکینگ اصولاً بدو شکل بدون **کاتالیزور** و با **کاتالیزور** انجام می گیرد. دستگاهی که در اینجا بررسی شود با کاتالیزور میکند و بنام کات کراک خوانده می شود.

ماده اولیه این دستگاه روغن موم دار برج خلاء و همچنین نفت خام می باشد. روغن موم دار با روغنهای واکی دارای رنگ تیره و غلظت زیادی است بنحویکه در حرارت معمولی حرکت وسیلان آن دشوار است.

کاتالیزوریکه مصرف می شود عبارتست از سیلیکات آلومینیم که بصورت پودر سفید رنگی است و حالت سیالیت فراوانی دارد و ذرات آن می توانند با آسانی روی یکدیگر لغزش نموده و باین ترتیب مثل مایعات هم شکل ظرف مربوطه می گردند این خاصیت جاری شدن کاتالیزور اولاً موجب سهولت حرکت آن در لوله های بزرگ- دیستگاه می باشد و ثانیاً بتماس ذرات نفت با ملکولهای خود کمک زیادی می نماید. کاتالیزوری که یک نوبت در دستگاه گردش کرد و مورد عمل قرار گرفت تیره رنگ میشود و مقداری ذرات کربن بآن می چسبد در این صورت از فعالیت آن کاسته می شود و باید مجدداً آن را فعال نمود.

برای این منظور کاتالیزور تیره رنگ و کار کرده را تحت اثر هوای داغ که از دستگاه مخصوصی بنام **اینگرشل** باشدت دمیده می شود قرار داده این حرارت موجب سوزانیدن کربن چسبیده بذرات کاتالیزور شده و در نتیجه حرارتی با اندازه ۱۱۰۰ درجه بوجود می آید و کاتالیزور هم مجدداً فعال می گردد.

اساس دستگاه کات کراک

دستگاه عظیم کات کراک از قسمتهای زیر ساخته شده است :

- ۱ - برج کاتالیزور ۲ - برج احیاء کاتالیزور ۳ - برج تقطیر ۴ - توربین بزرگ دمنده هوا یا اینگرشل ۵ - دستگاههای الکتریکی جذب کاتالیزور ۶ - کوره و دیگهای بخار. مواد اولیه ابتدا وارد کوره می شود. حرارت این کوره بتوسط شعله های متعدد گاز سوختنی تامین می گردد این کوره در واقع اطاق بزرگی است که از سقف و دیوار و کف آن لوله های نفت عبور می کنند. درجه حرارت نفت با عبور از این کوره ها به ۶۵۰ درجه می رسد و قبل از ورود به برج کاتالیزور با کاتالیزور داغ که شرح آن گذشت مخلوط و مجموعاً با حرارت ۹۰۰ درجه

خود کرده را تدبیر نیست

وارد برج کاتالیزور می گردد.

در این برج عمل کراکینگ صورت گرفته ملکولهای سبکتر حاصل بصورت بخار از بای برج خارج و وارد برج تقطیر می گردد.

دستگاه دمنده هوا ۵۶۰۰ اسب قدرت دارد و هوا را بشدت بطرف لوله های کاتالیزور میراند. هنگام خروج این هوا از برج احیاء مقداری کاتالیزور همراه آن صعود میکند که آن را دستگاهاهای گیرنده الکتریکی جذب می کنند دستگاهاهای گیرنده الکتریکی بر اساس الکترود های مثبت و منفی قرار گرفته اند و ذرات کاتالیزور جذب الکترودها شده و در آنجا رسوب میکند.

در این دستگاه چکش های الکتریکی بزرگی تعبیه شده که هر وقت وزن کاتالیزور جذب شده بمقدار معینی رسید اتوماتیکمان شروع بکار نموده و کاتالیزور را از الکترودها کند و پائین میریزد بار وجود این مقداری کاتالیزور همراه هوایی که از آخرین قسمت این دستگاه خارج میشود بیرون رفته وارد هوا می گردد مقدار این کاتالیزور که از دست میرود روزانه برابر ۲ تن می باشد با این همه در مقابل مقدار کاتالیزوری که از برج احیاء خارج و با نفت مخلوط میشود یعنی در هر دقیقه ۴۰ تن مقدار ناچیزی را تشکیل میدهد.

بدیهی است که کاتالیزور مرتباً در دستگاه گردش میکند و روزانه همان مقدار ۲ تن از دست میرود.

تیدرو کربور های حاصل از عمل کراکینگ علاوه بر مواد سبک که اشباع شده دارای تیدرو کربورهای اشباع نشده می باشد که تمام مواد مختلف حاصل، در برج تقطیر از یکدیگر جدا می شوند.

از قسمت بالای برج تقطیر تیدرو کربورهای C_4 تا C_6 بصورت گاز خارج و بوسیله کفدانسور ها قسمتی از آنها بصورت مایع در می آید مایع حاصل بیرنگ است و چون دارای تیدرو کربور های غیر مشبع می باشد در مجاورت هوا اکسیده شده برنگ زرد در آمده بوی متعفن پیدای می کنند بهر حال این مواد جزء مواد خام دستگاه تهیه بنزین هواپیما می باشد.

مقداری از C_4 که در کمدانسور ها مایع نشده اند بوسیله خلالهای مخصوصی از سایر گاز ها جدا می گردند.

از قسمت وسط برج تقطیر ابتداء گازوئیل سبک زرد رنگ و از قسمت پائین تر گازوئیل سنگین قهوه ای رنگ و بالاخره باقیمانده تقطیر که ماده غلیظ سیاه رنگی می باشد بنام کراکینگ موسوم است از پائین برج بدست می آید. ارتفاع برج های دستگاه کات کراکر متجاوز از ۷۰ متری می باشد و بوسیله آسانسور به قسمتهای مختلف آن

رفت و آمد می کنند.

این دستگاه عظیم خود کار می باشد یعنی تقریباً بعد از راه افتادن احتیاجی به کنترل آن نیست زیرا تمام قسمت های مختلف آن خود بخود اصلاح می گردد و درجه حرارت و فشار و میزان عبور گاز و مایع و سایر عوامل تغییر پذیر دستگاه از روی دستگاه های سنجش که همگی در یک سالن و به تعداد متجاوز از صد دستگاه کنترل می باشد خوانده میشود و ضمناً خود بخود کنترل میگردد. مثلاً اگر درجه حرارت کوره بالا رود و نفت بحرارت بیشتر از مقدار لازم برسد افزایش درجه حرارت موجب میشود که دستگاه های دیگری خود بخود موجب کاهش مقدار گاز سوختنی در کوره شده و در نتیجه از بالا رفتن درجه حرارت جلر گیری میکنند.

بدیهی است درجه حرارت کوره و سایر قسمت های دستگاه را می توان از روی ساعتهای مخصوص مشاهده نمود و مکانیسم عمل عبارت از این است که حرارت توسط کوئل ترموالکتریک به الکتریسته تبدیل می شود و مقدار حرارت را از روی الکتریسته حاصله می توان خواند.

دستگاه های تهیه بنزین هواپیما

بدیهی است که وظیفه موتور هواپیما خیلی سنگین تر از انومیل بوده و چنانچه نقیصی در سیستم سوخت آن هنگام پرواز روی دهد عواقب خیلی وخیمی در بر خواهد داشت. از این رو در تهیه سوخت هواپیما باید نکات اساسی را در نظر گرفت. سوخت هواپیما برای عملی که از موتور آن انتظار داریم باید متناسب باشد و بنا بر این بنزین های مختلفی برای انواع هواپیما ها بنا بر وظیفه ای که باید انجام دهند لازم می باشد.

چون اصولاً خاصیت سوختی و مکانیکی ئیدروکربور های ایزو و بمراتب از ئیدروکربور های زنجیری مشابه بیشتر است از این رو در تهیه بنزین هواپیما سعی می شود که ایزو و های سبک محتوی نفت خام را مجزی نموده و ضمناً ئیدروکربور های معمولی را به ایزو تبدیل نمود.

ترکیب بنزین هواپیما

بنزین هواپیما مخلوطی است از ایزو پنتان، ایزو هگزان، ایزو هپتان، ایزو اکتان - بنزین اکسترا و بالاخره ترکیب دیگری بنام W8 ترکیبات نامبرده را به نسبت های مختلف با یکدیگر مخلوط نموده و با افزودن مقداری تترائیل سرب که قدرت سوخت را بالا میبرد انواع مختلف بنزین هواپیما را تهیه میکنند قدرت

نفسی یازش را بهم، نفسی جفت کبابم

چو در این دیر خرابم، چکنم دور زمان را

سوخت بنزین را از روی درجه اوکتان آن معلوم می نماید باین ترتیب که در آزمایشگاه خاصیت سوخت هر بنزین مورد آزمایش را با خاصیت سوختی که از مخلوط کردن **هپتان نرمال** و **ایزواکتان** تهیه شده در موتور مخصوص مقایسه نموده و اندازه می گیرند.

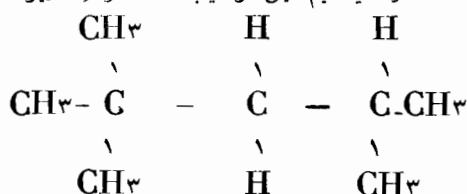
بر حسب قرارداد ایزواوکتان که سوخت بسیار خوبی است دارای نمره اوکتان ۱۰۰ و همچنین نرمال که سوخت پستی بشمار می رود دارای نمره اوکتان صفر می باشد مخلوطی که از این دو تهیه می شود روی **پورسانتاز** ایزواوکتان نام گذاری می شود مثلاً مخلوط دارای صدی ۸۲ ایزواوکتان صدی ۱۸ هپتان نرمال دارای نمره اوکتانی ۸۲ می باشد باین ترتیب اگر خاصیت سوخت بنزین مورد آزمایش در موتور مخصوص آزمایشگاه با خاصیت سوخت مخلوط معینی از ایزواوکتان و هپتان نرمال که مثلاً نمره اوکتان ۸۲ دارد برابر شد نمره اوکتان ۸۲ را باین بنزین می دهیم. واضح است هر بنزینی که نمره اوکتان بالاتری داشته باشد برای سوخت هواپیما مناسبتر است.

تقرائیل سرب که گفتم بنزین اضافه میکنند خاصیت این را دارد که نمره اوکتان آنرا بالایی برده مثلاً اگر ۲ میلی لیتر آنرا در یک گالن بنزین یعنی در ۵۰ لیتر بنزین که نمره آن اوکتان ۷۰ دارد اضافه کنیم نمره اوکتان آن را به ۸۵ تا ۹۰ ترقی میدهد. هر کدام از ترکیبات بنزین هواپیما از نقاط مختلف دستگاههای تقطیر و کراکینگ بدست می آید ولی اعمال عمده ای که در دستگاههای مفضل و پیچیده تهیه بنزین هواپیما انجام می شود عبارتست از تبدیل ئیدرو کربورهای معمولی (نرمال) بنوع ایزو و آن که بعداً بشرح آن می پردازیم چون شرح تهیه هر کدام از ترکیبات فوق از حوصله این مقاله خارج است من باب مثال تهیه بنزین **اکستر** را مختصراً شرح می دهیم. **بنزین اکستر** که جزء ئیدرو کربورهای حلقوی است از کارخانه SO_2 بدست می آید ماده اولیه از قسمت وسط برج شماره ۲ بدست می آید، این ماده دارای ئیدرو کربورهای حلقوی و غیر حلقوی است که چون جدا کردن آن ها بوسیله عمل تقطیر میسر نیست از اختلاف حرارت آنها در SO_2 مایع استفاده میکنند عمل بدین طریق صورت می گیرد که SO_2 مایع را با محصولاتی که از وسط برج شماره ۲ بدست می آید مخلوط نموده در نتیجه دو طبقه در داخل مایع تشکیل می شود که طبقه زیرین مخلوطی از صدی ۲۰ ترکیبات حلقوی و صدی ۸۰- SO_2 و طبقه بالا مخلوطی از صدی ۹۰ ترکیبات رشته ای و صدی ۱۰- SO_2 است دو طبقه را از یکدیگر جدا کرده و پس از گذراندن از دستگاه تبخیر کننده، گاز SO_2 را جدا نموده ترکیب حلقوی را با صدی ۷۵ خلوص و

چو نهادم سرهستی، چه کشم بار کله را
چو مرا اگر کُشبان شد، چه کشم نازشبان را

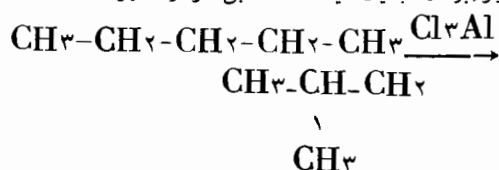
(صده ۲۵) ترکیبات رشته‌ای بنام بنزین اکسترا بدست می‌آورند بنزین حاصله را با سود محرق شسته تا اثرات SO_2 آن از بین برود و بعد با کمی اسید سولفوریک غلیظ آن را شسته و سپس بوسیله تقطیر مجدد مواد کوگردی محتوی آن را بکمترین مقدار ممکنه تقلیل میدهند بطور کلی بنزین اکسترا صدی ۲۰ ترکیب بنزین هوا پیما را تشکیل می‌دهد.

تهیه ایزواوکتان و آلکایت - ایزواوکتان که محصول اساسی کارخانه آلکیلایسیون می‌باشد و بهترین سوخت برای هواپیما بشمار میرود همچنانکه قرارداد کردیم درجه اوکتان آنرا ۱۰۰ منظور میکنیم این ترکیب دارای فرمول زیر است:

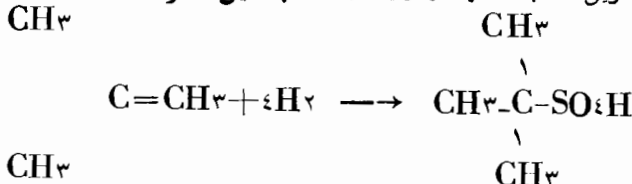


برای تهیه این ترکیب از بوتان حاصله از دستگاه‌های کیرنده بوتان و همچنین بوتان و بوتن دستگاه‌های کراکینگ و کاتالینیک کراکینگ استفاده میکنند.

عمل بدین طریق انجام می‌شود که ابتدا بوتان بدست آمده را با سود محرق برای از بین بردن SH_2 آن می‌شویند و پس از آن در کارخانه ایزومریزاسیون در مجاورت کاتالیزور کلرور آلومینیم با ایزوبوتان تبدیل میکنند مطابق فرمول زیر



ایزوبوتان حاصل را با بوتن که از دستگاه‌های کراکینگ بدست می‌آیند مخلوط نموده و بکمک اسید سولفوریک که در واقع بعنوان کاتالیزور بکار می‌آید ایزواوکتان تبدیل میکنند بدین طریق که ابتدا اسید سولفوریک با بوتن **آلکیل استر** تبدیل میگردد.



والیکل استر حاصل را با ایزوبوتان ترکیب شده و ایزواوکتان یا ۴،۲،۲ تری میتیل، پنتان میدهد.

در آبادان سه کارخانه الکیلاسیون یا تهیه بنزین هواپیما وجود دارد که کارخانه شماره ۳ آن معظمترین کارخانه‌های بنزین هواپیما در دیناست و بسیاری از هواپیماها برای سوخت گیری در آبادان فرود می‌آیند.

مطالب مربوط به تصفیه نفت و محصولات حاصله آن بسیار مفصل تر از این است که بتوان در این مختصر از آن گفتگوی کافی بمیان آورد و بهمین ترتیب موضوع را بهمین جا خاتمه داده علاقمندان را به خواندن کتاب های علمی مربوطه راهنمایی می نمایم.

پایان

جواب سئوالات صفحه ۵۱

ج ۱- طبقه حساب کردن عمیق دریا اینطور است : صدائی از کشتی به سه دریا فرستاده می شود و در آنجا منعکس شده بسوی کشتی باز می آید نصف وقتیکه از خارج شدن صدا تا بازگشت آن طول کشیده با وسیله ئی محاسبه عمق دریاست. نتیجه عمق دریاهای که بدست آمده بدینقرار است: در سواحل ژاپن زیادتر از ۹۹۲۴ متر در حوالی شبه جزیره ماریانا يك کشتی انگلیسی عمق ۱۰۸۳۴ متر را اندازه گرفت. عمیقترین نقطه در اقیانوس اطلس ۸۳۲۱ متر و در اقیانوس هند ۶۹۸۲ متر عمق متوسط اقیانوسها بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر است.

ج ۲ - - حرارت در سطح خورشید ۶۰۰۰ درجه و در مرکز آن بیش از ۲۹ میلیون درجه تخمین زده شده است.

در این حرارت ملکولهای ماده نمی توانند بهم ملحق بمانند و حتی آنها ممکن است شکسته شده و اتمهای دیگری بوجود آید، در نتیجه اینگونه تحولات و تغییرات اجزاء كوچك اتم است كه گرمی از خورشید خارج میشود.

ج ۳ - دود نتیجه سوختن ناقص است. اگر بسیاری از اجسام که در موقع سوختن دود مینمایند با روش بهتری بسوزانیم که احتراقشان کامل باشد دودی از آن متصاعد نخواهد شد ولی بشر هنوز قادر نشده است اجاقی تهیه نماید که در آن احتراق کامل انجام شود.

۴ - بلی زنبور عسل با این جثه كوچك دارای دوعده است.

اینها را بنگارید

آقای حسن عاطفی دانش آموز سال
پنجم ، طبعی روان و ساده دارد.
اکثر اشعارش را فی البدیهه میگوید.
چند قطعه از اشعار آقای عاطفی را
ذیلا می خوانید و یک شعر فکاهی و
تفریحی نیز در آخر سالنامه بنظرتان
خواهد رسید :



اثر طبع آقای حسن عاطفی

نیکویی

وگر خلد خواهی و باغ بهشت	اگر رادمردی و نیکو سرشت
که آخر شود آدمی خاك و خشت	تو نیکویی نما و مکن کار زشت
زهر بد بیندیش و نیکویی نمای	چو خواهی که نامت بماند بجای
نمانده است از وی بجز نام خیر	بسی آدم آمد در این کهنه دیر
بتن برقبای ستم چاك كن	زنیکویی روان و خرد پاك كن
مکن با کسان جور و بیداد و کین	اگر هوشمندی و داری تو دین
ز گفتار سعدی شنو سر بسر :	اگر نیست باور ترا ای پسر
که نیکویی رساند بخلاق خدای »	« کسی نیک بیند بهر دوسرای

ای لعبت آشوبگر، از بسکه پر شو و شری
 اهریمن دین و دلی، سوزنده بحس و بری
 قتاله روح و تنی، خمپاره جان منی
 محبوبه مرد وزنی، مطلوب اهل کشوری
 ماهی و مهری، کوهری، تابنده همچون اختری
 سیمین عذاری، دلبری، زیبا رخ و سیمینبری
 مهرست رویت یاسمن، ای سنبل وای یاسمن
 گردیدم از بهرت شمن، زیرا که تومه پیکری
 نیکو بیاورد از عدم، خالق ترا همچون صنم
 گویا توئی حور ارم، آری ز انسان بهتری
 در باغ و راغ و در چمن، دغیش و نوش و انجمن
 در غصه ورنج و محن، پیوسته ام در خاطری
 ای لعبت عیسی نفس، باری بفر بام برس
 از بهر «عاطف» کوئی چون عیسی پیغمبری

زهر است عطای خلق، هر چند دوا باشد
 حاجت ز که میخواهی، انجا که خدا باشد

« شکرانیه »

اثر طبع جناب آقای آل نبی دیراد بیات

(استقبال از شعر مسعود سعد سلمان)

بر عرش رسد نواو افغانم	بگذاخت غم جهان دلو جانم
بر حالت زار خویش نالانم	تا دیده گشوده‌ام در این عالم
بر خوان الم همیشه مهمانم	غم را نبود نظر کسی را جز من،
ای اندوه جان کداز پثرمانم	بیهوده به بند غم فنادستم
بیداد گر که من نه سندانم	تا چند زنی بصورتی سیلی
آخر بریم که من نه چو کانم	تا چند بدین سرای و آن در که
زین طالع و بخت بد، پریشانم	تا زنده‌ام ای شکفت محزونم
کوئی که سرشک را همی کانم	خونابه چکد مدام از دیده،
از بخت بدم زنند بهتانم	بر هر که اگر دمی گمارم دل،
سیلاب فروچکد ز مژگانم	از ظلم زمانه جفا کردار،
این چرخ فلک بسود ستخوانم	یک لحظه بکام من نمیگردد،
در سایه خویش ساز پنهانم	ای مرک دمی نظر سوی من کن
از این همه زحمت فراوانم	در نزد من آی تا شوم راحت
زیر قدم تو سر بفشانم،	یک لحظه اگر بسوی من آئی،
از مردم سفلهاش گریزانم	بیزار شدم از این جهان، بیزار
از سایه خوبشتن هراسانم	از بسکه ریاض مردمان دیدم
پنداشته یور سعد سلمانم	کوئی که زمانه خطا کردار
مرد ادبم نه مرد میدانم	با من مستیز بیش از این زیر

هدف و منظور از تعلیم کار دستى در آموزشگاهها

بقلم آقای هاشمى دبیر کار دستى

کشور باستانی ایران از زمان بسیار قدیم یعنی قبل از هجوم عرب باین سرزمین مردانى هنرمند داشته که بساختن کارهای هنرى آشنا بوده و در صنایع ظریفه یدى طولاً و در تهیه ادوات و آلات فلزى ماهر بوده اند پیش از اینکه کار ماشینى در دنیای غرب معمول و متداول گردد پیوسته سلاطین و رهامداران بتشویق و تحریک هنرمندان و صنعتگران میپرداخته اند .

قبل از حمله عرب هخامنشیان و ساسانیان صنعت معماری را بذروه کمال رسانیده و بعد از آشناس شدن ایرانیان با تمدن اسلامى صنعت معماری بسبک دیگرى در آمدولى ایرانیان علت علاقه و ذوق مخصوصى که باین صنعت و دیگر صنایع دستى داشتند همواره بتکمیل و ترقى آن پرداخته تا آنجا که در زمان سلطنت صفویه مسئله معماری باعلاء درجه خود رسید و ابنیه ای که در دوران شاه عباس بزرگ شاهنشاه با تدبیر صفوى بوجود آمد خود شاهد و گواه کاملی از هنر و صنعت دستى مردم این سرزمین است . علاوه بر صنعت معماری صنایع دستى دیگر هم از قبیل کاشی سازى و قالى بافى و تهیه پارچه های ابریشمى و مخملی در ایران رایج بوده که یکى از ارقام مهم صادرات آن دوران محسوب مى شده است .

و در سراسر کشور هنرمندان بر اثر تشویق اولیای امور بتکمیل صنایع دستى مى پرداختند اما از وقتیکه صنعت ماشینى در اروپا توسعه یافت و از هر قبیل متاعى بایران آمد در کارهای دستى نیز تنزل فاحشى پیدا شد و بواسطه ارزائى قیمت امتعه اروپائى روز بروز در بازارهای ایران فراوان و در نتیجه لطمه قابل ملاحظه ای بر صنعت دستى ایران وارد آمد .

خوشبختانه از چند سال پیش باین طرف دولت باین موضوع توجه نموده و بوسائل مختلف از قبیل ایجاد شرکت های داخلى و تشویق صنعتگران و جاوگیرى از ورود اجناس خارجى صنعت دستى را رونقى شایان توجه داده و هنرمندان را به بکار انداختن هنر خود وادار نموده است .

از جمله کارهای دستى که رقم بزرگ صادرات کشور را تأمین میکند قالى بافى است . که خوشبختانه در کاشان هم معمول است مخصوصاً قالى ابریشمى کاشان از حیث لطافت و ظرافت مشهور بوده و بواسطه سنگینى قیمت اکثر خریدارانش اروپائى یا آمریکائى هستند .

در نقاط دیگر ایران مانند خراسان و کرمان و فارس و همدان قالى بافى رایج

و در خوبی ولطافت ، قالی کرمان و خراسان بر سایرین برتری دارد . غیر از صنعت قالی بافی در اکثر شهر های ایران صنایع کوچک دیگری نیز رواج دارد مانند زرگری و ورشو سازی پرورد ، منبت کاری و خانم سازی شیراز ، نقره سازی و چاقو سازی زنجان ، مینیاتور کاری و نقره سازی اصفهان ، ظروف سفالین و چاقو سازی نطنز کاشان که هنرمندان ، کارهای مزبور را با اسلوبی جالب در بازار های بین المللی به معرض فروش می گذاشتند و تا امروز که صنعت ماشینی در تمام نقاط جهان متداول است فرزندان این آب و خاک در زند نگاه داشتن آن کوشیده اند اخیراً وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که جوانان کشور را با تمام کارهای دستی و هنری آشنا سازد. روی همین اصل برنامه کار دستی در دبستان های کشور معمول گردید و با استقبال بی نظیر دانش آموزان مواجه شد.

اینک با اجرای برنامه مزبور می توان بطبقه تحصیل کرده امیدوار بود و از بوغ ذاتی آنها برای سربلندی کشور استفاده نمود.

ضمناً جوانانی که با برنامه فعلی آشنائی پیدا کرده اند پس از اینکه از دبیرستان فارغ التحصیل شدند در جستجوی کاری خواهند بود که با ذوق تحریک و تشویق شده آنها توافق داشته باشد و هرگز بفکر کار و مشاغل دولتی نخواهند بود و در نتیجه افرادی که با این طرز فکر بجامعه تحویل شوند صد درصد بکار های تولیدی کمک شایانی نموده کشوری پر از کار و فعالیت بوجود خواهند آورد که ، وجب افتخار خود و میهن عزیزشان خواهد بود.

در خاتمه امیدواریم که اولیای امور و مصادر کار بدان توجه فرموده جهت پیشرفت و توسعه کارهای هنری و دستی از هیچگونه کمک و مساعدتی مضایقه نفرمایند تا جوانان تحصیل کرده بتوانند مردانی شریف و کاردان برای کشور خود باشند.

پایان

بدان تا که دامن نیالوده ئی

سرافرازی و پاك و آسوده ئی

فکر کنید و باین سؤالات پاسخ دهید.

- ۱- چرا آسمان آبی است ؟
- ۲- چرا میز و صندلی و اشیاء داخل اطاق شبها صدای می کند؟
- ۳- تیر شهاب چیست؟

ترجمه آقای حسن خرمائی دانش آموز سال پنجم

يك پز گر گله را گر هيگند

كشيش محله ما از دست پسرش عذاب ميكشيد ، هر چه باو تذكر ميداد كه با چه هاي دوره كرد وقمار باز رابطه ات راقطع كن بخرش نميرفت ، نصيحتها فايده نكرد ، اورا بكتك وچوب گرفت ولي زدن هم كاري از پيش نبرد ، پرورش غلط پسر رايي تربيت نموده بود .

آخرا لاملر فكر بكري بخاطرش رسيد : مقداري ميوه خريد وبا كمال خرشروئي بپسرش گفت ژان عزيزم اين هديه ناقابل را از يدت قبول كن ، پسر خيلي خوشحال شد و آنها را در قفسه اي قرارداد پدر پنهاني يك هالوي لك زده در ميان ميوه ها گذاشت روز بعد ژان متوجه شد كه تمام ميوه ها فاسد شده است پدرش مراجعه كرد واز او علت را پرسيد پدر بابتبسمي اين بيت راز مزه نمود :

گر نشيند فرشته اي بادبو وحشت آموزد و خيانت وريو
سادكي كلام ، و واقعيت مطلب بحدی درژان مؤثر افتاد كه باچشماني اشگبار
پدرش اطلاع داد كه گفته هاي اورا پذيرفته است ، ژان در دنباله سخن خود افزود كه امروز معلمشان شعري را در كلاس خوانده كه ميتواند برنامه زندگي آينده او قرار
گيرد . آن شعر اين است :
من بنده خوبانم ، هر چند بدم كوبند بازشت نياميزم ، هر چند كند نيكي

« چيزي كه عوض دارد گله ندارد »

روزي « آقاروباه » لك لك پيرووا . اندهاي را بنهار دعوت كرد . لك لك شكم پرست دعوت اورا باخوشحالي پذيرفت ، روز مهماني تعيين سد ، لك لك از چند روز به ضيافت مانده لب بغذا نزد ومعه خود را براي پر كردن از غذا هاي چرب و نرم خانه روباه آماده ساخت . روز موعود فرا رسيد و لك لك بمنزل روباه رفت . بوي لذيذ خوراكي دل لك لك را بمالش انداخته بود ولي خوشبختانه زياد در انتظار نماند و سفره چيده شد موقعي كه چشم لك لك بطرف آتش افتاددهانش از تعجب بازماند ، چون برخلاف تصور او ، ميزبان آتش را در سيني مسطحي پهن كرده بود كه ابدآ بمنقار دراز اوسازگاري نداشت البته ميزبان چندين تعارف غليظ باو كرد و خود مشغول شد ، لك لك باشكمي كرسنه و چشمي منتظر ، غذا خوردن اورا تماشا ميكرد . « آقاروباه » خيلي زود ته ظرف را ليسيد و دوردهانش را نيز بازبان ياك كرد در حاليكه لك لك بزحمت باچند قطره اي گلوي خشكش را تر نموده بود .

مدت‌ها از این ضیافت شاهانه گذشت ، از قضای روزگار گذار پوست بدباغخانه افتاد ، بدین‌طریق که روزی سگهای دودر ضمن کشت به « آقاروباه » برخوردند و او را تعقیب نمودند ، بیچاره از اضطراب بخانه لك لك پناه برد البته لك لك مقدمش را کرامی داشت و باو قول داد که برایش غذای گرمی تهیه خواهید دید . روباه ازوفای او خوشحال شد ، باخود گفت اگر نتوانستم خروس لاری کدخدای دهر را بچنگ بیاورم لااقل در اینجا غذای حسابی خواهم خورد . لك لك معامله بمثل کرد ، و در مقابل روباه کرسنه و خسته تنگی از شیر گرم قرارداد ، تنگی که دهانه ای باریک و دراز داشت و باپوز روباه رابطه‌ای نداشت ، لك لك با هزار تعارف و تمنا از او خواست که از این ماله حضر کلوئی تر نماید ، بیچاره روباه از سر سازی سرش را زیر انداخت ، درحالی‌که لك لك با فراغت کامل مشغول نوش جان کردن شیر بود.

« فتنه‌ری که لو طیش مرده بود »

سالها پیش میمون بزرگی بر روی درختی تنومند مأوی گرفته بود ، و پاره دوز (پینه دوز) بدبختی را با حرکات و شوخیهای خود عذاب میداد . این میمون ، کارهای عجیب و شوخیهای بدیعی میکرد ، روزهایی که پینه دوز برای کاری از دکانش بیرون میرفت فوراً از درخت پائین میپرید و ادای پاره دوز را در میآورد ، و بقیه اعمال و رفتار او را تکرار میکرد ، پیر مرد بیچاره گرفتار بدبختی بزرگی شده بود بمحض اینکه سایه اش از کنار مغازه ناپدید میشد کفتهای مشتریان هریك بسوئی پرتاب شده بود و چرها در زیر دست و پاودندان این حرامزاده حیلہ گر بصورت تکه پاره های بی ارزشی درآمده بود ، از همه بدتر مسخره گیهای او بود که خواب و راحتی را بر کاسب بیچاره حرام میکرد . آخر باید فکری کرد !

بعد از مدت‌ها این دروآندرزدن تبخ کهنه‌ای یافت ، دیگر کارش این بود که بر روی میمون می‌نشست و تیغ را روی گاو خود باینطرف و آنطرف چرخ میداد ؛

روزی پاره دوز از مغازه خود بیرون رفت ، پس از لحظه‌ای که بازگشت میمون را در خون خود طپان یافت بیچاره جاش بر سر تقلید رفته بود ، مشتری پیری با آمه و ناله میگفت که میمون در آخر بن لحظات عمر این جمله را تکرار میکرد « ای دو صد لعنت بر این تقلید باد »

این آقای علوی رئیس انجمن ورزش دبیرستان ما گاهگاهی هوس شعر گفتن
نیز میکند . ولی نمیدانم اشعارش خوبست یا بد، بخوانید و قضاوت کنید.

اثر طبع آقای سید مهدی بروجدی علوی

دانش آموز سال پنجم ادبی

پیام

برگوی صبا آن صنم پرده نشین را
آن ماه جبین ، شورختا ، لعبت چین را
ترسم که دهم جان و نبینم رخت ابدوست
در خاک برم حسرت آن روی وزین را
از شرق چو خورسربکش ای مهر حهاتاب
بنمای به شاق خود ای ماه ، جبین را
باز آی که از قامت و رخساره و زلفت
خرسند کنم این دل محزون و غمین را
بر خاک اگر پا نهی ای دوست بمنت
کحل بصر خویش کنم خاک زمین را
هر کس که ببیند رخت ای شوخ پرچهر
دیگر نکند آرزوی خلد برین را
در زاویه عشق تو عمری است مکاتم
از گوشه چشمی بنگر گوشه نشین را

شعر علوی از لب لعل نمکین است

بکشا به تبسم لب لعل نمکین را

شهر کاشان را بشناسید

بقلم آقای محمد فیضی

با مشاهده نقشه ایران در حاشیه کویر مرکزی مابین قم و اصفهان و جزء استان دوم شهرستان تاریخی کاشان واقع شده است. تاریخ صحیح ایجاد شهر با دلائل محکم تاریخی در دست نیست ولی نویسنده تاریخ قم و همچنین **مرآت القاسان** متذکر شده اند که قبل از اسلام بجای کاشان فعلی دریای نمک بوده یعنی حدود دریاچه ساوه به محل کاشان منتهی بوده است و در تأثیر عقیده خود خبر ذیل را که مربوط به اعجاز نبوت **حضرت محمد (ص)** پیغمبر بزرگوار اسلام است اشاره نموده اند (عین خبر چنین است که از اعجاز ولادت حضرت ختمی مرتبت یکی خشک شدن دریاچه ساوه و شکستن طاق کسری و خاموش شدن آتشفشان پارس میباشد)

بدلیل فوق گویند که قبل از اسلام در قسمت جنوب و جنوب غربی کاشان فعلی چند حصار بوده و طوایفی از مجوس در آن زندگی میکردند و بعد از اینکه دریاچه ساوه خشک شد و اراضی کاشان فعلی نمایان گردید زبیده خاتون زن هارون الرشید گزارش بقلاع مذکور افتاد و چون سکنه تازه مسلمان از زبیده صمیمانه پذیرائی کردند از نظر تلافی از ایشان سؤال کرد چه حاجت دارید؟ گفتند: قلاع ما بواسطه عدم استحکام همیشه مورد تاخت و تاز دشمن قرار می گیرد با فاصله زبیده تصمیم ساختن شهری در نزدیکی حصارهای نامبرده گرفت و بوسیله مهندسین عرب در محل کاشان فعلی شهر جدید را بنیاد و باروئی محکم بر آن ساخت کسه دیگر از دستبرد دشمن محفوظ باشد و سبب اینکه کاشان نامیده شد آنستکه برای طرح نقشه چون مهندسین مزبور از کاه استفاده می کردند بنام **کاه افشان** نامیده شد و در اثر کثرت استعمال و در طی زمان این کلمه بصورت کاشان درآمد.

و نیز گویند بجای کاشان فعلی در سنوات قبل از میلاد چهل قلعه مستحکم و نزدیک بهم بود و هیچ کس را یارای تصرف آن نبوده و بنام **(چهل حصاران)** میخواندند و بواسطه حدوث زلزله شدید تمام قلاع درهم ریخته و با خاک یکسان می شود و مجدداً بر روی خرابه های آن کاشان فعلی را بنامی کنند. این بود خلاصه ای از افسانه های کبریا که به بنای کاشان مشهور است. اما:

الف- آثار تاریخی کاشان در داخل شهر.

۱- مسجد جامع با مناره آن مربوط بعهد سلجوقی که کتیبه ای بخط کوفی با آجر برجسته بصورت حاشیه ای پیرامون مناره مزبور نوشته شده و مرکز خواندن نماز جمعه بوده و اکنون در محله میدان کهنه کاشان واقع و ده سال پیش تعمیر

گردیده است.

۲- **مناره** چهل متری باچندین حاشیه از کاشی های مشبك كه در فهرست ابنیه تاریخی جزء بناهای عهد سلجوقی ذكر شده ولی صاحب كتاب مرآت القاسان ساختمان آنرا به زین الدین برادر خواجه عماد الدین محمود شیخ شبلی شیروانی در عهد جهان شاه قراقونلو نسبت می دهد و خواجه عماد الدین کسی است كه مسجد معروف میر عماد کاشان را بنانهاده و در هر صورت قریب ۲۵ سال پیش چون مناره نامبرده از يك جهت كجی محسوس پیدانموده بود و بیم خرابی آن میرفت بوسیله شهرداری کاشان نیم بیشتر آن خراب گردید و اکنون نیمه کوتاهتر آن باقی مانده است.

۳- **مسجد میر عماد** یا **مسجد عمادی** : این مسجد در یکطرف میدان فیض کنونی قرار گرفته و در قسمت جلو آن سه در بلند با کچ بر بهای زیبا ساخته شده و ذیل کتیبه آن این جمله بچشم میخورد: «**روان مطاع سلطان جهان شاه دوسعی خواجه عماد الدین ...**» مقرر است . اما در داخل مسجد تمام بهترین کاشی های الوان بطرز جالب توجه کاشیکاری شده و منبری دارد كه با بهترین نمونه کاشی ها تزئین گردیده و در قسمت بالای منبر نام سلطان **ابوسعید گوركان** بنظر میرسد.

۴- **مرقد مطهر هارون ابن موسی ابن جعفر علیه السلام واقع در محله میدان كهنه ***

۵- **مرقد مطهر حبیب ابن موسی ابن جعفر علیه السلام واقع در محله پشت مشهد کاشان** با ساختمانی مجلل و در جوار تربت این امامزاده سنگ سیاه بزرگی كه خاصیت آهن ربائی دارد مشاهد می گردد و همین جامد فن شاه عباس كبیر پادشاه عالیجاه صفوی است .

۶- **مرقد مطهر احمد بن موسی بن جعفر علیه السلام** معروف بسطان امیر احمد كه در محله سلطان میر احمد کاشان واقع است و دارای آثار گرانتهای تاریخی از جمله کاشی های قدیمه و درب چوبی با ذكر تاریخ می باشد .

۷- **مرقد مطهر سلطان عطا بخش** با آثار ذب قیمت تاریخی واقع در محله درب اصفهان .

۸- **آب انبار كوشك صفی** كه در نهایت زیبایی و عظمت ساخته شده . واقع در محله كوشك صفی از بناهای عهد زندیه.

۹- **مدرسه سلطانی** از بنا های مجلل فتح علی شاه قاجار واقع در محله

بود مرد هنرور راهر انگشت

کلیدی بهر قفل رزق در مش

درب زنجیر.

۱۰ - کاروانسرای امین الدوله که از عجایب فن معماری است از

بناهای عهد ناصرالدین شاه قاجار واقع در بازار.

۱۱ - مسجد آقا بزرگ از بناهای عهد قاجاریه با گنبد بسیار بزرگ و زیبا

واقع در محله مسجد آقا.

۱۲ - حمام خان از بناهای معظم عهد زندیه بسعی و اهتمام عبدالرزاق خان

کاشی واقع در بازار.

۱۳ - آب انبار خان

ب- آثار مهم تاریخی حومه و دهات کاشان :

۱- خرابیهای سی الک که در فاصله سه کیلو متری کاشان در نزدیکی فین علیا قرار گرفته و شامل دو قسمت است یکی سی الک کهنه و دیگری سی الک جدید نام دارد اشیاء مکشوفه از این خرابه‌ها که بصورت ظروف سفالی منقش بصور مختلفه است خود نشان قدمت آن بوده و باستان شناسان از وجود این اشیاء ، دوران تاریخ آنرا به حدود سه تا چهار هزار سال قبل از میلاد تخمین زده‌اند.

۲- در فاصله ۳۹ کیلومتری کاشان در جهت شمال غربی دهکده ای بنام نیاسر وجود دارد این دهکده چنان چه از نامش مشهود است مربوط به دوران هجامنشی بوده و دارای دوائر جائز اهمیت تاریخی یکی بنام آتشکده و دیگری بنام غار رئیس می باشد.

آتشکده در جهت غربی این دهکده در نقطه مرتفعی که از تمام جوانب و اکثر دهات مجاور دیده می شود بنای سنگی چهار طاقی با سقف گنبد مانند که با آتشکده موسوم است نباشد مصالح بنائی آن سنگ و گچ و ماسه است که قسمتی از گنبد آن طی سالیان دراز یا شاید بعد از اسلام بوسیله عرب ها خراب شده بود ولی خوشبختانه با مجاهدت اداره کل باستان شناسی و فرهنگ کاشان تعمیر و بصورت پیشین در آمده است .

غار نیاسر مشهور بغار رئیس - در شمال غربی نیاسر در قسمت داخلی کوه تالار غار عجیب و کم نظیری دیده می شود که تاریخ آن بهیچوجه درست نیست و چون اکثریت قرب با اتفاق ایرانیان و هم چنین جهانگردان خارجی را از وجود این غار اطلاعی نیست مراتب زیر را از نظر جلب توجه خوانندگان عزیز می گذرانم : کمی بیالای کوه تالار نیاسر مانده شکافی طاقچه مانند تقریباً به حجم ۷ متر مکعب ظاهر میشود

هرگز با مردم تنگ چشم پیمان آشنائی مبنی بر آنکه نا فیهان پیمان آشنائی ترابه های ناچیزی به بیگانه بفروشد

و داخل شکاف از يك طرف دهانه دهلیز منحنی شکل بنظر میرسد، ارتفاع دهلیز ۶۰ سانتیمتر یعنی باندازه‌ئی است که شخص باید مانند کودکان بازانو دست راه برود این دهلیز بطور تقریب ۷ متر طول دارد و در منتهی الیه آن دهانه چاهی نمودار می‌گردد (این چاه و کلیه چاههای دیگر که در باره آن صحبت خواهد شد به شکل منشور مربع القاعده کنده شده و دارای جای پا و آسانی قابل عبور است فقط برای یک نفر) عمق چاه مزبور ۶ متر بوده و مجدداً در انتهای آن بدلهلیز دیگری برخورد می‌نمائیم و بعد از پیمودن دهلیز نامبرده بجائی اطاق مانند که دارای مسافت تقریبی ۴ متر مربع است وارد می‌شویم در این اطاق دهانه ۴ چاه نمایان می‌شود و در حقیقت به نقطه خطرناکی رسیدیم زیرا از اینجا بعد اگر از هر يك از این چاهها یا این رویم اطاقی مانند اطاق اول بدون هیچ تفاوت می‌رسیم که در آن دوباره دهانه چاه نمایان گردیده و بدین ترتیب هر چه بدین تروریم هیچ تغییری در نقشه نخواهیم جست و باین آسانی بنقطه آخر آن نخواهیم رسید زیرا برای پیمودن آن وسایل کافی برای چند روز مورد لزوم است و اشکال در اینست که بعلمت یکنواختی راه تشخیص راه برگشت مشکل می‌گردد.

نقطه قابل ملاحظه اینست که همه جاجریان هوا برقرار و در هیچ يك از چاهها ناراحتی ناشی از نبودن هوا احساس نمی‌شود.

بدیهی است همه تونلها با کلنگ و بدست بشر ساخته شده بطوریکه هنوز هم آثار نیش کلنگ در بدنه چاهها محسوس است.

۳- **مرقد افضل الدین مرقی** از افاضل مشهور کاشان معاصر خواجه نصیر الدین طوسی واقع در دهکده مرق با کنبد کاشیکاری.

۴ - **مرقد مطهر امامزاده داود بن حسن بن علی بن ابیطالب** در محله علیای قمصر که از بناهای قدیمه و روی قبر از يك طبقه کاشی های منقش مربوط باواخر قرن ششم مفروش است و از گرابهات این نوع کاشی بوده و بدینجهت روی کاشیها را با کج اندود نموده اند تا از دستبرد محفوظ باشد.

۶- **مسجد علی** که درب داخلی آن از نوع چوب آبنوس و دارای کتیبه های متعدد با ذکر تاریخ واقع در قریه قهرود مربوط بقرن هفتم.

۷- **درب مسجد جاهد بزرگ (۱) مربوط باواخر قرن ششم.**
ج. **هنرهای زیبا و صنایع کاشان:**

۱- **کاشی سازی:** تا آنجائیکه قرائن نشان میدهد از دیرباز مردم کاشان ساختن ظروف سفالی را بهترین وجهی آشنا بوده اند کم کم این هنر راه تکامل بیمود و هنرمندان

(۱) **بزرگ دهکده ایست مصفا که در چهل و هشت کیلومتری کاشان واقع وسیل اخیر آنرا ویران کرده است**

کاشانی توانستند بانبوغ فکری و ابتکار شخصی آجر های ضخیم را نازکتر ساخته و باسوده سنگ شیشه روی آن را از يك طبقه لعاب شیشه مانند بپوشانند و این آجر های لعاب دار را که ابتکار کارگران کاشان بود از این پس کاشی خوانده شد این هنر از قرن هشتم هجری وارد مرحله جدیدی شد و بطوریکه کاشی سازان توانستند کاشی هارا زراوند و یا با نقره و مواد مختلفه بکمک رنگ ها و دستیاری نقاشان چیره دست منقش و الوان بطرز بسیار زیبا بسازند و افتخار یک رشتہ صنعت جدید را بخود تخصیص دهند. نمونه کاشی های قرن هشتم که بدست هنرمندان این شهر ساخته شده و همچنین انواع کاشی های نقاشی شده و الوان در مساجد و بعض مقابر نامبرده در مقاله هنوز باقی و برقرار است این هنر تا عصر صفوی که مخصوص مردم کاشان بود درجه کمال را می پیمود و شاهان صفوی برای ساختمانهای پایتخت تعدادی از این هنرمندان را باصفهان بردند و این صنعت در اصفهان نیز شایع گشت متأسفانه از دوران سلاطین صفویه بدید هنر کاشی سازی بعلل نامعلوم سیر نزولی می پیماید و آخرین هنرمندان این رشته در اواسط سلسله قاجاریه میزیستند و از آن پس کوئی چراغ هنرمندان کاشی ساز یکمربته خاموش شد .

۲- نساجی: این صنعت نیز از دیرباز و بزره مردم کاشان بوده و شغل اکثریت اهالی محسوب می شده و کارگران انواع پارچه های پشمی، ابریشمی، پنبه ای بسیار ظریف و زیبا تهیه می کرده اند و بتمام نقاط ایران صادر می نمودند . مثلاً از پشم گوسفند انواع پارچه های پشمی یکی بنام، عبائی، نوعی دیگر که مانند پارچه ای که امروز شال خوانده می شود می بافته اند و از پشم ضخیم شال، کلاه نم، عبانم، کلیم و غیره تهیه میشد که شهرت بسزائی داشته است و از ابریشم همه نوع پارچه های ابریشمی در نهایت مرغوبی از قبیل: اطلس، قناویز، قطنی، دارائی و دستمال می یافتند نمونه های این هنر در اکثر منازل کاشان موجود است (این نوع پارچه های شتر بخارج صادر می شده و از صادرات عمده این شهر بوده است) و همچنین از ابریشم وسط نوع دیگر دستمال های بزرگ که اکنون نیز در کردستان مصرف می شود تهیه می کردند و بالاخره از تقاله ابریشم یک نوع چادر می بافتند که در صنعت ابریشم باقی امروز فقط نوع دستمالی آن متداول است و برای کردستان و بغداد صادر می گردد.

آیا میدانید که:

پیروان دین اسلام ۴۰۰ میلیون نفر است

» » پیروان مذهب مسیح ۶۰۰ »

» » یهود ۱۲ »

از پنبه بوسیله دستگاہهای کوچک و ساده پارچه های مخصوصی می بافته اند که لطیف ترین نمونه آن شبیه بچلوار حالیه بوده ضخیم ترین نوع آن متقال و کرباس که لباس عموم مردم آن روز بوده تهیه می شده و امروز هم در غالب دهات کاشان بدست زنان دهقان برای مصرف لباس خودشان بافته میشود.

۳- مخمل بافی : یکی دیگر از صنایع ظریفه قدیم کاشان مخمل بافی است که در گذشته مانند پارچه های ابریشمی یکنوع صادرات بسیار مرغوب کاشان بوده و حتی در عصر شاه عباس صفوی به میزان قابل توجهی بکشورهای هم جوار صادر میشده مخملهای الوان و گلدار قدیم بعلت لطافت و ثبوت رنگ زینت بخش مجالس خواص بوده و از نوع پارچه های گران قیمت محسوب می شده کسانی که نمونه مخملهای قدیم کاشان را دارند بخوبی میدانند که مطابق بهترین نمونه مخملهای امروزی اروپائی بوده شاید اگر از نظر رنگ آمیزی و دوام با هم مقایسه نمایم مخمل کاشان برنده جایزه مرغوبیت باشد.

بدبختانه این هنر نیز با گردش زمان کم کم سیر قهقهرائی نموده و با اینکه هنوز هم معدودی از این شغل فان میخورند بی شبهه باید گفت در صورتیکه از طرف اولیای امور حمایت نشوند در آینده نزدیکی نام مخمل از تاریخ صنایع کاشان محو خواهد شد.

۴- قالی بافی : از قدیم الایام جوشقان کاشان مرکز این هنر بوده و رفته رفته بسایر دهات و همچنین خود شهر وارد شده چنانچه در موزه قم یک قطعه قالی مشاهده گردیده که در حدود پانصد سال قبل بتوسط یک هنرمند جوشقانی بافته شده الحال هم در جوشقان یک نمونه قالی با نقشه مخصوصی بافته من شود که برای مصرف داخلی بسیار مناسب است. قالی بافی از ۸۰ سال پیش در کاشان متداول شده و روز بروز رونق و تعداد آن افزوده گردیده بطوریکه در سالها ۱۳۲۹ و ۳۱۳۰ شمسی در ردیف اولین صادرات این شهرستان بوده ولی از آن تاریخ بعد بواسطه استفاده از رنگ های غیر ثابت وعدم توجه بنقشه و خوبی جنس از رونق آن کاسته شده. نقشه قالی های کاشان تقریباً یکنواخت و از نوع نقشه های شاه عباسی است.

۵- معماری : معماری نیز از خصائص مردم کاشان بوده و با مدارك زندمایی که از خود باقی نهاده اند نشانه آنست که در عصری از اعصار کاشان بهترین هنرمندان این رشته را دارا بوده بناهایی که از عهد ساجوقی تا کنون در این شهر ساخته شده شاهد دوران عظمت و افتخار هنرمندان معماری و مهندسين کاشانی می باشد با آنکه تکرار مطالب جایز نیست برای معرفی هنرمندان این فن اسامی ابنیه مهم باستانی داخل شهر

مقدار معلم ز پدر بیش بود بیش
کاین پرورش ندهد ان پرورش جان

را باز کر دوران از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم!

۱ مسجد جامع با مناره ، مربوط به عهد سلجوقی ۲ - مناره زین الدین ، مربوط به عهد سلجوقی ۳ - مسجد جامع میر عماد ، مربوط به عهد جهانشاه قراقویونلو سلطان ابوسعید کورکان ۴ - بنای امامزاده میرنشاه ، مربوط به قرن هشتم ۵ - بنای امامزاده امیر احمد مربوط به قرن هشتم و نهم ۶ - مسجد زین ، مربوط به دوران صفوی ۷ - مسجد آقا مربوط به قرن دوازدهم ۸ - مدرسه سلطانی از بناهای فتحعلیشاه قاجار ۹ - حمام خان بازار ، مربوط به ناصر الدینشاه که در بناهای اشاره شده تمام فنون معماری ، نقاشی ، کاشی سازی ، خط و آجرریزی با نیکوترین وجهی نمایان است و هر بیننده با اولین برخورد نوع فکری صنعتگران کاشانی رامیستابد.

۶- نقاشی: این هنر نیز از خصائص مردم قایم کاشان است چنانچه در قطعه از نقاشیهای قرن هفتم و هشتم و یک تابلو مربوط به قرن نهم اثر نقاشان چیر دست این شهر نشان میدهد که در فن مینیاتور و دیگران از فنون نقاشی استاد بوده اند. در عصر قاجاریه هنرمندان این دسته شهرت بسزائی پیدا کرده اند که در رأس ایشان استاد مشهور **کمال الملک** کاشانی **میرزا باقر قهصری** را باید نام برد در اینجا تصور میکنم استاد کمال الملک که بانام کاشان توأم است و هنروی لازم بتوضیح نیست. اما هنرمند عالی قدر گمنام ، **میرزا باقر قهصری** را باستناد شعر ذیل از قصیده معروف حکیم قاضی شیرازی بخوانند کان عزیزی شناسانیم (رجوع شود بدقیقه مشهور حکیم در وصف مرمت و ساختمان قسمتی از بنای مرقد مطهر امام رضا (ع) که بدست نقاش نامبرده قهصری نقاشی شده) بدین مطلع:

زهی بمنزلات از عرش رده فرش تو رونق

زمین بیمن تو مسجود هفت کاخ مطبق...

وبعد اشاره به هنر استاد باقر نموده در وصف او میفرماید:

مصراع

که شکل پیل تواند همی کشد به بریق

از اینها گذشته باید میرهاشم ضرابی نقاش زبردست کاشانی را نام برد. چند تابلو از وی باقیمانده که قدرت قلم مشارالیه را نشان می دهد.

۷- خط: هنرمندان این رشته از قرن هشتم باین طرف بقدری فراوانند که برای شناسائی نامشان کتابی جداگانه لازم است زیرا هزاران کتاب و قطعه در همه فنون خط ، از خود بیاد کار گذاشته اند.

پایان

همنشن تو از توبه باید

تا تو را عقل و دین بیفزاید

از آقای مهدی سعیدی

سرانجام نیرنگ و عوام‌فریبی دامستان صداقت و سادگی خرومس و روباه



آن شنیدستمی که روباهی
در دهی میگذشت از راهی
بکناری خروسمکی را دید
مایل از بهر صید او گردید
مگر خودش ساخت بر زبان جاری
با هزاران فسون و مکاری
کای خرومای رفیق دیرینم
آرزو داشتم ترا بینم
دوستم بسود سالها پدرت
مگر آن دوستی شد از نظرت
«دو ستم خستگی و تنگی دل
وقت افسردگی و گاه کسل
بود بساب تو یار و غمخوارم
همه جا او بدی طرفدارم

بهر خواندن ترا رسید آغاز
همه محزون همیشه لنگش
خوش بخوان گر که صاحب هنری
از فریب رفیق مکاره
چشم بست و نمود باز دهن
کاخر این راه شوم را چاهست
بگرفت آن خروم را برنیش
از دل برالم کشید نفیر
بشنیدند ناله اش زکنار
بدویدند جمله از پس و پیش
بتکاپو شد از یعین و یسار
بادلی خون برار نمود نگاه
گفت باید تلافیش کردن
گر که خواهی رهی از این پیکار

پدرت بود صاحب آواز
اهل ده از فراق آهنگش
تو هم اکنون پسر از آن پدري
ساده لوح آن خروم بیچاره
گشت آماده از پی خواندن
غافل اما ز فکر روباه است
جست روباه از کمینگه خویش
چونکه خود را خروم دید اسیر
کرد فریاد و قدق بسیار
همه سگها برای آزادش
زان طرف روبه از برای فرار
دید چون روز خود خروم سیاه
کامد از حیلۀ دوستش دشمن
پس برو به چنین نمود اظهار

ورنه دیگر ره خلاصت نیست که سرانجام شد بر او افسوس بیرید آن خروس و کرد فرار دادم از دست صید خود را مفت که زروی طمع کند فریاد لعنت حق بر آن دو چشمی بباد بر تو و دو ستان تو لعنت شد اسیر سگان درنده کشت از بهر یافتن نومید راه حق را شناختن از چاه	کوبسگها خروس زین ده نیست بشنید این نصیحت او زخروس چون دهن باز کرد بر گفتار ناله از دل کشید روبه و گفت لعنت حق بر آن دهانی بباد گفت پاسنخ خروس بادل شاد که شود بسته لیک دون جهت الغرض روبه فریبنده حيله کرد و بکام دل نرسید باید از سر گذشت آن روباه
--	---

پایان

اینهمه جنگ و جدل حاصل کوته نظری است
 گر نظر پاک کنسی کعبه و بیتخانه یکیت

هر که ناموخت از گذشت روزگار
 هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

آقای قطبی ناظم دانشسرای مقدماتی



آقای رضا قطبی

آقای رضا قطبی دبیر شیمی سابق دبیرستان مابسال ۱۳۰۸ در کاشان متولد شده تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در کاشان تمام نموده و پس از طی دوره شیمی دانشکده علوم در سال ۱۳۲۹ بدبیری دبیرستانهای کاشان منصوب شده اند. آقای قطبی در اواسط سال تحصیلی ۳۵ - ۳۶ به سمت نظامات دانشسرای مقدماتی انتخاب و مشغول کار گردیدند .

بقلم آقای فرنی

اقسام شعر از نظر سخن سرا یان ایران

هنگامیکه ایرانیان توانستند یوغ بندگی و اسارت عرب را که مدت دو قرن بر آنها حکومت میکردند درهم شکنند و تشکیل سلسله‌هائی نظیر طاهریان و صفاریان و غیره نایل آمده‌اند، از همان موقع شعرا و نویسندگان پابره وجود گذاردند و در آسمان ادبیات ایران پرتو افشائی نمودند که نامشان تا بد جاویدان میباشد .

کشور ایران که دارای مناظر زیبا و دشتهای سبز و خرم و هوای شاعر پرور میباشد و یک کشور گل و بلبل معروف شده است ، این مناظر شعرا را بر آن داشت تا هر يك بنوعی مکتوبات قلب خود را تنظیم و بدنیای علم و ادب تقدیم داشتند . اینك اقسام نظم باختصار :

۱ - بیت - بیت یافرد آنستکه دارای دو مصرع و دو قافیه و گاهی ممکن است دارای يك قافیه باشد بیت از حافظ

صبحدم مرغ چمن با گل نواخته گفت

نازکم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت

۲ - قطعه - قطعه بکسر اول و آن شعری است که تمام ابیانش بین دو تا

شانزده باشد و غالباً در مسائل اخلاقی و پند و اندرز سروده شود و در حقیقت بایستی منظور شاعر در آن آشکار گردد .

مثال از : سعدی

گلهی خوشبوی در حمام روزی رسید از دست محبوبی بدستم
بدو گفتم که مشکى با عبیری که از بوی دل آویز تو هستم
بگفتا من کلى ناچیز بودم ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال همنشین در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم

۳ - قصیده - قصیده بر شعری اطلاق میشود که از پانزده بیت کمتر نباشد و تا آنجا که قافیه یاری نماید میتوان سرود ، قصیده دارای مطلع است و عموماً برای مدح ، شکایت و مرثیه سروده میشود .

ابتدای قصیده از مناظر طبیعت ، وصف معشوق و وصف شراب آغاز گردیده و بعد بمدح ممدوح یا بهجوبارثای پرداخته و سپس بصورت دعائی پایان می یابد که در اصطلاح ادب آنرا شریط می نامند . مثال از : انوری :

بر سمر قند اگر بگذری ای باد سحر
نامه اهل خراسان ببر خاقان بر
نامه ای مطلع آن رنج تن و آفت جان
نامه ای مقطع آن درد دل و خون جگر
نامه ای بر رقص آه عزیزان پیدا
نامه ای در شکنش خون شهیدان مضمّن
نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک
سطر عنوانش از دیده محرومان تر
ریش گردد بهر صوت از او گاه سماع
خون شود مردمک دیده از او گاه نظر
تاکنون حال خراسان و رعایا بوده است
بر خداوند جهان خاقان پوشیده مگر؟..

۴ - غزل - غزل در لغت بمعنای عشق بازی است ولی در اصطلاح شعری عبارت از ابیاتی است که شماره آنها بین شش تا چهارده و قوافی و اوزان آنها یکی باشد و مضمون آن بیشتر از عشق عاشق ، بیدادگری معشوق ، فراق ، وصال و هجران باشد و بایستی توجه داشت که غزل دارای مطلع بوده یعنی مصرع اول با تمام مصرعهای دوم باید بیک قافیه باشد . مثال از استاد سخن سعدی :

ما در خلوت بسوی غیر بیستیم
از همه باز آمدیم و با تو نشستیم
هر چه نه پیوند یار بود بریدیم
و آنچه نه پیمان دوست بود شکستیم
مردم هشیار از این معامله دورند
شاید اگر عیب ما کنند که مستیم
شاکر نعمت بهر طریق که بودیم
داعی دولت بهر مقام که هستیم
در همه چشمی عزیز و نزد تو خواریم
در همه عالم بلند و پیش تو پستیم
ای بت صاحب‌دلان مشاهده بنمای
تا تو به بینیم و خویشتن نپرستیم
دیده نگه داشتیم تا سرود دل
با همه عیاری از کمند نجستیم
تا تو اجازت دهی که در قدمم زیر
جان گرامی نهاده بر کف دستیم
دوستی آنست سعدیا که بماند

عهد وفا هم بر این قرار که بستیم

۵ - رباعی - مرکب از دوبیت (چهار مصراع) که تمام قوافی مصارع اول و دوم و چهارم آن بیک قافیه بوده و شاعر در مصراع سوم آزاد باشد. رباعی بر وزن «لا حول ولا قوة الا بالله» می‌آید.

مثال از حکیم عمر خیام :

ای چرخ فلک خرابی از کینه تست
بیداد گری پیشه دیرینه تست
ای خاک اگر سینه تو بشکافند

بس گوهر قیمتی که در سینه تست

۶ - دوبیتی - دوبیتی که آنرا ترانه نیز میگویند عیناً مانند رباعی می باشد و آن صورت کامل شده اشعار دوازده هجائی دوره ساسانی است. مثال از باباطاهر عریان .

زدست دیده ودل هر دو فریاد
کسه هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجر نیش ز فولاد

زنم بر دیده تادل گردد آزاد
۷- **مثنوی** - در لغت بمعنی دوتائی و عبارت از شعری است که ابیات آن
جداگانه دارای قافیه بخصوصی باشد و میتوان گفت که مثنوی ساده‌ترین اقسام شعر
است و بیشتر داستانهای بزرگ ادبیات فارسی با مثنوی ساخته شده است. مثال از مولانا
جلال الدین مولوی :

بود باز رنگانی او را طوطی
در قفس محبوس زیبا طوطی
چونکه بازرگان سفر را ساز کرد
سوی هندستان شدن آغاز کرد
هر غلام و هر کنیزی را زجود
گفت بهر توجه آرم گوی زود
گفتش آن طوطی که آنجا طوطیان

چون به بینی کن ز حال من بیان
۸- **ترجیع بند** - ترجیع بند عبارت از قصیده ایست که بند قسمت شده باشد
در هر قسمت برای خود دارای مطلع و قافیه باشد و در آخر هر قسمت بیتی تکرار شود که
آنها خانه می نامند. مثال از هانف اصفهانی :

ای فسادی توهم دل و هم جان
ری نثار رخت هم این و هم آن
دل رهاندن زدست تو مشکمل
جان فشاندن بیای تو آسان
راه وصل تو راه پر آسیب
درد عشق تو درد بی درمان
بند گانیم جان و دل بر کف
چشم بر حکم و گوش بر فرمان
گر سر جنگ داری اینک دل
ور سر صلح داری اینک جان
تا آنجا که گوید

این سخن می شنیدم از اعضا
همه حتی الوری و الشریان

که یکی هست و هیچ نیست جز او

وحده لا الله الا هو

که بیت اخیر در تمام خانه ها تکرار میشود

۹ - ترکیب بند - ترکیب بند عیناً مانند ترجیع بند می باشد با این تفاوت

که خانه های ترجیع بند ثابت ولی در ترکیب بند هر خانه برای خود مجزاست .
مثال از وحشی بافقی کرمانی :

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید

داستان غم پنهانی من گوش کنید

قصه بی سرو سامانی من گوش کنید

گفتگوی من و حیرانی من گوش کنید

شرح این قصه جانسوز نگفتن تاکی

سوختم ، سوختم ، این را نهفتن تاکی

روز گاری من و دل ساکن کوئی بودیم

ساکن کوی بت عربده جوئی بودیم

دین و دل باخته دیوانه روئی بودیم

بسته سلسله سلسله مروئی بودیم

کس در آن سلسله غیر از من و دل بند نبود

يك گرفتار از آن جمله که هستند نبود

۱۰ - مسمط - مسمط شعری را گویند که دارای سه یا چهار یا پنج مصرع يك

قافیه و يك مصرع قافیه دیگر داشته باشد . مسمط را ممکن است مربع یا مخمس و
ویا بالاخره مسدس و ابداع مسمط را به منوچهری دامغانی نسبت می دهند . مثال از
منوچهری :

کرده گلو پر ز باد قمری سنجاب پوش

کبک فرو ریخته مشک بسوراخ گوش

بلبلکان بسا نشاط قمریکان با خروش

در دهن لاله مشک در دهن نحل نوش

سوسن کافور بوی گلبن گوهر فروش

وزمه اردیبهشت دهر بهشت برین

۱۱ - مستزاد - عبارت از شعری است که در آخر هر مصرع گوشواره اضافه

شود و گوشواره شعر مستزاد با مضاربع اول چندان مناسبتی نداشته باشد، تذکره نویسان
اولین مستزاد را باین حسام هروی نسبت میدهند مثال از هروی :

آن کیست که تقریر کند حال گدارا
در حضرت شاهی

کز غافل بلبل چه خبر باد صبارا
جز ناله و آهی
۱۲ - لغز - لغزیا معما شعری است که شاعر نام یا موضوعی را بر مزیان نموده
تا خواننده بکلمه تجارب خود مقصود شاعر را دریابد . مثال :
نام بت من اگر بخواهی سیبی است نهاده بر سر سرو
که مقصود سی بیست ششصد می باشد که در حرف ابجد با حرف خاء برابر است
و حرف خاء اگر بر سر سرو در آید خسرو میشود . مثال دیگر :
آه مغلوب در میانه شب نام آن سرو ماهرو باشد
منظور شاعر از آه مغلوب حرف ها است که در میان کلمه شب « شهاب »
میشود •

« پایان »

بیگانه از عشق

اثر طبع آقای بهرام تواسعی
دانش آموز سال پنجم ادبی



نه دلم به عشق مایل نه مرا هوای یاری
نه بقلیم آرزوئی نه دلم پی نگراری
نه خیال می پرستی نه بفرک جان وهستی
نه مرا هوای مستی بکنار جو به یاری
نه بمحفل رفیقان نه بمجمع رقیبان
نروم مگر بکنجی و بگوشه و کناری
نه بچشم اشک حسرت نه نشانی از ندامت
به بغم نمودم عادت نه بچهره ام غباری
نکشم ز سینه آهی نکنم بکس نگاهی
ندهد دلم پناهی بنگار کله گذاری
نه نظر بماه دارم نه شبی سیاه دارم
نه بسینه آه دارم نه دل امیدواری
دل من چه خوب داند که بجز جفا به عاشق
نبرد پری رخان را بجهان دگر شعاری

((ناکی))

سوختن در راه عشقت ای مه فتانه ناکی
خون دل خوردن بجای باده و پیمانه ناکی
با فراق یار بودن ، در غم و افکار بودن
تا سحر بیدار بودن ای بت جانانه ناکی
دل شکستن ، سوختن ، آتش زدن ، بر باد دادن
ز آشنایان دل بریدن عهد با بیگانه ناکی
با رقیبان خوش نشستن با حریفان عهد بستن
عاشقان را دل شکستن آخر ای پروانه ناکی
برده ای صبر و قرار و دین و آرام و شکویم
در ره مرغ دلم صیاد ، دلم و دانه ناکی
نیستم دیوانه اما گشته ام مجنون رویت
آخر ای لیلی ، چفا با این دل دیوانه ناکی

کی شود آن دم که در چنگ آورم زلف سیاهت
 حسرت مویت کشد مارا حسد با شانه تا کی
 گشته ام رسوای خلقی تا شدم ساکن بکویت
 شرم و رسوائی بنزد همسر و بیگانه تا کی
 جای اشک از دیده ام جاری است خون دل بدامان
 بر دو چشم اشکبارم خنده مستانه تا کی

از آقای دکتر حسین سیدی

سال و ماه و روز و شب عمری است کز کف می رود
 مگذران بهوده سال و ماه و روز و هفته را
 جهد کن تا چون کمال الملك و فیض و محتشم
 بار ها از سر بگیری عمر از کف رفته را
 خیز و در میدان دانش گوی پیروزی بزن
 ورنه می گیرند از دست تو گوی و چفته را
 خیز تا بخشد بدنای هنر کاشان ما
 گوهر طبع بلند و قالی زربفته را

(فکاهی)

از حسن عاطفی

از حشیش روی قلیان کلام دوار شد
وین جهان و کیتی اندر چشم من طیار شد
قامت قلیان برم احوال نیکوئی گرفت
سروش دگلدسته شد او برج ایفل وار شد
کوزه اش کم کم همی چون گنبد یخچال گشت
نای قلیان بر لبم چون کندهٔ عصار شد
پاکت سیگار د کم کم چو صندوقی بزرگ
چوبک سیگار منداص نخته والوار شد
کیتی اندر چشم من اوضاع دیگر کون گرفت
شب کلاه مشکیم چون کوه آتشیبار شد
بوربای زیر پایم گشت چون دشتی وسیع
لنگه کفش همی ماشین کامو بکار شد
قاشقی کوچک بزودی گشت پاروئی دراز
استکان چائیم چون خمرهٔ خمسار شد
پیکر زرد سماور چهره ای زیبا گرفت
ماه شد خورشید شد همچون بت فرخار شد
موری از پهلوی من بگذشت بر روی زمین
موش شد خرگوش شد چون بره پروار شد
تا که رفتیم من بگیریم بره پروار را
رخش شد شب دیز شد از پیش من فرار شد
از پریشانی همی گردید افکارم خراب
این کراواتم بگردن همچنان افسار شد
قطره آبی نمایان شد چو دربائی وسیع
جام آبی در برم انبار آب انبار شد
این سنخها را حقیقت گفته ام نی از مجاز
هر که بنگی شد چو مخلص کله اش دیار شد

بخوانندگان :

انجمن سالنامه افنخار دارد که توانسته است اولین سالنامه دبیرستان هجده و دبه را در موقع موعود چاپ و منتشر سازد.

گرچه بواسطه نداشتن سابقه کار مطبوعاتی با مشکلات فراوانی روبرو گشته ایم ولی با زحمات و کمکهای جناب آقای **تقی تاس** ناظم عالیقدر خود موفق به چاپ و انتشار سالنامه شدیم.

انتظار داریم اگر عیب و نقصی در آن مشاهده شد بدیده اغماض بنگرید ولی مطمئن باشید که در سالنامه های بعدی رفع این نقائص خواهد شد.

امیدواریم این نشریه که یادگاری از دوره تحصیلی است مورد قبول برادران دانش آموز و خوانندگان گرامی واقع گردد.

در خاتمه لازم است از زحمات دوست ارجمند آقای **مهدی بروجردی علوی** که در راه چاپ این سالنامه بیشتر از سایرین زحمت کشیده است تشکر نمائیم ، ضمناً از کلیه کسانی که در مورد فروش فیوض پیش از انتشار بما کمک نموده اند سپاسگزاری میکنیم

پایان

اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و سی و شش